



نشریه مجاهدین ★ خلق ایران

موج گسترده تحریم انقلابی
روزنامه های حکومتی توسط
نیروها و شخصیت های
انقلابی و ترقیخواه

شماره ۱۴۵

میلاذ
امام عصر (عج)
مبارک باد

در صفحه ۲۲

سال دوم - چهارشنبه ۲۷ خرداد ماه ۱۳۶۰ - شماره ۳۰ ریال

در صفحه ۳

شریعتی
خروشی بر علیه
"ولایت سفیانی"



در صفحه ۲۰

پیام رئیس جمهور به مردم:
بر شما مردم است
که استقامت کنید

خواهر، برادر
با کمال صداقت وضعی را که می بینی برای شما
شرح دادم. به شما می گویم اگر امروز که هنوز وقت باقی
است، نایسایدید و اسبداد را که هنوز فوام نگرفته
دفعه شکر دید و اسبداد با سلطه ی خارجی پیوند
قطعی پیدا کرد، همدی آنقدر که گفتم وید بر از آن را
بر شما خواهند آورد و...
از شهسوار انقلاب اسلامی، اسفلال، آزادی،
جمهوری اسلامی هبج محبوانی بر حاحواهند گذارد

در صفحه ۲

اخطار مجاهدین خلق
در رابطه با حذف
رئیس جمهور دکتر بنی صدر

نام خدا
۳
سام خلق قهرمان ایران
در آستانه ی اجرای آخرین بحش توطئه ی کودتای ارتجاعی
و عزل رئیس جمهور دکتر بنی صدر به ویژه در رابطه با زمزمه ی
طرح مسالده در مجلس، سازمان مجاهدین خلق همچون اکثریت
قاطع مردم ایران که از استبداد زبر برده ی دین بد ستوه
آمده اند، اخطار می کند:
عزل رئیس جمهور که بی شک جان او را نیز جدا در
معرض تهدید قرار می دهد عملا مفهومی جز اعلام جنگ
مرتجعین به تمامی خلق ایران ندارد و در بحبوحه ی جنگ با
عراق حیانتی است آشکار به مصالح ملی ایران که قطعاً نمی تواند
بدون پشتوانه های سازشکارانه ی امپریالیستی متصور باشد. لکن ما
یقین داریم که خلق قهرمان ایران جنگ، فروزان انحصار طلب
را - چنانچه باز هم در خطی که در پیش گرفته اند اصرار ورزند -
برجای خود خواهد نشاند و تمامی کید و مکرهای شیطانی آنان
را به خودشان باز خواهد گرداند. "و لا یحیی المکر السیئ الا
باهل"
مجاهدین خلق ایران
۲۴ / خرداد / ۶۰

مقاومت گسترده در تهران و شهرستانها در برابر
جریان کودتای ضد مردمی مرتجعین حاکم

در بیست و یکمین سال مبارزه ی مجاهدین و میلیشیای قهرمان علی رغم تمامی
حیایات و وحشیگری های جنای داران و سایر مزدوران مسلح ارتجاع، قهرمانانه ایستادگی می کنند و بد
قیمت هزاران اسیر و محروم و شهید از آزادی و استقلال و شرف خلق قهرمان ایران که هم اکنون بد
دلیل جریان کودتای ضد مردمی مرتجعین حاکم و نیز توطئه ی حذف رئیس جمهور در معرض
حدی ترین تهدیدها قرار گرفته است، دفاع می کنند.
در صفحات ۱۰، ۹، ۵، ۱۶، ۲۳ و ۲۴

هشدار نسبت به
حفظ جان رئیس جمهور

نام خدا
۳
سام خلق قهرمان ایران
هموطنان
در لحظات بسیار حساسی قرار گرفته ایم، توطئه ی
گسترده ی سرکوب کلیدی آزادی ها و نیروهای ملی و مردمی و
انقلابی و استقرار اختناق مطلق زیر پرده ی دین، هر لحظه
بیشتر اوج می گیرد. رئیس جمهور دکتر بنی صدر در حال
حذف و برکناری کامل است. بسیاری خواهد دیگر نیز حاکی
از یک سری بند و بست های تسلیم طلبانه ی امپریالیستی در
پشت پرده می باشد.
در چنین شرایط تاریخی حساس هر نیرو، هر فرد و هر
شخصیتی که از وظایف خود سر باز زند تا بداند در پیشگاه
خدا و خلق سرافکنده خواهد ماند. حذف رئیس جمهور نه
تنها حقیقت مطلق را به دنبال خواهد داشت بلکه خدا
سر آغاز مناقشات گسترده ی داخلی است که نهایتاً آزادی و
استقلال جمهوری اسلامی و حتی تمامیت ارضی کشور را
تهدید می کند. گما اینک شاهدید که مراحل مختلف
نوارهای گذاشتی کودتاچیان ارتجاعی چگونه یکی پس از
دیگری پیاده و اجرا می گردد.
از سوی دیگر قانون شکنان حرفه ای که به هیچ عهد و
پیمان و قانون و میثاقی وفادار نیستند یا وقاحت تمام
رئیس جمهور قانونی را به نقض قوانین متهم می سازند،
بقیه در صفحه ۴

حمایت
نیروها و شخصیت های
انقلابی و مترقی از
رئیس جمهور
و هشدار آنان در رابطه با
کودتای جاری مرتجعین و
سلطه همه جانبه استبداد



جنایت هولناک
مرتجعین در رشت

دستگیری، شکنجه و قتل مخفیانه
کارگر مجاهد امیر ارگنجی
در صفحه ۷

در صفحات ۲۴ و ۲۳



پیام رئیس جمهور به مردم: بر شما مردم است که استقامت کنید

بسم تعالی

مردم مسلمان ایران:

شما با رای فاطح خود مرا به ریاست جمهوری انتخاب کردید. اینک می‌توانید از خود بپرسید اگر انتخاب با بوعفات قدرت‌گرایان هماهنگی می‌کردم، آیا در وضعی که مرا در آن قرار داده‌اند، قرار می‌گرفتم؟ اگر زمان شما

سی‌سوم و اعراض نمی‌کردم، اگر وضع کشور را روزانه به شما گزارش نمی‌کردم، اگر هر چه واقع می‌شد را قابوسی می‌سرمدم اگر... یا من این طوری می‌کردند؟ به دین خود و رای و

اعتقاد شما حیانت نکردم و با حائی که توانستم کوشیدم.

سبازی جریان‌ها را به موقع مطلع ساختم و هشدار دادم

صدام را در قیل و قال‌های حواسازان کم کردند و اینک نیز

سلحدم حسین علی (ع) آخچه از خطرها که می‌بینم برای شما پیش‌بینی می‌کنم:

از سه شعار انقلاب اسلامی، استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی هیچ محمواثی سرخا نخواهند گذارد:

۱- استقلال اقتصادی، با بودجه‌ای که تهیه کرده‌اند و با نفی که صادر می‌کنند و با

فرار داده‌هایی که امضاء می‌کنند از بین می‌رود، و چون امنیت

نیست، وضع شما محرومان جامعه بدتر خواهد شد و گرانی

و بیکاری روزگار شما را سیاه خواهد کرد.

۲- استقلال سیاسی بدون استقلال اقتصادی و با وجود ناامنی داخلی و جنگ

خارجی از دست خواهد رفت. ۳- از آزادی، حیر

خدایی نبانده است. فقدان امنیت با بداجاست که لبره

۳۰۰۰ سوماتی دوزال و نیم بیس ۵۰۰۰ سومان شده است.

روزنامه‌ها تعطیل و ریان‌ها نیز سبده شده‌اند و در آینده از

این هم بدتر خواهد شد. گروهی که همدی مقامات را به

صرف خود درآورده است، به لحاظ بدتر شدن وضع و بی

اعتبار شدن در افکار عمومی، روز به روز بیشتر به وسایل

احساق‌آور پناه خواهد برد و خود قربانی همین جریان

خواهد شد. ۴- روزی محکومی در

بای حوسه دار گفت: ای آزادی چه حیانت‌ها که به نام تو

نمی‌کنند امروز، و فردا بیشتر

از امروز، خواهند گفت: ای اسلام چه حیانت‌ها که به نام تو نمی‌کنند. چنان دین را از اعتبار خواهند انداخت تا به نام این دین تا یک قرن کسی سواند حرفی بزند و دعوی به حق بکند.

۵- اسباب هنج گناهی جراس که خواستند استقلال و آزادی و اسلام به عنوان

نصمن کننده‌ی استقلال و آزادی زمینه‌ساز رشد و تعالی

همدجانبی انسان به اجرا درآید، نداشتند و ندارم. از

اسلام نان بخورده‌ام اما عمر را در خدمت بدان گذرانده‌ام.

به شما مردم گفتم کودنای خزنده اجرا می‌کنند و مراحل

آن را هم یک به یک شرح کردم و با اینجا نیز به همان ترتیب

انجام داده‌اند و مرحله‌ی آخر آن که سلب عنوان ریاست

جمهوری و گرفتن جان ایجانباست را نیز دست اندر

کارند تا انجام بدهند. اگر جنس کردند، علاوه بر آنچه

در بالا پیش‌بینی کردم، امور زیر نیز واقع خواهد شد:

الف- برخوردهای پایدار در کشور بر برخوردهای

سلحجانبی کبوسی اضافه خواهند شد و خود بر مشکلات

بالا خواهند افزود، مردم ما کوز و کر نیستند و وضعیت

روزمردی خود را می‌بینند و می‌بینند که دوسال و نیم

حکومت حزب حاکم روز به روز وضعیت کشور را بدتر ساختند

است. امنیت از بین رفته است، اقتصاد فلج شده است جنگ

خارجی و داخلی بدطور مستمر ادامه دارد و اینک خطر

کسرس آن سیرجست. ۲- جنگ حمیلی در

عوزب طولانی شدن به فرسودگی کامل نیروهای ایران

و عراق می‌انجامد و در خاور- میانه زمینه‌ی اجرای برنامه‌ی

امریکا فراهم می‌گردد و همان طور که در جریان کروگان‌گیری

ملاحظه کردید، ناچار به شرایط سنگینی س خواهند داد

همان طور که بیمی به خود راه دادند و روزی گفتند، تا

گروگان‌ها در دست ما هستند، گلوگاه امپریالیزم امریکا در

دست ما ست، و وقتی سلیم شدند، گفتند گروگان‌ها حسن

بسجل بودند و امریکا نمی‌خواست، ناچار شدیم هرطور

هست از سربازشان کنیم. خواهند آمد و خواهند گفت

چاره داشتیم جز این که به شرایط تسلیم بشویم. مردم بدانید:

چهار وزیر خارجه آمدند و پیشنه‌اد کردند که قوای عراق

به داخل خاک عراق عقب - نشینی کنند و مقداری هم از

مرز فاصله بگیرند و از دو طرف حریمی غیر نظامی بوجود

بیاید و بعد موارد اختلاف از طریق سیاسی حل کردند، ما از

آنها خواستیم نقشه بیاورند و روی نقشه پیشنه‌اد خود را

برای ما روشن بگردانند، قرار بود ۱۸ خرداد بیاید که با

ملاحظاتی وضع کشور منصرف شدند. از ابتدای جنگ بدیسو،

امروز وضعیت نظامی ما بهتری وضعیت است. غننده‌ی

اینجانب این بود که اگر ما را به حال خود بگذارند، با چند

پیروزی جسم‌گیر، به سنها پیروزی نظامی بدست می‌آوریم

بلکه نقشه‌های امریکا را در همی مطفد برهم می‌ریزیم و

می‌توانیم عصر سوم را در تاریخ آغاز کنیم. ضربه از

خارج را تحمل کردیم و ارس می‌توانیم راسوقف ساحسیم و

شروع به اضحلال نمودیم. از بنش سر کردند آنچه کردند و

شما از آن اطلاع دارید، وضع جنگ تا این لحظه این طور

است هستیم و می‌بینیم که وضع چطور تحول خواهد کرد.

اگر این خطرها که بر سر مردم، برای شما مردم ملموس هستند

و در دل خود حس می‌کنید که اگر راست می‌گویم و با شما

صادقانه حرف می‌زنم: اگر امساح خود را داده‌ام که مقام

و موقعیت مرا تفریفند و برای وفاداری به دین و رای شما

مردم به همد چیر حاضر شده‌ام اگر بر شما معلوم است که فرق

است میان حرف و عمل، وقتی اسان سوار است سرکش قدرت

شده و وقتی که سوار می‌شود، و اگر می‌دانید که امساح

واقعی وقتی است که اسان اسباب سوار شدن بر مرکب

قدرت خود گامه را دانسد باشد و سوار شود، باور کنید که

خطرها که بر سر مردم، همدی خطرها هستند و خطرهای

جدی هستند. باور کنید برای این که این خطرها پیش نیاید

خود را در هر خطری می‌انکنم باور کنید که یک لحظه از فکر

این خطرها بیرون نرفندام و به هیچ کس خائن نبوده‌ام و

خواستند محیط امن و آزاد اجماعی بوجود آید و کشور

رشد سریع کند. به گمان اینجانب راه چاره آسان است:

۱- روزی که به دزفول رفتم، شهر در حال سقوط بود

با ارسشیان صحبت کردم به آن‌ها گفتم شما به خود باور

کنید می‌توانید دشمن

را موقوف کنید و بشکنید. آن‌ها از اینجانب پذیرفتند. عمل کردند و موفق شدند. با شما مردم سخیم همواره این بوده‌است که به توانائی خود باور کنید. سلیم جوسازان و حماق‌داران بنسود، استقامت کنید، راه‌های استقامت را شما خود در گذشته یافته‌اند و اینک نیز می‌توانید بیابید.

۲- اما با کسانی که سبایرده می‌خواهند کار را بکسره کنند، بارها گفندام و حالا می‌گویم:

۳- برآمدی کاربان حدف احسازان ریاست جمهوری

است، گفتید این حرف دروغ سال است و معلوم شد

دروغگوئی سال که بود - کفتم برنامه‌ی کاربان

حدف ریاست جمهوری است، گفتید بدگمانی و حمال است،

با اسحا آمده‌اند. ۴- کفتم بیائید هماهنگی

بوجود آوریم و با اجرای قانون کشور را از مهلکه بیرون

ببریم، قانون را وسلبدی اجرای‌یات خود کردید و

اجرای واقعی آن را با این حد مشکل ساختند.

۵- کفتم برای برهیز از خطرها، برای آن که مردم

کشور، نگران برآز آخچه‌هستند، نتواند، بیائید:

الف- آزادی‌های مطرح در قانون اساسی را محترم

بشمرید و آزادی بیان و قلم را نامین کنید و مطمئن باشید،

مردم ما عاقل و رسیده هستند و با مقاله‌ها و حرف‌های بحریک

آمیز بحریک نمی‌شوند. ۲- قانون اساسی را

مو بدمو به اجرا بگذاریم و هر جا را که خلاف انجام شده

است در یک محیط نگاهم،

معین کنیم و بازگردیم و قانون را اجرا کنیم - چ- دستگاه قضائی را همان طور که اسلام می‌گوید مستقل و بی‌طرف کنیم و اعتماد و امنیت واقعی را پدید آوریم.

د- بجای پرداختن به حدف همه و همه اعمال زور در برخورد با هر مشکلی

برنامه‌ی برای حل مشکلات کشور به اجرا بگذاریم و از راه

بحث آزاد واقعی، مانع از آن گردیم که برخورد اندیشه‌ها به

برخورد حماق‌ها و اسلحه‌ها بدل گردد.

هواهر، برادر با کمال صداقت وضعی را

که می‌بینی برای شما شرح دادم. به شما می‌گویم اگر امروز

که هنوز وقت باقی است، ناسادید و اسبیداد را که

هنوز قوام نکرده دفع سر کردند و اسبیداد با سلطدی

خارجی بیوند قطعی پیدا کرد، همی آخچه را که کفتم و بدر

ایران را بر شما خواهد آورد... امروز از صبح تا شام و از

سام تا صبح حماق‌داران رسمی و غیر رسمی محل زندگی و کار

رئیس جمهوری منسحب شما را در محاصره دارند و این‌ها

مسننی هستند، می‌تواند هر نظاهری را بکشد و هر ردالنی

را انجام دهند. فردا با شما مردم چه خواهند کرد؟

خداوند را به گواهی می‌گیرم که به وظیفدی خود

عمل کردم: آنچه را که باید به اطلاع شما می‌رساندم،

رساندم. بر شما مردم است که نگران سربوست انقلاب اسلامی

و کشور خود باشید و استقامت کنید.

رئیس جمهوری ابوالحسن بنی‌صدر ۱۳۶۰/۴/۲۲

اطلاعیه دفتر هماهنگی همکاربهای مردم بارئیس جمهور

دست‌های بلند اسعمازگران شرق و غرب پنهان بوده‌است از ملت‌غیور و بیدار خود می‌خواهیم که با تجمع در خیابان‌های اطراف اقامتگاه و دفتر ریاست جمهوری حفاظت از دساوردهای انقلاب و حاصل رای آزاد خویش را خود بدعهده بگیرند و اجازه‌دهند عده‌ای اوباش در جهت منافع بیگانگان رای ملت را بازبچه و صدیق‌ترین مدافع استقلال و آزادی در جمهوری اسلامی را این گونه مورد تجاوز ردیلانده قرار دهند.

به امید یاری خدا و استقامت شما دفتر هماهنگی و همکاری‌های مردم با رئیس جمهور

۶۰/۳/۲۲

بسم الله الرحمن الرحیم ملت غیور و مسلمان ایران به دنبال نهاجم و حسیبانه

استمرار و حماق‌داران منظاهر به اسلام به دفتر هماهنگی همکاری‌های مردم با رئیس جمهور در تهران و برخی شهرستان‌ها چند روزی است که افرادی از همین قماش در اطراف اقامتگاه و دفتر ریاست جمهوری منتخب شما اقدام به نظاهرات غیر قانونی می‌نمایند و با دادن شعارهای اهانت‌آمیز حیثیت اسلام و جمهوریت جوان ما را در بین جهانیان در معرض تحقیر و تمسخر قرار می‌دهند.

از آنجا که با توجه به نجارب تاریخی میهن ما در پشت این شرارت‌ها همواره

موج گسترده تحریم انقلابی روزنامه‌های حکومتی توسط نیروها و شخصیت‌های انقلابی و ترقیخواه

اطلاعیه شخصیت‌های مبارز ایران

بنام خدا

مردم قهرمان ایران! بدسال هجوم‌های بی‌درسی به سربات انقلابی و ممنوع‌الانتشار کردن آن‌ها از ناحیه جناح احصارطلب حاکم، بالاخره در روز دو روزنامه‌ی کبریا انتشار صحیح و عصر (میران و انقلاب اسلامی) و چند روزنامه و نشریه دیگر بوقف شدند، با رسمیه بی‌ثباتی حذف رئیس جمهوری که مقدمات آن را به تدریج فراهم آورده و می‌آورد بدون مقاومت و اعتراض عمومی آماده کرد. این رویداد و هم‌چنین گردآوری حقایق بدسنان در مقابل در ورودی مجلس و بنار نفس و شعارهای رسیده به باره‌ای از نمایندگان با آنجا که آن‌ها رسماً به رئیس مجلس سکایت رسید، ما را به یاد اوائل دوران رضاخان انگلیسی می‌اندازد که او باسی و ارادل را حلوی مجلس جمع می‌کرد تا به نمایندگان مخالف آن دوره نفس بدهند، و مدیران و نویسندگان جرئت را به سلاق می‌بست و بوقف و برور می‌کرد، و سد آجند شد، که تمدت قرارداد نفت دارسی یکی از آن‌ها بود، برآ که دیگر ظلم و ربا‌ی باقی نمانده بود که حلو این حساب‌ها را بکرد.

ما هشدار می‌دهیم که این اعمال بدسندان در بر کشور را دچار استبدادی به مراتب شدیدتر از استبداد رژیم سفاک، گذسد خواهد کرد و جناح

حاکم با تعطیل این نشریات مین عزیزمان را - بدون این که هیچگونه رسمیه اعتراضی و انتقادی باشد- مآلاً به سوی وایسکی هرچه بیشتر به احاطه سوق خواهد داد.

ما ضمن تحریم کلیه نشریات وایسند به حرب حاکم و دولت از شما مردم قهرمان می‌خواهیم که به پاسداری از خون هزاران شهید انقلاب جوانان (خاصه در این لحظات سربوش‌ساز که فرزندان عزیزمان در دفاع از مین به فداکاری - هائی عظیم دست می‌زنند) هم‌چنان که رئیس جمهور مملکت گفتند در مقابل این زورگویی‌ها اسقامت و مقاومت نمائید.

۱۸/ خرداد/ ۱۳۶۰

ظاهر احمدزاده (مهندس) - (آیت‌الله) محمدنقی عالمی (امدان) - بیول علائی (مفسر آیت‌الله طالقانی) - (حجت‌الاسلام) امیر مجد - حاج محمد نادجی - دکتر محمدملکی - احمدعلی بابائی - کاظم محدین - دکتر یوران سربعت رضوی (سربستی) - مهندس بزداں حاج‌حمزه دکتر حبیب‌الله داوران (رشت) - (حجت‌الاسلام) جلال کجدهای - مهندس محمد اقبال - ابودر ورداسی - محمدرضا اسلامی - مهندس نصرالله اسماعیل‌زاده - حسین بفتح - علی اصغر زهمایجی - عبدالعلی معصومی - سیدحسین حسینی.

اعتراض استادان متعدد دانشگاهها و مدارس عالی به توقیف مطبوعات و حمایت از پیشنهاد مجاهدین خلق ایران

بنام خدا

هموطنان معهدوسوارز! بوقیف غیرقانونی بقایای روزنامه‌های غیروایسند به حرب احصارطلب حاکم که از سوی آبادی این حزب صورت گرفته است، حاکی از تلاش مدبوحانه آن‌ها در راه برقراری سلطه کامل استبداد و احسان در جامعه انقلابی مان بوده و بنابر وحشت مدافعان دروغس اسلام و انقلاب از مقاومت‌ها و انساگری‌های ریاست جمهوری و آگاهی‌های روزافزون بوده‌های مردم است.

اگرچه پیش از این‌ها سیر روند برقراری سلطه کامل استبداد و احسان بارها از سوی سازمان‌های انقلابی و به ویژه سازمان مجاهدین خلق ایران هشدار داده شده بود و بارها دکر گردیده بود که وایس‌گرایان در مسیر حمله خود به نیروهای انقلابی کوچکترین عمل ترسناک‌ها را تحمل نمی‌نمایند، اما اقدام اخیر جناح ارتجاعتی حاکم در بورس به مطبوعات می‌نماید علاوه بر بوطنه‌ی سرکوب نیروهای مردمی، در ارتباط با عارض‌های امپریالیستی و حیانت‌های بسیار بزرگ دیگر نیز باشد که مرجعین در پی بوقف نمودن روزنامه‌های غیرحکومتی در سردارند.

استادان معهد دانشگاهها و مدارس عالی ضمن اعتراض شدید به بوقیف مطبوعات، حمایت خود را از نیروهائی که در مقابل موج سرکوب حزب ارتجاعتی حاکم راه مقاومت انقلابی را انتخاب کرده‌اند، اعلام می‌دارند و اجرای پیشهاد

انقلابی مجاهدین خلق مینی بر تحریم روزنامه‌های حکومتی را از همدی هم‌سپهان درخواست می‌کنند. بی‌شک همسنگی تمام مردم سمدیده که رنج حاکمیت ده‌ها سال دیکتاتوری و خفقان را تحمل کرده‌اند، اجازه نخواهد داد که بار دیگر سلطه بی‌حیون و جرای استبداد، راه وایسکی‌های استعماری را در این مین هموار کند.

مرگ بر ارتجاعت

زنده باد آزادی

استادان شهید دادگاهها و مدارس عالی

۶۰/۳/۱۸

اعلام پشتیبانی انجمن حقوق‌دانان مسلمان از تحریم روزنامه‌های حکومتی

بنام خدا

بنام خلق قهرمان ایران

بدسبال اعلام ممنوعیت نشریات انقلابی، ارتجاع حاکم انتشار آخرین روزنامه‌های غیروایسند به خود را بوقیف کرد! اعلام بوقیف، که با صدور اطلاعیه‌ای از جانب دادستانی انقلاب! صورت گرفت، نحت بوش و با سوء اسفاده از مسالدهی حکم احام بذیرت که بیانه و بوجهی برای ادامه‌ی خودکامگی و نسبت حاکمیت مطلقه‌ی احصاری است! تعطیل و بوقف روزنامه‌ها، به وسیله یک اطلاعیه! علاوه بر آن که نقض صریح اصول قانون اساسی است، ضدیت حاکمان ارتجاعتی با قانون و رعایت مراتب قانونی را نیز می‌رساند تعطیل آخرین بقایای روزنامه‌های غیرحکومتی علی‌رغم تبلیغات و هماهوی بسیار بر عدم وجود "بن‌بست" دلیل بارز و حی بدیرش ضمنی "وجود بن‌بست" از سوی دست‌اندرکاران حکومتی است، که ضرورت فریادوم را بش از پیش مطرح می‌سازد، ضرورت برگزاری یک همه‌پرسی، به عنوان راه حلی منطقی برای حل‌گیری از بسنه شدن سبوه‌های دیگر- محمله قهر و انفجار- که خواه ناخواه بوسط مردم برای پایان دادن به خودکامگی‌ها برگزیده خواهد شد.

انجمن حقوق‌دانان مسلمان با محکوم شمردن بوقیف نشریات و روزنامه‌ها، این اقدام را کام دیگری در راه احسان و سلب آزادی‌های مشروع و قانونی دانسته ضمن پشتیبانی از تحریم روزنامه‌های وایسند (کتابان- اطلاعات - جمهوری اسلامی) اعلام می‌دارد که سبها حاره منطقی برای خروج از بن‌بست کنونی که آخرس نمود آن، بوقیف روزنامه‌های غیر حکومتی است، ممکن به آراء عمومی از طریق برگزاری یک فریادوم آزاد و بیول رای قاطع همدی انتشار مردم می‌یاسد.

انجمن حقوق‌دانان مسلمان

۶۰/۳/۱۸

بیا نیهی ۱۶ نفر از نویسندگان و خبرنگاران

در را بطه با موج جدید استبداد

به موج تازه سرکوب تسلیم نشویم

موسسات بزرگ مطبوعاتی هنوز عطش تمام شدنی آن را به احصار قدرت فروسانده است. مردم ایران هنوز از یاد سیردادند که اوج بورس همه‌جانبه به آزادی مطبوعات در نایسان ۵۸ چگونه کشار خلق کرد، حمله به سروه‌های انقلابی و سرکوب سازمان‌یافته‌ی هر ندای مخالفی را در پی داشت.

بقیه در صفحه‌ی ۶

روید سرکوب آزادی‌های مردمی با اقدامات اخیر در زمسده محدودیت هرچه بسسر آزادی بیان و ظلم و نکرار بجوز به حرم مطبوعات، وارد مرحله‌ی کیفی تازه‌ای شده است که در صورت عدم مقاومت گسرنده و بکپارچده سجد همدی مردم آزاده میهنان بی‌گمان به‌مانده‌ی دسناورده‌های انقلاب بزرگ خلق را نیز فریبانی آسان استبداد خواهد کرد، استبدادی که غضب رادیو تلویزیون و

حمایت نیروها و شخصیت های انقلابی و مترقی از رئیس جمهور و هشدار آنان در رابطه با کودتای جاری مرتجعین و سلطه همه جانبه استبداد

بیانیه دههاتن از وکلای

ترقیخواه و انقلابی دادگستری

بنام خدا

مردم آگاه و انقلابی ایران:

درومین ماه سالی که آن را "سال حاکمیت قانون" نامیدند روند آزادی‌کشی و قانون سکی نظام ارجعاعی حاکم بد آنجا رسیده که دیگر از رجاع یارای مفاومت در برابر هرگونه آوای مردمی و ستم آزادی را از دست داده و به عنوان آخرین قدم در این بروید با تک حمله‌ی فاسیسی کلیدی روزنامه‌های غیر حکومتی را بد زیر سیغ ساسور کشیده است. حرکتی که در سیم فضائی کشور با کسرش دادگان های بد اصطلاح انقلاب و بصندتی دادگستری و حاکم کردن جو ارتعاب و تهدید در آن و سنن کابون وکلا سعی کرد با نظام فضائی را بکسرد در کنترل کامل خود درآورده و هرکس را هم که در این مسیر بد مخالفت برخاست بد زیر سیغ کساند.

اکنون دیگر دیکتاتوری با تمام ابعاد خود چهره نموده است و در برابر دیدگان مردمی که دوسال و اندی بیش یکی از حسن‌ترین دیکتاتورهای جهان را بد زباله‌دان تاریخ انکندید عهده می‌زند که هیچ گونه حرکت آزادی‌خواهانه را بحدل خواهد کرد و تمام دهان‌ها را خواهد دوخت و همدی دست‌ها را ظلم خواهد کرد!! و بد خوبی نشان می‌دهد که منظور از سال قانون نیز قانون جماعتی، قانون ۳۰

بنام خدا
قانون تربیت و تحمیق و قانون حاکمیت کامل استبداد دسی است.

با بوجه بد صف‌آرایی فعلی نیروها در جامعه و از آنجا که رئیس جمهور انتخاب شده اکثریت قاطع رای دهندگان کشور است و از آنجا که در طول مدت ریاست جمهوری همواره از حاکمیت قانون و نامین آزادی‌های مردمی دفاع کرده است و از آنجا که نظام حربی فاسیسی سعی دارد با کلیدی اهرم‌های قدرت را در کشور ضمد نماید و با حذف رئیس جمهوری بد نظر خودش آحرین مانع در راه ارضای مطالبات و ممانع انحصارطلبان خود را از میان بردارد و راه سرکوب عمومی مردم و نیروهای انقلابی را هموار سازد، ما عده‌ای از وکلای دادگستری همصدا با سازمان مجاهدین خلق ایران و بد نیروی از مشی اصولی سیاسی این سازمان اعلام می‌کنیم که حمایت از رئیس جمهور در این شرایط و زمانی که در سنگر دفاع از آزادی و مبارزه با احساق و دیکتاتوری است، وظیفه‌ی ملی و مردمی همدی نیروهای آزادی‌خواه و مترقی است و در این صحنه‌ی عملی مبارزاتی است که جریانات و عناصر مردمی ماهیت واقعی خود را بد محک آزمایش تاریخ می‌گذارند (بیانیه‌ی فوق را ۳۲ تن از وکلای انقلابی و مترقی دادگستری امضاء کرده‌اند)

بقیة اصفه‌ی اول

هشدار نسبت به حفظ جان رئیس جمهور

بدنحوی که امروز حتی حفظ جان رئیس جمهور از کمترین تصمیمی برخوردار نیست.

مجاهدین خلق ایران با اخطار قاطع انقلابی علیه هرگونه سونیت نسبت بدخان رئیس جمهور از تمامی خلق ایران روشنگری، هوئیاری، آمادگی و حضور دائمی در صحنه‌ها و مقاومت بیکیفر را طلب نموده در این شرایط حمایت از شخص رئیس جمهور و حفاظت از جان او را یک وظیفه‌ی مبرم انقلابی در سراسر کشور تلقی می‌کنند. بار دیگر بد ایادی حنک‌افروز انحصارطلب اخطار می‌کنیم که از آزادی چروشان و مقاومت متحد سراسری مردم ایران بهره‌میزند و گمان مدارند که توده‌های مردم و نسلی که بار انقلاب را بر دوش کشیدند دست مغلوب فضای پوشالی رعب و وحشت شده‌اند و وظایف انقلابی خود را بخاطر خواهد زد.

مجاهدین خلق ایران

۲۱/ خرداد/ ۶۰

بیانیه شخصیت‌های مبارز ایران

"بنام خدا"

حرف‌کشی‌ها و قانون‌کشی‌ها خواهد حسد، و بد کسان که با انحاد رعب و وحشت در مردم سعی در سرکوب آزادی‌های آنان را دارند اخطار می‌کنیم از سرکوب رژیم خاش کدسند عبرت بگیرند که سروا نی -

الارض فاطروا کف کان عافند الدین بن قیل (زمین را در بوردند و بوندادهای آن را عسفا سکرند با ببینند که عاصب کسان که قیل از سما بودند چگونه بوده است) "قرآن کریم"

۲۲/ خرداد/ ۱۳۶۰
۱- (آب‌الله) محمد بنی عالی (همدان) ۲- بول غلاتی (همسر آیت‌الله طالقانی) ۳- (حجت‌الاسلام) امیر مجد (سرپرست سابق بسیج مستضعفین) ۴- حاج محمد ساندجی ۵- دکتر محمد طلکی (اولین رئیس دانشگاه بعد از انقلاب) ۶- احمد علی بابائی ۷- کاظم منجدین ۸- دکتر بوران سریع رضوی (سرپتی) ۹- مهندس بزدان حاج حمزه ۱۰- دکتر حبیب‌الله داووزان (اساندار سابق کیلان - رشت) ۱۱- (حجت‌الاسلام) حلال کجدهای ۱۲- مهندس محمد اقبال ۱۳- ابودرورداسی ۱۴- محمد رضا اسلامی ۱۵- مهندس نصرالله اسماعیل زاده ۱۶- حسین صفح ۱۷- عبدالعلی معصومی ۱۸- سند حسن حسینی ۱۹- محمد سرف ۲۰- بروین خرسند

مردم ایران! قدرتمندان حاکم با بد نفوط کساندن اولس رئیس جمهور کشور، زسندهای نفوط جمهوری و برفراری استبداد را فراهم می‌آورند. اکنون دیگر بد وضوح بر هنگام روی سده است که بوطندی حریف آقای بی‌صدر رئیس جمهور سنیما و سنیما برای سلط کامل بر اریکدی قدرت است و لاغیر (کنا اس که اگر فرار بر محاکمه و عزل ناند این‌چود دست‌اندرکاران انحصارطلب وابسته بد حزب حاکمند که ناند در سسکاه مردم بد یای سز محاکمه کسانده سوند)، هم‌حسین سرکوب و حسانندی مردمی که بد نانداری از نظام جمهوری اسلامی و دفاع از مقام ریاست جمهوری برخواسنداد حکایت از همسین جریان دارد. در این لحظات حساس بر همدی مردم و سازمان‌ها و گروه‌ها و شخصیت‌های ملی و انقلابی و بد خصوص نامیدگان از مجلس که داندعی برنی - خواهی دارند قرض است که با تمام‌قوا از سلط غول‌استبداد بر این مزر و بوم جلوگیری کنند. ما ضمن اعلام حمایت قاطع از آقای رئیس جمهور دکتر بی‌صدر، بدتمام شخصیت‌ها، گروه‌ها و سازمان‌ها هشدار می‌دهیم که تاریخ سکوت آن‌ها را در برابر این

بیانیه آیت‌الله عالمی

بسم‌عالی

برادران و خواهران آگاه و هوساز؛ ملت مسلمان ایران؛

در شرایط حاضر کشور که همدی سنا با آن‌بواحد و از آن مطلع می‌نایسند سالدی حدت و برکزاری ریاست جمهوری سسحب سنا مردم همدحیر را بحث - السماع فراز داده است. همد می‌دانسد که انحصار- طلبان که بسیر بواضع قدرت را در اختیار دارند نلاس برای نتاحت این‌بست حساس باقی مانده می‌نایسد با همدی بواضع کلیدی حکومت را اسغال نموده و بر تقدرات مردم

بیانیه همافران لجستیکی (قصر فیروزه)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

هسور حند صباحی از انقلاب برسکوه مردم قهرمان ایران که محجر بد سرکوبی رژیم مردور و وابسندی شاه کردید نگذسد بود که جریان‌های انحصارطلب در هوای فضا هرحد بسیر مراکز قدرت کسانخاند با عناوس مختلف شروع بد سرکوب و سلب آزادی‌های مردمی و انقلابی نمودند. اینک در اوج بی‌سرمی وردالت نایسند در ضد حذف ریاست جمهوری مسحب مردم برآمده‌اند برهیج فرد آزادی‌خواهی بو سده‌بست که این‌بصصم خودکامگان سرسب قدرت چیزی بست جز وحشت آن‌ها از انضاکری‌های مداوم و بی‌دریغ رئیس جمهور و آگاهی روزافزون مردم لذا ما با بوجه بد حساسیت شرایط حاکم بر کشور عزیزمان ایران لازم می‌دانیم که با جدید حاطره روزهای ناسکوه تمام ۲۲ بهمن ضمن هسداری جدی بد این عوام‌فریبان مسبب حمایت بی‌دریغ خویش را از مقام فرماندهی کل قوا در قبال بوطنده‌های مزورانه‌ای که هر روز در سکی جدید در راه حذف و برکزاری ایشان صورت می‌گیرد اعلام نمائیم.

همافران لجستیکی (قصر فیروزه)

**

بر این اساس وظیفه‌ی ملت خوشناس و پیرو مکتب معنی اسلام عزیز ایجاب می‌کند که بد هر طریق ممکن با حفظ آرامش و انضباط حمایت کامل از ایشان بنمایند با از بی‌آمدهای ناکوار که حذف انسان بد دنبال خواهد دانست جلوگیری کردد و همان طوری که همد می‌دانسد حذف آقای دکتر بی‌صدر که لسانت و کارداسی خود را در این مدت بد اسباب رسانید مقدمه‌ی سرکوب آزادی‌ها و احساق بسیر و کساندن کشور بد آسوب‌های داخلی و استیلائی محمد اسعمار بر کشور عزیز اسلامی‌مان خواهد کردید. والسلام علیکم ورحمده‌الله وبرکانه محمدبنی عالمی ۲۱/۳/۶۰

بیانیه سیاسی مجاهدین خلق ایران در رابطه با بمباران تأسیسات اتمی عراق و یک سؤال از هیئت حاکمه ایران

به نام خدا

به نام خلق قهرمان ایران

هم میهن عزیز!
چنانکه شنیدید اخیراً رژیم جنایتکار اسرائیل با سوءاستفاده از شرایط جنگ عراق و ایران به بمباران تأسیسات اتمی عراق مبادرت ورزیده است.

البتّه این موفقیت دشمن غاصب در جبهه شرقی اش، در ادامه جنگی که انحصار طلبان ایران (تحت شعار صدور انقلاب) زمینسازی نموده و مستبدان عراق آن را با تجاوز به حقوق و زندگانی زحمتکشان میهن ما به منصفی ظهور رسانده اند، چیز غیرمنتظره‌ای نیست. و به همین دلیل بود که "مجاهدین خلق ایران" از آغاز جنگ، آن را چه بطور

منطقه‌ای و چه بطور بین‌المللی اساساً جز در خدمت منافع امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم ندانسته و شعار استراتژیک "همه سلاح‌ها و امکانات دو ملت برادر علیه امپریالیسم و صهیونیسم" را به نفع تمام خلق‌ها و انقلابات منطقه و بخصوص انقلاب فلسطین عنوان نمودند. دقیقاً در همین رابطه نیز نشریه "بازوی انقلاب"، ارگان گارگری مجاهدین خلق صهیونیسم را به نفع تمام خلق‌ها و انقلابات منطقه و بخصوص انقلاب فلسطین عنوان نمودند. دقیقاً در همین رابطه نیز نشریه "بازوی انقلاب"، ارگان گارگری مجاهدین خلق صهیونیسم را به نفع تمام خلق‌ها و انقلابات منطقه و بخصوص انقلاب فلسطین عنوان نمودند.

ضمانت همان ایام در بیانیه سیاسی مجاهدین راجع به جنگ پیش‌بینی شده بود که در خاتمه‌ی چنین جنگی امپریالیست‌ها لااقل یکی از طرفین را که منجمله به لحاظ زیر ساخت‌های اقتصادی و

موقعیت سوق‌الجیشی استعداد و اهمیت بیشتری داشته باشد به جانب خود جذب خواهند کرد.

در این میان سؤالی که اکنون در ارتباط مستقیم با مسائل جاری کشور پیش از پیش مطرح می‌شود این است که: در حالی که بدنبال بر ملا شدن اسرار توافقنامه‌ی تسلیم طلبانه‌ی ایران و آمریکا بر سر آزادی گروگان‌های جاسوس به اثبات رسیده است که برغم تبلیغات رایج جبهه متحد ارتجاع دولت غیر "میانه‌رو" خود از مطلوب‌ترین طعمه‌های (ولسو موضعی) امپریالیسم آمریکا است، در حالی که بنا به اقرار صریح رئیس مجلس در اظهارات مورخ ۱۹/خرداد ماه جاری اسرائیل جز با فرمان و

بویژه در آستانه‌ی حذف رئیس جمهور و فرماندهی کل قوا، چگونه تعبیر می‌کنند؟

و آیا اصولاً چنانکه در اعلامیه‌ی ۱۸/خرداد/۶۰ مجاهدین هشدار داده شده سازشکاری‌ها و بند و بست‌های امپریالیستی دیگری نیز در کار است؟

همچنین از دست‌اندرکاران انحصارطلب می‌پرسیم که پیرامون گزارشات متعددی که در گوشه و کنار جهان راجع به استفاده‌ی ایران از سلاح‌ها و تجهیزات اسرائیلی منتشر شده است چه توضیحی دارند؟

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و طفل نامشروع اسرائیل

مجاهدین خلق ایران
۶۰/۳/۱۹

۱۳۰۴/۰۱/۲۰۳/۱۹۲
بسمه تعالی
از معاونت ف لوج نزاجا در امور تعمیر و نگهداری دایره‌ی جنگ افزار به فهرست گیرندگان ۵۹/۹/۱
موضوع - محور اعلام جنگ افزارها پیرو دستورالعمل شماره ۵۹/۴/۳۱/۱۶۰۴/۰۱/۲۰۴ ۶۳
اخیراً مشاهده شده که روی بعضی از جنگ افزارها علائم و نشانه‌هایی از برخی از کشورها و سازمان‌های غیر ایرانی موجود است که از نظر سیاست خارجی به صلاح کشور جمهوری اسلامی ایران نمی‌باشد.
خواهشمند است دستور فرمائید با استفاده از روش دستورالعمل پیروی بالا نسبت به محور آثار و علائم مورد نظر از روی جنگ افزارها و سایر اقلام اقدام لازم معمول دارند.
معاونت ف لوج نزاجا در امور تعمیر و نگهداری سرهنگ ستاد رضائیفرد
رونوشت جهت اقدام به شرح فوق به فهرست گیرندگان فرستاده می‌شود.
رئیس اداره لحتیگی سرهنگ گیرندگان:
ف گروه ترابری / گردان‌های ۶۰۶ - ۶۰۷ - ۶۰۹ - ۶۱۰ - ۶۱۱ (۶۱) آموزشگاه رانندگی - پاسوری - ف پشتیبانی ارکان - رده ۳ قسمت ترابری قرارگاه - پست مهندسی - پاسداری - ف پست ترمینال‌های مرکز - جلفا - اندیشک - بندر امام خمینی

یک سند بسیار گویا در مورد مواضع ضد امپریالیستی ارتجاع حاکم !!
هیات حاکمه ارتجاعی ایران برای اثبات مواضع خلی ضد امپریالیستی !! خود به کارگزارانش دستور داده است که مارک سلاح‌هایی را که از خارج وارد می‌شود محو کنند!! در ضمن هیچ استثنائی هم برای مارک سلاح‌های امریکائی و اسرائیلی قائل نشده‌اند. چرا که علی‌القاعده بایستی نوک نیز این گونه مواضع قاطع ضد امپریالیستی!! اساساً منوجه امریکای جهانخوار و اسرائیل صهیونیست (و به قول مرجعین، رژیم اشغالگر قدس) باشد!!
به سند زیر که از نشریه بیکار شماره ۸۸ کلیشه شده بوجه کنید:

بسمه تعالی
از معاونت ف لوج نزاجا در امور تعمیر و نگهداری دایره جنگ افزار به فهرست گیرندگان ۵۹/۹/۱
موضوع - محور اعلام جنگ افزارها پیرو دستورالعمل شماره ۵۹/۴/۳۱/۱۶۰۴/۰۱/۲۰۴ ۶۳
اخیراً مشاهده شده که روی بعضی از جنگ افزارها علائم امریکائی و اسرائیلی قائل نشده‌اند. چرا که علی‌القاعده بایستی نوک نیز این گونه مواضع قاطع ضد امپریالیستی!! اساساً منوجه امریکای جهانخوار و اسرائیل صهیونیست (و به قول مرجعین، رژیم اشغالگر قدس) باشد!!
به سند زیر که از نشریه بیکار شماره ۸۸ کلیشه شده بوجه کنید:
رئیس دایره لحتیگی سرهنگ ستاد رضائیفرد
۱۴۱۱/۰۲/۱
۵۹/۹/۱
ف گروه ترابری / گردان‌های ۶۰۶ - ۶۰۷ - ۶۰۹ - ۶۱۰ - ۶۱۱ (۶۱) آموزشگاه رانندگی - پاسوری - ف پشتیبانی ارکان - رده ۳ قسمت ترابری قرارگاه - پست مهندسی - پاسداری - ف پست ترمینال‌های مرکز - جلفا - اندیشک - بندر امام خمینی

اطلاعیه مجاهدین خلق ایران در باره حادثه تأسف بار زلزله کرمان
بناام خدا
و بناام خلق قهرمان ایران
هم میهن عزیز!
همان‌طور که اطلاع دارید، بار دیگر بلای خانمانسوز زلزله، باعث شدن خسارات بسیار عظیم جانی و مالی بر مردم زحمتکش و محرومان در کرمان گردیده است. به طوری که در برآوردهای اولیه، هزاران نفر در این ماجرا، جان خود را از دست داده یا بی‌خانمان شده‌اند.
بی‌تردید در شرایط امروز جامعه‌ی ما، که پس از گذشت بیش از ۳۰ سال و نیم از انقلاب شکوهمند خلق، نتنها هیچ گامی در جهت بهروزی محرومین جامعه و از بین بردن قید و بندهای امپریالیستی برداشته نشده، بلکه با سیاست‌های نادرست و انحصارطلبانه، با بذل و بخشش ثروت‌های خلق به امپریالیست‌ها، با آستان بوسی درگاه آنان و قرار و مدارهای پنهان امپریالیستی، جامعه به سمت وابستگی بیشتر به امپریالیست‌ها سوق داده می‌شود، طبیعی است که میهن و مردم ما هر روز با بلایا و مصائب تازه روبرو شده و حوادثی این چنین نیز با تلفات و عوارض وحشتناک همراه باشد.
مجاهدین خلق ایران ضمن تسلیت به خلق قهرمانان به خصوص مردم ستمکشیده‌ی کرمان، خود را در مصیبت آن عزیزان شریک و سهیم دانسته و ضمن اظهار تأسف از سیاست‌های انحصارطلبانه‌ی مرتجعین حاکم که در شرایط درد و مصیبت نیز مانع از بسیج نیروهای مردمی و التیام سریع تر زخم‌های مصیبت‌دیدگان می‌شوند و در عین حالی که بر اساس تجارب قبلی (زلزله، سیل و جنگ) همواره در این موارد جواب نیروهای انقلابی را با دستگیری، شکنجه، شلاق و زندان داده‌اند، باز هم نهایت تلاش‌های خود را به کار خواهند بست تا به وظیفه‌ی خویش در التیام زخم‌های مصیبت‌دیدگان این حادثه عمل کرده باشند.
مجاهدین خلق ایران
۶۰/۳/۲۳



نامه سرگشاده جمعیت اقامه

به آیت الله خمینی

در مورد دستورات غیر قانونی

بسم خدا
حضرت آیت الله خمینی
رئیس جمهوری اسلامی ایران

اعلام سال "حکومت فایون" گذار طرف مقام رهبری در آغاز سال جاری صورت گرفت. این انتظار را در بین مردم بوجود آورد که خود آن حضرت بیش از هر مقام و شخص دیگری در نفیوت سیاسی قانون اساسی که ماکون بارها از طرف مسئولان نقض شده و حقوق مطرح مردم در آن سال گردیده کویا باشد. ولی حضرتی مورخ ۶۰/۳/۱۸ آن حضرت در حیننه حزاران علی رعم ناکند فکر بر ضرورت رعایت قانون، نگاری هاشی را در این رابطه بنس آورده. و سوالات متعددی برای مردم مطرح کرده است. از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- تخریب شما بر حلت و دستگیری سحرانامی که "سج می آفرینند" و تسلیم آنان به دادگاه، خطاب به ماموران انتظامی به اسناد کدام اصل قانون اساسی صورت گرفته است؟

مگر نسبت به دولت را بر عهده می مردم گذارده، مخالفت با این عمل دادسای حرو و طایف و به طریق اولی حقوق مردم محسوب می شود. ولی تصریح شما بر این که هرکس که با حکم دادسای مخالف باشد مخالف اسلام است، عملا مردم را از ادای این وظیفه باز می دارد و قانون اساسی را تضعیف می کند. مضافا که حسن عسری در عرف جامعه ما حکم اربداد و کتر را دارد و با توجه به حکم سریع شما در مسالده ۱۰۶ توضیح - المسائل مسی بر این که حتی انکار ضروریات دین فقط در صورتی که عالما و نه معنای انکار رسالت پیامبر باشد موحت کفر است. عمل خلاف قانون دادستان از ضروریات دین، بر سر سرده می شود.

- ۳- بنا به اصل ۲۷ قانون اساسی "تسکین اجتماعات و راه مسالیه ها بدون حمل سلاح به شرط آن که محل به میای اسلام باشد آزاد است" یا این وصف آیا تصریح شما بر حرام بودن سس بازار

راه مسالیه و حتی اسباب اطلاع و مادی سرگشاده در حکم نقض اصل ناد شده و بصیغ فایون اساسی نیست؟ و آیا اغراض به عمل خلاف فایون دادستان از متولیدی "احلال در سالی اسلام" تلقی می گردد، که در این صورت، حد سرعوسی برای قانون اساسی تعلی از نظر اسلام باقی می ماند؟

امید که با توجه به ناکندات مقام رهبری بر رعایت نفوی و وزع اسلامی که در روز ۶۰/۳/۶ خطاب به نمایندگان مجلس ایراد فرمودند، تذکرات فوق سبها از در بحدی وظیفی امر به معروف و نپی ار مسکر بلقی سود و ماند باسندی هرجه بسر همگان در نفیوت و تکمیل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران گردد.

با تقدیم احترام
جمعیت موافقت تراخا و
تکمیل قانون اساسی (افامد)
۶۰/۳/۱۸



نظر استاد علی تهرانی در مورد توطئه ارتجاعی حذف رئیس جمهور

بسم تعالی

بظر ملت سرف ایران را به نامدای که به آیت الله خمینی به تاریخ ۵۸/۱۰/۲۵ در آساندی اسحابات ریاست جمهوری بوسم و جرائد منسر کردند جلب می نمایم که در آن برده از روی بوطندای که در سرف وقوع بود (و چند نفر از سران حزب جمهوری اسلامی می خواستند در زیر بوسس فردی که برای ریاست جمهوری کاندیدا کرده بودند، دولتی بسکیل دهند و سواری به اصطلاح انقلاب رای اعتماد به آن دولت دهند و سس آن دولت اسحابات مجلس سورا و سایر سوراها را برقرار نماید و در نسخه توانی سه گانه و سراسر ازگان های حکومتی و مدیریت کشور در حکم آن چند نفر قرار گیرد) برداسم. و اسنگ با دآور می سوم که سس از سکت در آن بوطئه به طرح بوطندهای بی درمی دیگری دست نازیدند تا بدان حدت سوم از راههای دیگر نائل شوند و تهریا طرح و بصورت اسن لایحه سیر یکی از آن هاست و سایر اسن اسها به هیچ وجه خواستار جمهوری اسلامی نا قانون اساسی نیستند نا در فکر رئیس جمهوری آینده کشور باشند بلکه خواستار یک دیکتاتوری سکنده بر اسن سواند که در آن سرفی محدود با افزودن حریفی بزور به دو حریف زر و روزر سابق بر یک ملت برزک و کشور وسیعی حکم براسند و آنان را کلدوار نا همناسد غلترازی مورد سپهر دیگری و ترانسپرداری قرار دهند و خلاصه فعلا در صدده نا کنار ردن حیات آقای ذکیر سی صدر یک فرد مطیع و همناسد خوبی را به اسم رئیس جمهوری بر بزم محصل نمایند و کاری به مصالح اسلام و ملت و آینده کشور ندارند و نه گمان اسحابت حتی از آینده تاریک خود سیر غافلند... اسن سلطه حویان و جاده صاف کسندگان امیرالینسم... سبها در فکر قدرت طلبی و مکتب جوئی و محصل خود و حواسات های نادرست و انحرافی و بحد کاندی خود بر ملت اند نه در فکر اسلام با جمهوری اسلامی نا موحده سوند که سکنس رئیس جمهور نظام و همناسی به او سکت اصل نظام است. و سعلم الدین ظلموا ای سفلت سفلیون
۶۰/۳/۱۸

بیانیهی ۶۱ نفر از نویسندگان و خبرنگاران در رابطه با موج جدید اسبداد

به موج تازه سرکوب تسلیم نشویم

از کارگران، نویسندگان و همدی کارکنان مطبوعات می خواهیم که با بیوسس به مردم نقش درخور خود را در آزاد ساختن مطبوعات از سبطردی رباکاران غاصب انفا کنند. همه باید بدانیم مردم بیش از یک بار به پادهای مصلحت جوینان و بوحیدگراندی مطبوعات را در تسلیم به اسبداد و حفتان و نهایت در سبگاری های قدرت برسان بخواهند حسد؛ م. ابوسرای - موسی اسوار - محمد علی اصفهانی - غلی اکبر اکبری - اکرم الدین - محمد ابوبی - سعیدی باقری (آزاد) - فرخ نامدادان - رضا براهنی - ناصر باکدامن - کماندخت بروی - باقر پیرهام - بزرگ بورجعفر - یازغلی بوزمقدم - سید ناصر بخارده -

سربات جیره خوار و سایر امکانات به غارت برده شده از خلق، همچون گذشته در من فرهنگ فریب و ریا بر هر جنبایی لیبس مشروعیست بیوشانندو در نهایت، هراچده را که سالی از آزادی و آگاهی دارد لکد مال کنند... ما جمعی از نویسندگان و روزنامه نگاران با دآور می سوم که حسن جریانی نا بوجد به جریانات سلخ تاریخی و واقعبات های اجتماعی، خناخند با مقاومتی مردمی بزور سبندو در نهایت به بریانی رندانها و تسکندگاههای بیسیر خواهد انجامید و میدان های سیر را بیس از اسن بدخون ناک برین فرزندان سپهن جویبارمان رنگین خواهد ساخت. ما در اسن سرباط حساس

مردم ایران به خاطر دارند که همزمان با قرارداد تسلیم - طلبانه و تسکین با آمریکا بر سر آزای حاسویان و قراردادهای خیانت بار دیگری که بندهای وابستگی را بر خلاف شعارهای دروغین "استقلال" بر دست و پای آنان محکم تر می یازد، چگونه دایرهی سگ آزادی فعالیت های سیاسی سروهایی انقلابی، سگ بر از سسند... و اسن حسن است که از خود می پرسند اسک باز حد بوطندای دیگری در کار است؟ اسک باز حقیقت و سرات و استقلال و هسنی خلق در سست کدام میز و بر سر کدام سفردی یغما دارد معامله می شود؟ بی تردید اسحصار طلبان خواهند کوشید نا از طریق رادیو و تلویزیون عصبی و

اصلی و دوم تصریح دارد که "هیچ کس زانیی توان دستگیر کرد مگر به حکم و برسیی که فایون معنی می کند" و سوال اساسی این است که کدام قانون، دستور عام رهبری در دستگیری افراد را معین کرده است. لحن سخن شما در این باره چنان بود که جواز جلب و دستگیری را همراهِ با تشخیص موضوع به عهدهی ماموران انتظامی که بنا بر قانون باید سبها ضابط اجرائی دستگاه قضائی و نه سحخیص دهندهی موضوع باشند، می گذاشت، که خود از موارد تصریح نقض برخی از اصول قانون اساسی و خلط مسئولیت ها بد نظر می آید.

- ۲- حکم اخیر دادستان انقلاب مرکز دایر بر توقیف چند روزنامهی کشور، خارج از محدوددهی اختیارات نفویضی سواری انقلاب و صریحا با اصول قانون اساسی مربوط به آزادی های بیان و عقیده از جمله اصول ۲۴، ۲۶ و ۱۶۸ سناقص بوده، و از اسن رو سنا به اصل هشتم قانون اساسی که وظیفی امر به معروف و سبھی از

- حسن تهرانی - بر بجهیر
- نابیی - مرصی
- نققان - مهدی خا - اسبهرانی
- بروزر خرسند - مهیار خلیلی
- اسماعیل خوئی - علی
- دهبایی - نوری دهکردی -
- مجنبی راجی - سوحیر راد -
- فاحی ریحانی - حسن
- رمضان زاده - سعود روحانی -
- عبدالمحمد روحخسان -
- کامبیر روسا - ناصر زرانی -
- غلامحسین ساعدی -
- محمد علی سابلو - مهدی
- سحابی - احمد ساملو - م -
- سزار - مجید سقی - ایرج
- شکری - شهریار سمس املی -
- علی شیرازی - جواد طالعی -
- داریوش طاهری - حسن فدایی
- کریم تقصم - موسک
- کلسری - موسک کلمکانی -
- سروز کوزان - سنا سفکر -
- محمد محمد علی - جواد
- مجاوی - ابراهیم ملک
- اسماعیلی - نعمت
- سروز زاده (م - آرم)
- محمد کاظم موسایی - هما ناطق
- عمید ناغینی - ع - بوران -
- بهمن سروهاند - منصوره هاسنی
- سوحیر هزارخانی - محسن
- ملفانی

جنایت هولناک مرتجعین در رشت

ر بودن، شکنجه و حشیا نه و سرانجام غرق کردن یک مجاهد خلق توسط مزدوران مسلح ارتجاع

شماره ۱ در صفحه ۱۸ (مراجعه کنید) بر اثر بی‌گیری و مراجعه‌ی مرکز خانواده‌ی امیر به کمیته‌ی مرکزی رشت سرپرست کمیته که خود کاملاً در جریان ماجرا بوده و شریک در جنایات، برای نترندی خود به دست و پا افتاده و ناخواسته قابل اصلی را لو می‌دهد. سرپرست کمیته مرکزی رشت در نامه‌ی خطاب به خانواده امیر ارگنجی می‌نویسد: (به سند شماره ۲ در صفحه ۱۸ مراجعه کنید) "بدین وسیله به خانواده امیر ارگنجی ابلاغ می‌گردد برای دومین بار که شخص امیر ارگنجی اصلاً یک ساعت هم در کمیته بازداشت نبوده و در تاریخ ۶/۲/۶۰ توسط فرشیید ابادری به کمیته آورده ولی توسط سرپرست کمیته از پذیرفتن آن خودداری می‌شود و دوباره فرشیید به عنوان این که به سپاه می‌برد از کمیته خارج می‌گردد".

جنایت هولناک:

اما دیباچه‌ی ماجرا، طبق تحقیقاتی که تاکنون صورت گرفته به شرح زیر است: بعد از ضرب و شتم شدید امیر در کمیته رشت، محمد علی ابادری معروف به "فرشیید فالانژ" همراه چند تن دیگر از لیب‌ها و مزدوران معروف به نام‌های "فرزاد دشتی زاده" و "حجت عابد مقاسی" و... امیر را به بیابان‌های بین امام زاده هاشم و رودبار می‌برند. در آنجا این جلادان قسی‌القلب ابتدا چشم و دهان امیر را با یارچدی سفید و دست و پای او را با طناب نایلونی می‌بندند و سپس بی‌رحمانه مورد شکنجه قرار می‌دهند.

حاشایکاران مزدور برای پوشاندن جنایت خود و فرار از عقوبت، سنگی به پای امیر بسته و بیکرونیمه‌جان او را در حالی که چشم، دست، دهان و یاهایش را بسته بودند به دریاچه سد تاریک می‌اندازند. اما ۱۵ روز بعد هنگامی که کارگران روز مشغول پاک کردن دریاچه‌های سد بوده‌اند، جنگ آنان به جسد برادرشان آب می‌آورد. کارگران زحمکش بلافاصله موضوع را به پاسگاه بقیه در صفحه ۱۸

می‌برند. امیر در آنجا نیز مورد ضرب و شتم رئیس کمیته به نام محمدحسن نصیبی واقع می‌شود. نصیبی مزدور نا لکد حنا به بعضی امیر می‌زند که او از درد به خود بیخنده و بیحال بر روی زمین می‌افتد. پس از آن به دستور نصیبی، ابادری بیکر نیمه‌جان امیر را به بیرون از کمیته به نطفه‌ی نامعلومی می‌برد. پدر و مادر خانواده‌ی رحمکش امیر که از عبیت چند-

برادر مجاهد امیر ارگنجی هنگام حمل‌نشریه دستگیر و به کمیته مرکزی رشت برده می‌شود در آنجا توسط محمد حسن نصیبی رئیس جنایتکار کمیته مورد ضرب و شتم شدید واقع می‌شود و بعد با آن محمد علی ابادری (معروف به فرشیید فالانژ) همراه چند تن دیگر از مزدوران ارتجاع به نام‌های "فرزاد دشتی زاده" و "حجت عابد مقاسی" و... بیکرونیمه‌جان امیر را به بیابان‌های بین امام زاده هاشم و رودبار می‌برند. در آنجا ابتدا چشم و دهان امیر را با پارچه‌ی سفید و دست و پایش را با طناب نایلونی بسته و بعد از شکنجه‌ی مجدد، سنگی نیز به پای او بسته و او را به رودبار دریاچه‌ی سد تاریک می‌اندازند.

جسد مجاهد شهید امیر ارگنجی بعد از بیرون آوردن از دریاچه سد



دست و پای و چشم‌های او را بستند و ناجوانمردانه او را به شهادت رساندند اما به خون پاکت سوختند که بعد از تو هزاران هزار امیر دیگر با چشمان باز و گام‌های استوار و دستان کشاده راه تو را تا احواء هرگونه ظلم و شتم و عوام‌فریبی، تا نابودی کامل امپریالیسم و ارتجاع و استثمار ادامه خواهند داد.

حندی پس در هنگام افسای اولس نموده‌های سکند بوسیم که:

"به دلایل کوناگون و محمله به خاطر بناسل انقلابی حامع و سر نانت حاکمت کنونی، حداطل در کوناهدت نکرار نماهی صحنه‌ها و عملکردهای رژیم ساد امکان- بدبر نیست." اما در همانجا بلافاصله کنسیم که: "راه‌های طولانی خمسه با کام‌های کوچک شروع شده‌اند."

اکنون بعد از گذشت ۷ ماه از اس سخن به نظر می‌رسد که همیشه حاکمه و مرتجعین حاکم بر ایران اصرار دارند در رشت سکند و قتل و جنایت سر خمساند سایر زمیسه‌ها و محمله انعقاد تراردادهای اسارت‌بار و خانسانه‌ی وابستگی‌آور بسا امیرالیبست‌ها به جای قدم‌های کوچک، "گام‌های بلند ضد انقلابی" بردارند. به نحوی که مسافانه همد روزه خبر جدیدی از جنایات حکام ضد سرخ و مزدوران مسلح‌آنان می‌رسد، و راسش ما کمان نمی‌گردم مرتجعین حاکم با چنین سرعبی با جای پای جنایتکاران رژیم آریامهری بگذارند.

اکنون شاهدیم که حضرات اسلام‌بناده در مواردی روی اسلاف آریامهری خود را برسفید کرده‌اند، از سرور سران خلق ترکمن در زندان‌ها گرفته تا شهادت‌های متعددی که نازگی‌ها در زندان‌ها رسم شده و با سرورهای کوناگون بوسط باندهای سیاه در بربزو تروبین و نهران همه و همه نموده‌های روشن و انکارناپذیر چنین جریان ضد انقلابی می‌باشند.

ر بودن، شکنجه و سرانجام غرق کردن برادر امیر ارگنجی در رشت از حمله‌ی

روزی وی نگران شده بودند به مقامات و ارگان‌های رسمی و محمله دادسانسای انقلاب رشت و اسنان و سپاه و کمیته مراجعه می‌نمایند اما بسیاری از ایسان علی‌رغم اطلاع از جنایات پشت پرده تا به خانواده جواب نمی‌دهند و یا آن‌ها را دست به سر نموده و اظهار بی‌اطلاعی می‌نمایند. خانواده‌ی امیر که با سوابق جنایات مرتجعین آشنا بوده‌اند، حساس‌تر می‌شوند و یافشاری بیشتری می‌کنند... انقلاب اسلامی رشت در تاریخ ۹/۲/۶۰ نامه‌ی خطاب به سرپرست کمیته مرکزی رشت نوشته و خواستار روشن شدن موضوع می‌گردد. (به سند

می‌رود. و اینک شرح ماجرا: در تاریخ ۶/۲/۶۰ برادر "امیر ارگنجی" که از کارگران زحمکش روسنای "سنگر" و از برادرانی بود که به صفوف سلیشیا بیوسه بود در حالی که حامل ساک محبوی بعدادی نشریه برای روسنای "سنگر" از بواب کوجصفهان بوده، در حوالی شهرداری رست مورد سوء ظن و بهاجم مزدوران تحت سردسنگی فالانژ معروف شهر به نام "فرشیید ابادری" واقع می‌شود. امیر از همانجا شروع به افشاگری می‌کند و چماق‌داران مزدور نیز او را به شدت مورد ضرب و شتم قرار داده و در همان حال به کمیته‌ی به اصطلاح انقلاب

حد در برین و فجع برین حشایی است که در نوع خود کم نظیر است. این برادر در تاریخ ۶/۲/۶۰ اردیبهست دستگیر شده و به کمیته مرکزی رشت برده می‌شود. در آنجا مدعی مورد ضرب و شتم رئیس کمیته واقع شده و سپس بوسط یکی از حشایکاران معروف و شناخته شده به نام فرشیید ابادری به نطفه‌ی نامعلومی برده می‌شود. ۱۵ روز بعد کارگران هنگام لایروبی دریاچه سد تاریک، جسد این برادر را در حالی که دست و پا و چشم او را بسته و سنگی نیز به پایش بسته بودند کشف می‌کنند و بدین ترتیب برده‌ی دیگری از جنایات مرتجعین حاکم بالا

سند شماره ۱۰

بند و بست های دادستانی انقلاب**(و بخصوص علی قدوسی) با****ضدانقلابیون چپا و لگرو****شرکت در غارت داراییهای بنیاد مستضعفین****اشکالی "مجاهد"
در باره غارتگریهای
دست انداز کاران
بنیاد مستضعفین (۸)**دادستانی کل
جمهوری اسلامی ایران
تاریخ: ۱۳۵۸/۸/۲
شماره: ۵۱۰/۵۸/۳

از: دادسرای انقلاب اسلامی تهران

به: بنیاد مستضعفان

موضوع: دکتر اسفندیار شهرستانی فرزند باقر

بدینوسیله به استحضار میرساند که حکم شماره ۱۰۴۰

مورخه ۵۸/۲/۱۸ در مورد صادره اموال مشارالیه لغو

گردیده است لذا مقرر فرمائید کلیه اموال وی اعم از منقول

و غیر منقول طبق صورت حلیه تطبیق تحویل داده شود.

**نمونه‌هایی از احکام
ضدانقلابی
قدوسی و دادستانی**تقریباً اکثر فریب، به اتفاق
احکام صادره‌ی اموال که تمدنا
همان احکام ۲۵۹ فقره صادر
سده در اوایل انقلاب را شامل
می‌شود، به اهمیت عوامل و
ایادی ارجاع یا لغو شده‌اند و یا
ناکنون به اجرا در نیامده‌اند.ساعی مرجعین در این
زمینه آنچنان شایان توجه
است که حتی صادره‌ی اموال
سرمایه‌داران بزرگ و وابسته‌ی
که توسط دولت موقت،
گزارجات و موسسات ملی
اعلام شده بود، از زیرسج در
رفتند. از جمله‌ی این
سرمایه‌داران می‌توان از
محمدتقی برخوردار معروف به
سلطان الکترونیک ایران وجدید کند،
اما چرا به بازگشتی پرونده
دادستانی انقلاب، در کرمان
بررسی عملگردهای بنیاد
برداختیم؟ علت این است که
این دونه‌ی انقلابی! چون
بارانی هم‌راد و هم‌گنسه، زمانی
که نای صادره‌ی اسوا و...
پیس می‌آید، همسه دست در
دست بکدیگر، مشرکا اعمال
انقلابی‌شان! را جابجی عمل
می‌نمایند، البته دادستانی
انقلاب در موضع حقوقی و
تحمای خویش، همواره آماده
است تا با یک ردای زبیا و آراسته
فانونی، پیکر زشت و پلید
دردیها و جیا و لگریهای بنیاد
مستضعفین را بیوشاند و آخرب
به اتفاق مسئولین بنیاد سرخوش
از روز پرسود و نان آوری که
بست سر گذاشته‌اند، به تقسیمبدون تک دادسانی
انقلاب یکی از ساحت‌سده‌ترین
برآکر وابسته به حزب موسوم به
جمهوری است که در ضدیت و
اعمال حسوت علیه نیروهای
انقلابی دست بسیاری از
رضاس را از بست سده‌است.
این مرکز برخلاف مسئولین
اقلانی که رسیدگی بدخرائم
طاغوتیان و ضدانقلابیون دگر
گردیده‌است، دسسی کینه‌نورانه
خود را با نیروهای انقلابی
و به ویژه با مجاهدین، بارها
به نمایش گذاشته است و خلاصه
همسه یکی از بهادهای باصطلاح
انقلابی بوده که در برسراری
احساق و اعمال نثار بر علیه
مردم و فرزندان برومند این
حلق بد طولانی داشته‌و خدمات
سانی به دستگاه ارجاع عرضه
داشته است.**اشکال مختلف و گاه به بیجده‌ای که دادستانی در
این غارتگری‌ها به کار گرفته، بخوبی بیوغ! سرشارش را
کواهی می‌دهد. کوئی مسئولین مربوطه سال‌های سال
در اینگونه اعمال تجربه‌اند و خته‌اند و تبحر دارند!**عناثم برادرند: "یکی برای
سر، یکی برای نو..."
اشکال مختلف و گاه
بیجده‌ای که دادستانی در این
غارتگری‌ها به کار گرفته، بخوبی
بیوغ! سرشارش را کواهی
می‌دهد. کوئی مسئولین مربوطه
سالهای سال در اینگونه اعمال
تجربه‌اند و خته‌اند و تبحر دارند!
کارشکی در امر صادره‌ی
اموال و یا رفع صادره از اموال
طاغوتیان در ارا: کرفس "حق
و حساب" و بقول معروف "بول
جای و سگار"! از ساده‌ترین
اشکالی است که بکار گرفته
می‌شوند. مسئولین دادسانی
حتی می‌تواند با صاحب سلا
۱۱۰ سهم از ۲۵۰ سهم شرکتی
دست به کب و کارهای ناآرور
بری نیز برتند، همچین
آنها می‌توانند برای فلان
عصر سرسپرده‌ی رژیم ساه که
با کوشش و تلاش افراد متعهد و
دلسوز اموالین صادره شده،
مقرری‌های ماهیانه تا ۴۰ هزار
تومان تعیین کنند...
اعاد این فسادها، زمانی
آنچنان گسترده‌سده که رسوائی‌اش
از محدوده‌ی حواس فرامررغهولی این یک روزی سکه‌است
که با گذشت دو سال از انقلاب
کسر کسی است که بر ماهیت
آر به خوبی واقف نگشته‌باشد
روی دیگر سکه که از باطبی
حدائی بایدبر و سنگانک با
وجه فوق‌الذکر دارد، سپهکاریها
و فساد مالی و خلاصه زد و
بندهایی است که با صد
انقلابیون و طاغوتیان فراری
ترین داده و از این رهگذر
کسه‌های کساد مسئولینش را
اساسته است. آری همان مرکز
و همان افرادی که اطلاعیه صادر
بی‌کنند و به اصطلاح حدود
فعالیت نیروهای انقلابی و
گروههای حیاسی را محص
می‌گردانند، در همان حال
مسئول عقد قرارداد و ردوبند
با سرمایه‌داران و طاغوتیان
هستند که بکار به همت خلق
فهریان راه قرار و رندان راپیس
گرفتند و اکنون پس از اندک
مدتی نه تنها با خیال راحت
برگشته‌اند، بلکه به مدد کمکهای
بیدریغ جنایان دادستان
انقلاب و بوجه‌های ربر و
درستان، در بی آیند که
چگونه روزهای خوش گذشته رابه امضای علی قدوسی بنگرید که در پای اینگونه احکام
ضدانقلابی می‌درخشد!دادستان کل انقلاب را
می‌کشایم:**پرونده‌سیاه
آقای قدوسی
در مقام
دادستانی انقلاب****با تاکید تمام لازم است، هم سوء استفاده‌ها و همکاری‌های نزدیک
ایشان (قدوسی) با طاغوتیان و سرمایه‌داران و هم اهتمام ایشان در برقراری
خفقان و تحدید آزادی‌های مسرووع سیاسی در کنار بکدیگر مورد توجه قرار گیرد.
در واقع این هر دو، بست و روی سکه‌ی پلید حا کیمت مرجعین و تصاحب انحصاری
قدرت توسط آنهاست.**همانگونه که قبلا هم اشاره
شد، ضدیت‌های پنهان و
آشکار آقای قدوسی با نیروهای
انقلابی و بویژه مجاهدین، بر
کمر کسی پوشیده مانده است.
به همین دلیل در این قسمت
اشاره‌ای به این قبیل اعمال
ایشان نمی‌کنیم. اگر چه با
تاکید تمام لازم است، هم سوء
استفاده‌ها و همکاری‌های نزدیک
ایشان (قدوسی) با طاغوتیان و
سرمایه‌داران و هم اهتمام
ایشان در برقراری خفقان و
تحدید آزادی‌های مشروع
تجدید صفحه ۱۷انقلاب! حکم صادره‌ی اموال
اسفندیار شهرستانی را که
حدود شش‌ماه قبل صادر شده
بود، به سادگی آخوردن لغو
می‌کنند! اسفندیار شهرستانی
فرزند باقر شهرستانی، شهردار
تهران در زمان شاه خانی
می‌باشد، که از طریق سرسپردگی
به رژیم متفقور شاه ثروت‌های
کلانی اندوخته بود.
(سند شماره ۱۰)
اما برای اینکه بتوانیم
بهتر کارنامه‌ی حضرات را مورد
بدهی و بررسی قرار دهیم،
ابتدا برونده‌ی جناب قدوسیصاحب بزرگترین گزارجات
الکترونیکی ایران و تریک
سهرام بیلوی نام برد. صدها
میلیون تومان دارائی این
شخص که شامل شرکت‌های
نحاری، سپرده‌های بانکی، زمینها،
باغات و... می‌شد، به باری
مرجعین از صادره محصن ماند
البد در اسخا باید از هدا و پایبه
اصطلاح و جوهائی که "محمدتقی
برجوردار" برای جلوگیری از
صادره‌ی اموالش به این و آن
تقدیم کرده نیز نام برد. مثلا
ایشان هدیه‌ی نا قابلی به جناب
حضرت آیت‌الله صدوقی در

مقاومت گسترده در تهران و شهرستانها در برابر جریان کودتای ضد مردمی مرتجعین حاکم

در اوج انحصارطلبی مرتجعین و به دنبال بوقیف چند روزنامه‌های غیر حزبی و از جمله انقلاب اسلامی موج خشم و اعتراض سراسر شهرهای کشورمان را فراگرفت. و در همین رابطه روز ۱۲ خرداد مجاهدین خلق ایران طی اطلاعیهای این عمل علاوه بر تحریم انقلابی روزنامه‌های حکومتی، تحریم این روزنامه‌ها را به خلق قهرمان ایران پیشنهاد کردند و هشدار دادند که: "بنا به تجربه‌ی جریان آزاد کردن گروگان‌های جاسوس، که بوقیف نشریات انقلابی مقدمه چنان وطن‌فروسی بزرگی گردید، اکنون نیز قویا احتمال می‌رود که مضافاً بر بوطئتی سرکوب نیروهای مردمی در ارتباط با سازش‌های امپریالیستی و مسالده‌ی جنگ خیانت‌های بزرگ دیگری نیز در کار باشد" هم چنین در دومین اطلاعیهای مجاهدین، ضمن این که این عمل را گام بلند دیگری در مسیر حذف رئیس جمهور ذکر کرده‌اند، "حفاظت و پاسداری عموم اقشار و طبقات خلق از تمام آزادی‌ها، حقوق اساسی‌نشی از انقلاب کبیر خلقمان و هم چنین ضرورت حمایت و حفاظت از رئیس‌جمهوری آقای دکتر بنی‌صدر را که در معرض چنین بوطئتهائی واقع شده است و حتی حفظ جان او از کمترین تضمینی هم برخوردار نیست" را یادآوری کردند. و البته در چنین شرایط بحرانی که ناشی از عملکرد دوساله‌ی مرتجعین انحصارطلب و ماهیت ضد مردمی حزب چاق‌داران موسوم به جمهوری است، تنها راه شکستن بن‌بست‌های سیاسی همان طور که در شماره‌های اخیر مجاهد ناکید شده است، راه حلی مردمی و مبتنی بر "دعوت و مراجعه به مردم" جهت انجام یک "فراندوم" بود که از سوی رئیس‌جمهور و نیروهای سیاسی دیگر پیشنهاد شد. و این ضرورت و راه حل سرنوشت‌ساز اکنون شکل و انجام هرچه بیشتر نیروهای مردمی، ترقی-خواه و ضد ارتجاعی را طلب می‌نماید. و مجاهدین خلق نیز بارها ضرورت آن را گوشزد کرده و وظیفه‌ی سیاسی - ایدئولوژیک خود می‌دانند که زمینه‌های شکل جبهه‌ی مردمی ضد امپریالیستی- ضد ارتجاعی فوق‌الذکر را فراهم آورده و از کلیه نیروهای

مردمی- که برای انقلاب و مردم دل می‌سوزانند، بخواهند که به وظایف و تعهدات خود در پیشگاه خدا و خلق عمل نمایند. همان طور که در بالا اشاره شد در اوج تلاش مذبوحانه‌ی ارتجاع جهت خروج از بن‌بست موجود، مردم ایران در تهران و شهرستانها فریاد اعتراض خود را به گوش جهانیان رساندند و این خود اخطاری است به مرتجعین انحصارطلب که "گمان ندارند که توده‌های مردم و نسلی که بار انقلاب را بر دوش کشیده است، مغلوب فضای پوئالی رعب و وحشت شده و از وظایف انقلابی خود سر باز خواهد زد" از این رو خلق قهرمان ایران با اقصاء انحصارطلبانی که راه گریز از بن‌بست کنونی را در سهاجم به آزادی‌ها و حقوق مردمی از یک طرف و در بند و بست‌های پشت پرده‌ی امپریال- لیستی جستجو می‌کنند، در مقابل آنان به مقاومتی همه - جانبه دست خواهند زد. در زیر بد نمونه‌هایی از این اعتراضات گسترده‌ی مردمی که علیه انحصارطلبان ضد آزادی و به حمایت از شخص ریاست جمهوری آقای دکتر بنی‌صدر صورت گرفته است توجه کنید. این حمایت‌ها البته با عکس- العمل چاق‌داران حزب حاکم نیز همراه بوده است:

لازم به توضیح است که در شهرهای مختلف مردم در آغاز سهاجم اخیر ارتجاع به آزادی‌ها و بوطئتی حذف ریاست جمهوری و ارتعاب و نهادهای بیابنی ارگان‌های ارتجاعی، ابتدا با تردید و بهت همگام بانرس و ناامیدی مواجه بودند. از یک طرف گام‌های سنگین استبداد را که سال‌ها برای نابودی آن مبارزه کرده بودند، بر دوش خویش احساس می‌کردند و می‌دیدند که چگونه دستاورد انقلاب خونین‌شان به دست انحصار- طلبان واپسگرا به ناراج رفته است. و از طرف دیگر باور نداشتند که رژیم‌ی که به نام انقلاب و جمهوری اسلامی بر گرده‌ی آن‌ها سوار شده است، این چنین بر حیثیت انقلابی‌شان بن‌باز و تمام هستی‌شان را مورد تجاوز قرار دهد. و بالاخره در مواردی ترس ناشی از سرکوب به دست ارگان‌های ارتجاعی در آغاز، آمادگی اعتراض گسترده را از آن‌ها سلب کرده بود، ولی به تدریج با پیشسازی جوانان انقلابی

حرکت‌های اعتراضی و مقاومت در برابر استبداد و وابستگی شکل گرفتند و جرقه‌های اعتراض در سراسر کشور درخشیدن آغاز کرد و چنین بود که نور امید، دل‌ها و دیدگان مردم ما را روشن ساخت. و چنین بود که علی‌رغم تمام بگبر و بیندها و بوب و نشرهای ارتجاع حاکم و سران آن و علی‌رغم تمامی تهدیدات زبانی و عملی آن‌ها، مردم قهرمان ایران، مردمی که با حماسه‌های خونبار خود در گذشته‌های بسیار نزدیک، یکی از بزرگ‌ترین دیکتاتورهای تاریخ را به زانو درآوردند، باز هم برای حفاظت از آزادی و استقلال و جلوگیری از پامال شدن آن به دست هیئت حاکمه ارتجاعی ایران و مرتجعین نازه به حکومت رسیده، دوباره به خیابان‌ها ریخته و یکبار دیگر حماسه‌های مقاومت یک خلق را به نمایش گذاشتند. بدون شک مقاومت انقلابی مردم ما در برابر یکی از سیاه‌ترین استبداد- های تاریخ هر روز گسترده‌تر و عمیق‌تر خواهد شد و طومار امپریالیستی‌ها و مرتجعین را درهم خواهد پیچید.

آنچه به دنبال خواهد آمد، گزارش کونااهی است از تظاهرات و اعتراضات نیروهای انقلابی و مردم در دوروز اول هفته (شنبه ۲۳ و یکشنبه ۲۴ خرداد) در تهران. لازم به تذکر نیست که مقاومت قهرمانانه‌ی مردم و مجاهدین از هفتدی قبل و به دنبال موج جدید اختناق و شروع جدی کودتای خزنده‌ی مرتجعین شروع شد. اما مانسافه به دلیل تراکم مطالب امکان درج آن‌ها نیست.

در رابطه با تظاهرات و اعتراضات قهرمانانه‌ی مردم قابل پیش‌بینی بود که عکس- العمل ایادی مسلح ارتجاع و چاق‌داران و اوپاشان بسیج شده توسط آنان نیز بسیار شدید و وحشیانه خواهد بود. اما همه شاهد بودند که علی- رغم وحشی‌گری‌ها، مقاومت مردم و ملیشیا نیز حماسه- آفرین بود و در همین رابطه از یک سو وحشی‌گری ارتجاع حاکم و مزدورانش باعث انزجار بیشتر مردم و آگاهی هرچه افزون‌تر آنان نسبت به ماهیت این مدعیان دروغین و کادب انقلاب و اسلام گردید و از سوی دیگر ایستادگی و حماسه‌آفرینی مردم آگاه و به خصوص ملیشیا قهرمان مجاهدین خلق تحسین و

حمایت توده‌های گسترده‌ی مردم را برانگیخت و آنان را نسبت به آینده‌ی انقلاب و خنثی شدن نهائی بوطئتهای ضد انقلابی مرتجعین، امیدوار می‌ساخت.

برخی از شعارهای راه‌پیمایان

درد طول تظاهرات قهرمانانه‌ی مردم و مجاهدین بر علیه دیکتاتوری و اختناق سیاه مرتجعین شعارهای ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری فضای خیابان‌ها را پر کرده بود. برخی از این شعارها چنین بود:

- مرگ بر استبداد، زنده یاد آزادی
- مرگ بر آمریکا، زنده باد آزادی
- زنده‌باد آزادی، مرگ بر بهشتی
- استقلال، آزادی
- با مرگ‌بهشتی
- حزب چماق بدستان باید برده‌گورسان
- مسلمان بی‌اخیز، حزب شده رستاخیز

شنبه

۲۳/۳ خرداد / ۶۰ جو عمومی شهر

تظاهرات عمدتا از ساعت ۳/۵ تا ۴ بعد از ظهر از ۱۰ نقطه‌ی تهران شروع شد. این حرکت غافلگیرانه که در اکثر نقاط ابتکار عمل آن را خواهران و برادران قهرمان میلیشیا در دست داشتند افراد کمینه سیاه و فالانزهای بسیج و... را گنج کرده بود به نحوی که در اکثر جاها کنترل اوضاع از دستشان خارج شده بود.

● مناطق عمده‌ی تظاهرات و درگیری:

- میدان رضائی‌ها
- بولوار (پارک‌الانه)
- چهارراه مصدق
- میدان ولی‌عصر
- سهره‌طالب‌قانی
- میدان فردوسی
- سدره‌جمهوری
- پل چوبی
- میدان توحید
- میدان حسن‌آباد
- سرچشمه و میدان ونک

تیراندازی و پرتاب گاز اشک‌آور توسط کمیته و سپاه

به دلیل غافلگیرانه بودن تظاهرات، بسیج‌فالانزها نسبت به روزهای قبل اکت کرده بود افراد مسلح کمینه و سپاه خود مستقیماً و علناً وارد ماجرا شده و با تیراندازی و پرتاب گاز اشک‌آور سعی در متفرق کردن مردم داشتند. حملات اینان که کمی بعد هم به کمک مزدوران و اوپاشان تکمیل می‌شد به شدت وحشیانه بود.

با توجه به حضور فعال‌تر خواهران، آن‌ها را به شدت مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند. اما متقابلاً شجاعت خواهران رزمنده باعث حمایت و هم‌چنین دلگرمی مردم می‌شد و این‌ها همه‌ی مزدوران مسلح ارتجاع را به شدت کلافه کرده بود. به عنوان نمونه در تظاهرات میدان ولی‌عصر حدود ۵۰ نفر از خواهران به ساخمانی پناهنده می‌شوند.

ساخمان مورد حمله‌ی مزدوران ارتجاع واقع شده و ضمن وارد آوردن خسارات بسیار به ساخمان و نیز بوهین و آزار ساکنان، خواهران را دستگیر کرده و توسط یک اتوبوس به ساد ۶ از کمینه منطقه ۹ می‌برند. به دنبال آن حدود ۳۰۰-۲۰۰ نفر از مردم در مقابل درب کمینه جمع‌کرده و

خواستار آزادی خواهران زندانی می‌شوند. تهدیدات کمینه‌چی‌ها نیز بر مردم تاثیر نمی‌گذارد. این اتوبوس هنگام حرکت از ساد ۶ به مرکز دیگر، مورد حمله‌ی مردم قرار گرفته و خواهران دستگیر شده تماماً آزاد می‌شوند.

● درگیری‌های میدان ولی‌عصر به تدریج گسترده‌شد و مردم خشمگین چندین موتور اوپاشان و فالانزها را به آتش کشیدند.

● جمعیت‌های راه‌پیمائی‌ها عمدتا از ۲۵۰-۳۰۰ نفر شروع شده و در مسیر خود با پیوستن مردم به هزاران نفر بالغ می‌شد اوپاشان نیز عمدتا در دسته‌های ۵۰-۴۰ نفری به صفوف مردم حمله‌می‌کردند. قلت نفرت و انزوا شدیدی اوپاشان چماق‌دار باعث شده بود که جز با همکاری افراد مسلح سپاه و کمینه هیچ کاری از آن‌ها ساخته نبود.

گزارش لحظه‌به‌لحظه تظاهرات و مقاومت

دربار استبداد جدید * ساعت ۱۰:۱۵ دقیقه صبح جمعیتی حدود ۱۰۰ نفر از بقید در صفحه ۱۰

بقیه از صفحه ۹

مقاومت گسترده در تهران و شهرستانها در برابر جریان کودتای ضد مردمی مرتجعین حاکم

میدان امام حسین به سمت میدان فردوسی شروع به راه پیمایی می‌کند در مقابل آن ۲۰ نفر از آن‌ها سزگش بوشیده‌اند و در بسیاری جمعیت حرکت می‌کنند شعارها عبارتست از: مسلمان باش، حزب نده رساخیر ما کنده بدادم با اسیر حزب سوم . . . در ساعت ۱۰ و ۲۵ دقیقه حدود ۳۰۰-۳۵۰ نفر دیگر از مردم سده ظاهرکنندگان پیوسته و بست بر آن حرکت می‌کنند. تعدادی از اوپاسان نیز در صدد درگیری هستند ولی موفق نشده‌اند.

بدستان باید بره کورستان * ساعت ۱۲ فالانزها در مقابل دانشگاه به سمت کم شده‌اند و اکثرا به سمت خیابان مصدق رفته‌اند. * ساعت ۱۲ یک ماسین ریان سفید، یک اوبوس، یک سنی‌بوس و یک ماسین ناهین از صدا و سیمای حزب جمهوری وارد دانشگاه شدند. (لاید برای فیلم برداری از برادران و خواهران جماعتی داران) * ساعت ۱۲/۵۵ در میدان امام خمینی اثری از فالانزها نیست.

مسحوی ندارند. حدود ۳۰ نفر هستند. ۸۰ نفر نیز حول محور قدس با میدان انقلاب برآکنده‌اند. یک ماسین سبز کسید در ضلع جنوب شرقی میدان انقلاب با فالانزها در تماس است. بی‌سیم ماسین روس است. * بعد از ظهر جماعتی داران مزدور که در سرکوبی نظاهرات موفق شده‌اند به کتایروسی‌ها حمله می‌کنند. حدود ۲۵ نفر به کتایروسی باسان حمله کرده و یک وانت عکسرو پوسر را با خود می‌برند.

* حوالی ساعت ۴ بعد از ظهر میدان ولی عصر: نظاهرات با سرکت ۲۰۰ - ۲۵۰ نفر از خواهران و برادران ملیشما شروع می‌شود مدتی بعد یک وانت آبی با ۲۰ فالانز به ظاهرکنندگان حمله می‌کند. مردم به حمایت از ظاهرکنندگان برخاسته و ۶ نفر از حماق داران بسج شده به شدت کتک می‌خورند و ۴ موتور سعلق به آن‌ها نیز توسط مردم بدآتش کسیده می‌شود. * ساعت ۴ میدان ولی عصر: تعدادی از هواداران رئیس جمهور درحالی کدسعار می‌دادند در حرکت بودند حدود ۱۰۰۰ نفر نیز به عنوان حمایت به آن‌ها پیوسته و در پشت سرشان حرکت می‌کردند. * ساعت ۴/۳۰ میدان

برادران بطور منظم اعلامیه بخش می‌کنند. * حدود ۱۰۰۰ - ۸۰۰ نفر کد ۳۰۰ نفران خواهر هستند از مقاطع خیابان بلوار - کارگر به طرف میدان انقلاب راهپیمایی می‌کنند شعارها: بهشتی، الهام دهنده بزرگ، مرکت فرارسیده، مسلمان بیاخیز حزب شده رساخیر... مرگبر استبداد زنده باد آزادی. دو سه نفر سرخوردند اند اما تا ساعت ۴/۴۰ اسجام ظاهرکنندگان کاملاً حفظ شده است. مردم آن‌ها را سوبق می‌کنند. * در میدان ولی عصر جمعیت حمایت کننده به حدود ۱۰۰۰ نفر رسید. * در میدان رضائی‌ها مهمات و کار اسکاآر مزدوران مسلح اربحاع تمام شده و اکب‌هایی برای آوردن مهمات به مرکز می‌روند. مردم آسین ریادی روس کرده‌اند. * ساعت ۵: از بیح سمبران حدود ۵۰۰ نفر به طرف میدان امام خمینی راهپیمایی می‌کنند. * ساعت ۴/۳۰ از چهارم - راه مصدق با سرکت ۲۰۰-۱۰۰۰ نفر راهپیمایی به طرف شرق آغاز می‌شود. شعارها ضد حرنی است. عده‌ای هم زنجیر کرده‌اند. مردم سوبق می‌کنند * در سیدخندان هم درگیری است. مردم نظاهر- کسندگان را سوبق می‌کنند. حدود ساعت ۵ با حمعینی حدود ۳۰۰ نفر از سپروردی به سمت دکنر سرعینی راهپیمایی شروع می‌شود جمعیت در ساعت ۵/۳۰ به نخت طاووس می‌رسند. جمعیت در اینجا حداقل ۵۰۰ نفر شده است. مردم حمایت می‌کردند و کمیده هم کاری نمی‌توانست انجام دهد. * آخرین خبر از میدان ولی عصر: بعد از نظاهرات، کمبیده - حی‌ها و باسداران میدان را از چهارطرف بسته‌اند. ۱۸ نفر از خواهران دستگیر شده‌اند. شعارها، مرگ بر حماق دار است منطقه‌ای ۶ برده‌اند. در همین موقع ۱۵۰۰ نفر از بلوار به سمت غرب در حرکت بوده‌اند فالانزها جلوی خانه‌ها ایستاده‌اند تا کسی داخل خانه‌ها نرود. * در نقاط وصال طالبانی تعدادی جمعیت نظاهرکننده به سمت جنوب در حرکت بوده تعدادی موتور - سوار فالانز هم دور و برشان بودند. * آخرین خبر از نظاهرات یارک لاله: ساعت ۴/۱۵ بعد از ظهر: بقیده در صفحی ۱۵



نمونه‌ای از آثار "قتل‌های سیاسی" مورد ادعای هیات حاکمه ارتجاعی ایران کولده‌ی ژ-۳ و کلت: رایج‌ترین پاسخ مرتجعین به هواداران مجاهدین خلق: مجاهدی کدشردی "مجاهد" تر با خون او لالگون شد و حتی در لحظگی شهادت نیز از آن جدا نشد، به جرم ترویج حقیقت و بردن پیام انقلاب به میان توده‌ها و به جرم مقاومت در برابر کودتای ضد مردمی مرتجعین، در عصر چهارشنبه ۲۰/ خردادماه ۶۰/ در میدان امام خمینی (سید سابق) مورد اصابت کلتی یاسداران قرار گرفت و مغز او یگجا از کاسدی ستر بریون ریخت و بدین ترتیب به شهادت رسید. آیا مرتجعین جنایتکار حاکم گمان می‌کنند که می‌توانند سرانجام از انتقام خدا و حتم خلق در امان بمانند؟! *

* ساعت ۴/۱۰ دقیقه مقابل دروازه دولت راهپیمایی به پایان رسید در حالی که جمعیت فریاد می‌زد "فدا ساعت ۸ صبح همین‌جا" ساعت ۴/۱۱ دقیقه چند نفر از اوپاسان مسفر در جلو دانشگاه می‌خواستند به میدان فردوسی بروند بزور سوار یک وانت بار شدند ولی راننده‌ی وانت آن‌ها را سبرد و آن‌ها به ناچار همراه با نخشو ناسزا دادن به راننده، پیاده شدند. بعد از آن تعدادی سوار یک سیکان شدند که یک نفر فریاد زد حرکت نکنید تا از داخل دانشگاه برویم. داخل دانشگاه سناد فعالیت فالانزها شده است رفت و آمد یاسدارها با موتور به دانشگاه زیاد است.

رضائی‌ها: در مقابل بناد شهید ۱۰ نفر یاسدار مسلح ایستادند ۲۰۰ نفری هم از حماق - داران بسج شده با مقداری سنگ آماده درگیری هستند. نظاهرات با سرکت ۲۰۰ نفر از خواهران و برادران ملیشما شروع می‌شود. کمی بعد چند ماسین یاسدار به میدان وارد می‌شود. درگیری‌ها شدت گرفتند، مردم یک نفر کسیدگی مسلح را با حاقو زخمی کرده‌اند تعدادی از فالانزها توسط مردم به شدت مضروب شده و موتور - هاسان را به آتش می‌کسند. * ساعت ۴/۳۰ بیح سمبران ۵۰ نفر از خواهران و

* ساعت ۱۲ مشاهده شد که تعدادی از مغازه‌های میدان امام خمینی (سید سابق) بسته است. * ۲/۴۰ الی ۳/۲۰: فالانزها در حوالی میدان امام خمینی و خیابان فردوسی فعال شده‌اند. - ۱۰ نفر کسیدگی مسلح در جلوی شرکت محابرات واقع در میدان امام خمینی ایستاده‌اند. یک موتورسوار نیز گشت می‌زند. * ۳/۲۰ خیابان ۱۵ خرداد، حد فاصل حمام ما بودر جمعیتی چند نفر نامدی رئیس جمهوری را که در ۶ صفحه چاپ شده بود بخش می‌کردند.

- در اطراف بازار، ناصر خسرو و سبزه میدان نیز فالانز دیده نمی‌شود. - ۱۰ نفر کسیدگی مسلح به کلت و با لباس شخصی بین یاسار و ناصر خسرو در حال گشت می‌باشند. - در بازار تراکت‌هایی جسیانده‌اند که هرگونه تعطیلی بحسن و راهپیمایی برابر است با مقابل امام و اسلام ایستادن * ساعت ۱۲ یک اوبوس پراز پرسمل بیروی هواتی که از نقاط فرصت و جمال زاده می‌گذشت با صدای بلند به نفع رئیس جمهوری شعار می‌دادند. * ساعت ۱ و ۲ دقیقه در جلو دانشگاه فالانزها جمع

* ساعت ۲/۱۱ حوالی بل جویی در نزدیکی خانه آیت‌الله لاهوسی تعدادی از مردم جمع کرده بودند تعدادی از حماق داران قصد درگیری داشتند که مردم آن‌ها را دفع کردند. * ساعت ۱۱/۴۵ میدان فردوسی، حدود ۱۰۰ نفر از مردم نظاهرات را شروع کردند چند نفری هم کفن‌بوش در میان آنان دیده می‌شد. بین مردم و حماق داران درگیری شروع می‌شود. کمبید چی‌ها با ۳ ماسین در محل حاضر شده‌اند. جمعیت به سرعت در حال افزایش است. کمی بعد حدود ۱۰۰۰ نفر در ضلع جنوب غربی میدان اجتماع کردند. مردم تعدادی از اوپاس را دستگیر کرده‌اند یکی از آنان با کلت شلیک می‌کند که یک نفر از مردم نظاهر کننده زخمی می‌شود. ۲ نفر از فالانزها هم زخمی شده‌اند شعارها: زنده باد آزادی، مرگ بر استبداد، حزب حماق

مسئولیت مقالات مندرج در "شورا" بدعهده‌ی نویسندگان است

شورا

چهارشنبه ۲۷ خردادماه ۱۳۶۰ - ۴ صفحه

از: دکتر سید عزت‌الله عراقی
اسناد دانشکده حقوق

بنام اسلام...!

بنام خدا
 نگاهی به تاریخ اسلام و جمع گذشته و حال جوامع اسلامی و نظری به تعلیمات اسلام و رفتار و رفتار مسلمانان از سائیر و ائمه این سوال را در ذهن پدید می‌آورد که چرا در این جوامع که خود را ملایم به احکام اسلامی می‌دانند آن قسط و عدلی که اسلام مسر است و هدایت معنای آنها هم سرده شده است (لایق القوم الناس بالقیسط) می‌پسند نیست چرا اسلامی که برای بیان معارف آن هزاران کتاب در تفسیر و کلام و فقه و عرفان و اخلاق نوشته شده و در بحی از زندگی مردم حضور دارد و در رسیدن کردن فقر و از بی بودن بی‌دالی می‌تواند نیست آیا اسلام از این امر ناخوان است یا این که آن حد به نام اسلام می‌شود یا جوهر تعلیمات و دستورات آن همسو و هماهنگ نیست. این سخن رسول خدا چه معنا می‌دهد که فرمود: "ان الاسلام بد غریبا و سیعود غریبا و طوبی للغریبا" (اکمال الدین صدوق) اسلام عرب پدیدار شد و دوباره عرب خواهد شد و خواست به حال غریبان.

بناشد در این حدیث دقیق سویمو اندکی باهم به تفکر بنشینیم. عربت اسلام در آغاز دعوت پیامبر ابری روشن است و در آن بردندی نیست. گروندگان به پیامبر در آغاز اندک بودند و شمارها و تضییقات مخالفان بسیار. همه از شکنجه‌هایی که به تازه مسلمانان وارد می‌شد آگاهیم اما می‌دانیم که در سال‌های بعد اسلام قوت و شوکت یافت و بر شبه جزیره عربستان مسلط گشت در زمان فتح مکه کثرت لشکر اسلام جستم مخالفین قسم خورده‌ی اسلام را ترسانند حتی ابوسفیان نتوانست شگفتی خود را از عباس عمومی پیامبر سختی سازد پس از رحلت پیامبر هم سر-

از: نادر رفیعی نژاد وکیل دادگستری

دادستانی و دادگاه انقلاب مستقر در سپاه پاسداران

خط ارتجاع برای اعمال حاکمیت مطلقه و نسبت قدرت از یک سو دست اندازی بر ارگان‌ها و نهادهای کشور، و از سوی دیگر اعمال حقیقت در سطح جامعه بوده که با اقدامات گوناگون و توسل به هر حره و دستاویزی انجام یافته است، در مسیر جنگ‌اندازی بر ارگان‌های کسری علاوه بر دلایل مختلفی که موجب شد تا قوه قضائیه و دادگستری در راس طرح سطره و سلطه قرار گیرد، ریشه‌ی مسأله را باید در این دانست که اصولا ارتجاع سیستم قضائی را تسول تاریخی خود به حساب می‌آورد! ولی به ربر سلطه کشیدن یک سده دادگستری که در دوران پانجاه ساله‌ی فساد و حقیقت آندیده شده، به خواب و خیال بیسر شبیه بود، به همس لحاظ برنامه‌ی طولانی - نری در این جهت طراحی شد، به این معنی که از طرفی مناصب و مقامات کلیدی دادگستری قبضه شده و همزمان با تقویت و گسترش دادگاه‌های به اصطلاح انقلاب و تشکیل دادگاه‌های ویژه و... به تضعیف دادگستری اقدام شود تا دادگستری غیر مستقل و حری برآورده‌ی خواست حاکمان انحصارطلب باشد!

تبدیل آن به وسیله و ابزاری در خدمت تحکیم و نسبت حاکمیت، بعد از تقسیم مناصب و عناوین! با تشکیل محاکم و دادگاه‌های کوچک و بزرگ بدون صلاحیت و غیر قانونی ادامه یافت که در ادامه آن نهاد ایجاد مراجع و به اصلاح دادگاه‌های خلق الساعه‌ی دیگری به نام دادستانی و دادگاه انقلاب و سپاه و... هستیم که با یک تصویرنامه‌ی سواری عالی قضائی شروع به کار می‌کنند.

تشکیل دادستانی و دادگاه سپاه، علاوه بر آن که کام دیگری در جهت تضعیف دادگستری است، هدف دیگری را نیز دنبال می‌کند که گسترش هرچه بیشتر توسل به اقدامات حسونت‌بار - نظامی و شبه نظامی - در اعمال حقیقت در سراسر جامعه است، چرا که برای مقابله با مخالفین و برقراری نظم! احتیاج به بازوان مسلح و سرکوبگری وجود دارد و در مقابل برای تحت فرمان نگهداشتن آن دسته از مأمورین انتظامی! که به کار سرکوب مشغولند، باید مقابلا امتیازاتی داده شود تا بتوانند با مصوبت‌های لازم و فارغ از عوائب احتمالی، مجری فرامین باشند. در غیر این صورت سرکوب آزادی‌ها که لاجرم با

صرب و جرح و قتل و... همراه است با مواضعی روبرو شده و اهداف انحصارطلبانه به آسانی قابل دسترسی نیست. به لحاظ حقوقی نیز تشکیل مراجع پدنام دادستانی، سپاه و... اقدامی نافع قوانین جاری و به خصوص قانون اساسی است. با آن که در آئین نامه‌ی دادگاه‌های انقلاب (اوایل ۵۸) رسیدگی به جرائم پاسداران پیش‌بینی شده بود، ولی این دادگاه‌ها به کار رسیدگی به جرائم پاسداران پرداختند، تا آن که در مرداد سال ۵۸، ماده‌ی واحده‌ای در این باره تصویب شد و راه را برای رسیدگی دادگاه انقلاب باز کرد، ولی این ماده‌ی واحده توسط قانون اساسی نسخ گردید. اصل ۱۷۲ قانون اساسی صراحت دارد که "جرائم عمومی آنان (اعضاء ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران) یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود" تشکیل دادستانی و دادگاه سپاه در واقع ردیای عملی بر این اصل و نیز اصل ۱۵۹ قانون اساسی است که "مرجع رسمی تظلمات و شکایات را دادگستری پیش‌بینی نموده است؛ بقیده‌ی رصفحه‌ی ۱۴

از جهت رعایت حقوق حیوانات مسئول می‌شوند. (انگم مسئولون حتی عن البقاع و البهائم) چگونه با بی‌مسئولیتی در برابر سرنوشت انسان‌ها سازگار است؟ دینی که پیامبر بزرگوارش به رنی که با زندانی کردن گریه‌ای او را از گرسنگی هلاک کرده بود وعده‌ی عذاب می‌دهد چگونه با محکومین و استعمار کنندگان و باغمال کنندگان حقوق مردم سر سازگار دارد؟ و به چه ترتیب می‌توان پذیرفت که تحار "محترمی" به نام این دین و به نام "اقتصاد اسلامی" فقط در مدت یک سال ۱۲۰ میلیارد تومان سود ببرد و حرجی هم برایشان نباشد؟ چون این همه استفاده لابند مشمول عنوان بیع است و حلال! و در همان حال جوانی را به جرم سرقت یک کیسه برنج و چند کیلو روغن دست ببرند؟ به راستی این بقیده‌ی رصفحه‌ی ۱۴

جایعه هیچ حقی ندارد و بدینگونه مردم را از حقوق خویش محروم سازند انسان می‌خواهد بر عربت اسلام بگریزد که چگونه این آئین حیاب‌بخش را از حیوای انسانی خود خالی می‌سازند و مردم را نسبت بدان بدین می‌نمایند، دینی که سخن از کرامت "بی‌آدم" می‌کند و نه نژاد خاص و یا گروه خاص و ملاک کرامی بودن را آن هم فقط نزد خدا - و نه برای بهره بردن از حقوق بیشتر در اجتماع - بقوی می‌داند (ان اگر کمک عند اللد اتقیکم) چرا باید در طول تاریخ چنین مورد ظلم واقع شود که بنی‌اسه به ناس حکومت کنند و نمایلات نژادپرستانه‌ی خویش را حاکم سازند با گروه و صف خاصی خود را برتر و بالاتر بسمارند و برای خویش حقوق انحصاری قائل شوند؟ آئینی که انسان را حتی

مجاهدان دیگر را در کربلا ذبح و سایر مشاهد شهید کنند و با در سیاه‌حال‌های زندان به نابودی کشاند و سرج‌ها و قاضی ابویوسف‌ها هم اعمالشان را بوجیه نمایند چگونه با جوهر اسلام سازگار است؟! وقتی پیامبر اسلام محبوب‌ترین مردم را نزد خدا کسی می‌داند که به حال مردم مفیدتر باشد (سئل رسول اللد (ص) من احب الناس الی الید قال انفع الناس للناس) و حتی خلق را - دقت کنید خلق را و نه فقط مومنین و مسلمین را - عیال خدا می‌شمارد (الخلق عیال اللد فاحب الخلق الی اللد من انفع عیال اللد - اصول کافی ج ۲ باب آخوندی ص ۱۶۴) ولی گروهی در جوامع اسلامی کوشیده‌اند و می‌کوشند چنین وانمود کنند که از دیدگاه اسلام هرکس مسلمان نباشد، و با آن طور که ایشان می‌گویند مسلمان نباشد، در

نام خدای مستحقان
سالهای ۴۹-۵۰-۵۱
حای و بردای در تاریخ مبارزات
خلق ستمدده‌ی ما دارد. در
آن سالها جنک دو فرهنگ
علنی شد و اوج گرفت. از یک
سو "فرهنگ سرک ساهنشاهی"
که با تمام توان می‌کوشید تا با
کسری شهوت‌رایی، حکم یارگی،
بصرف هرچه بسیر کالاهای
عمر ضروری، بحدیر خلق به
وسایل کوناگون، سپی گردد
مغر بوده از اندیشه‌های متعالی

در یک "کودنای فرهنگی
یافتند تا با یک کودنا بسیر
انقلاب را بغیر داده و آن را
به بیراهه "هدایت" کنند.
مغرها به کار افتاد. تجربه
نشان می‌داد در جنک با
فرهنگی که از "مذهب" نشأت
گرفته در جامعه‌ی که روز به روز
تحایلات مذهبی کسرس
می‌یافت حرکت سکت یابانی
نخواهد بود. پس باید تا
"فرهنگ اسلامی" به جنک
"انقلاب فرهنگی" شافت.

میاس که کودنا آغاز شده و
باید قدم به قدم پیش می‌رفت
انتخاست که وقایع حیرت‌انگیز
یکی پس از دیگری اتفاق
می‌افتد. عرصه بر سرعینی
چنان تنگ می‌شود که جارهای
خر هجرت نمی‌سند، می‌رود و
به شهادت می‌رسد، بدر
طالقانی که سخت بیمار است و
در زندان، به همت خلق آزاد
می‌گردد اما باید او را به انزوا
کنند و دق مرگ کرد، چگونه؟
یک نمونه را که خود در جریان

بود هستند؟ آیا چنین ترکیبی
می‌تواند عامل تعبیرات اساسی
و زیربنایی برای برپایی نظام
"قسط" باشد؟ آیا...
و اینخاست که از همان
روزهای نخست پس از پیروزی
انقلاب دو اسلام در برابر هم
می‌بینی و آثار "کودنای
فرهنگی" را ساهدی، اکثریت
کسانی که قدرت را به دست
گرفتند حر، "سیسمی" بودند
که نمی‌تواند ما را از وابستگی
آزاد سازد و با سرمایه‌داری
حاکم به سرد برخیزد و به
استنمار و بهره‌کسی اسان از
انسان پایان دهد و جامعه را
به سوی تعالی و آزادی راهبر
باند و انسان‌های خداگونه
سازد، "سیسمی" که هزار
سال در جازده چگونه می‌خواهد
مسکلات پیچیده‌ی امروز جامعه
را حل کند؟ هرگز "اجتهادی"
که در "توضیح‌المسائل"های
در دسترس دیده می‌شود قادر
به دگرگون‌سازی اساسی و
ربرسانی روابط اقتصادی و
اجتماعی جامعه نیست و
کارنامه‌ی شورای انقلاب،
دولت موقت، مجلس خبرگان،
مجلس شورای اسلامی، دولت
کنونی ۲ سال و چند ماه پس از
پیروزی انقلاب خود بهترین
گواه است که با این روش‌ها نه
به استقلال خواهیم رسید و نه
به آزادی و نه اسلامی که
استقلال دهنده است و
آزادی‌بخش.

(قسمت آخر)
از: دکتر محمد ملکی
(اولین سرپرست دانشگاه تهران)
بعد از پیروزی انقلاب)
"انقلاب فرهنگی" و "کودنای فرهنگی"

و جایگزینی خرافه‌نحای دانش
مذهبی، ناسس کاح‌های
آنجنایی برای سرکرم کردن
حوان، تبدیل مساجد به
دکان "دعاخوانی" و "دعا -
کوئی" و حل "مسائل سرعی" و
بهره‌گیری از آن به عنوان
بانکاهی جهت‌کویندن حقایق
تکثیر به کله‌ی هرکسی که سخن
از "تمام برای قسط" می‌گفت و
اسلام ساهنشاهی و مؤولیان آن
را زیر سوال می‌کنند و "دخ
سرعی آن‌ها و... با نظام
طفقانی را بایدار و حاکمیت
سرک را اسوار سازد.
و از سوی دیگر "فرهنگ
جهاد مسلحانه" که در تلاش
برپایی یک "انقلاب فرهنگی"
بود تا بوحید را بحای سرک
ببساند و خلق را به سوی
خودسازی انقلابی "قناعت،
ایثار، از خودگذسکی،
سناحت، شعور و باکی و...
رهمنون باند تا "فرهنگ
انقلابی" انقلاب‌سار بوحود
آید تا هر خانه سگری و هر
کوجه و حیابان و محله، میدان
و صحنه‌های ساهد سرد حق
با ناظر، تا هر مسجد بانگاه
طرد هر سنایی حر برسسی
اللهو هر محراب بانگاه "حر
علیه دشمنان خدا و خلق، و
تا هر انسان فریادی بر بیداد و
سمن و سازنده‌ی جامعه‌ی بر
اساس برابری و برابردری،
جنک بود در اوج و در
میان دو فرهنگ، و آنگاه که
نگهبانان فرهنگ سرک و
پاسداران سب که تمام توان
خوبی را به‌کار گرفته بودند تا
ساید فرهنگ را که به جنک
سباهی آمده بود نابود کنند،
هر لحظه شکست خود را
نزدیک‌تر دیدند و ساهد فرو
ریختن پایگاه‌های سرک و
استقرار فرهنگی که برپادارنده
"توقان، برابری، آزادی"
بود شدند، تنها زاد نجات را

دو فرهنگ هر دو با نار اسلامی
اما یکی اسلامی که جامعه را به
سوی "قسط" یا نفسری که بدر
طالقانی از این کلمه دارد یعنی
نفی استنمار می‌کساند، و
اسلامی دیگر که انواع استنمار
را "بوجه سرعی" می‌کند،
باید نقشه‌ها یکی پس از دیگری
بیاده شود و چه بهتر که برای
اجرای این کار یعنی "کودنای
فرهنگی" از "طبقه" خداکتر
بهره‌گیری شود، بایس‌دگار
کرد که آن‌ها نخست به
جان پیام‌آوران "انقلاب
فرهنگی" می‌افتند، پس اگر
می‌بینی مادیان آن فرهنگ‌زیر
کینف‌ترین و غیرانسانی‌ترین
اینهاست فرار می‌گیرند، اگر
سرعینی بکمرته از سوی
"علمانی" مابند اسرف کاسانی
سخ ناسم اسلامی، محمدعلی
انصاری، سیدابراهیم میلانی،
سخ حسین لنگرانی، نوعانی
حسین‌الله مقصودی و بسیاری
از "عالمان" دیگر، وهایی،
بپهانی - عامل صهیونیسم،
کسی که ذاتش خراب است و
... (۱۵) نامیده می‌شود و
کتاب‌ها، جروه‌ها و فتواها هر
روز بر علیه او بسیر می‌گردد،
اگر حمله به ناسیر بدر طالقانی
شروع می‌شود، اگر مجاهدین
که تا دیروز در وصفان می‌گفتند
"صلب اتان نسبت به شعائر
اسلامی و اطلاعات وسیع و
عمیق آنان بر احکام و
معتقدات مذهبی معروف و مورد
نوجه همه‌ی آقابان و روحانیین
واقع شده است" (۱۱)، ناگهان
التقاطی و منحرف، و زیربنای
تمام کتابهایشان مارکسیستی
می‌گردد (۱۲). اگر با یک
نقشه‌ی دقیق در داخل سازمان
مجاهدین کودنا می‌شود و شاه
عنوان "مارکسیست‌های اسلامی"
را روی سازمان و همه‌ی آن‌ها که
به اسلام انقلابی معتقدند
می‌گذارد اگر... در شکفت

آن بودم بازگو می‌کنم، یادمان
هست پیش از بازگشت امام
برای ندارک ورود اسان در
مدرسه‌ی رفاه کمیته‌های گوناگون
تسکیل شد از حمله کمیته‌ی
برنامه‌ریزی و ندارکات تا
جزئیات چگونگی برنامه‌ی ورود
را تعیین کند در این کمیته بعد
از بحث‌های مفصل فرار شد
هنگام به زمین نستن هواپیما
بدر طالقانی به علت ساهقی
مبارزات و محبوبیت کم نظیر به
داخل هواپیما رفته و ورود امام
را از سوی ملت تبریک بگوید.
وقتی این تصمیم به کمیته
مرکزی فرساده شد به علت
مخالفت شدید یکی از "آقابان"
نه تنها انجام نشد بلکه همدی
آن‌ها که ساهد ورود امام به
سالن فرودگاه مهرآباد بودند
دیدند که چگونه "آقابان"
تمام برنامه را بهم زدند و
جون گردایی دور امام را
گرفتند و حلقه را هر لحظه
تنگ‌تر نمودند، و دیدیم بدر
چه مظلوماه "تنها" در گوشه
ای به عصا تکیه داده بود و با
قیافه‌ی غم‌آلود به این منظره
می‌نگریست و باز ساهد بودیم
که در نظاهرات میلیونی پیش از
پیروزی چگونه چند نفری را
تحریک می‌کردند تا در چند
نقطه آرم مجاهدین و عکس
شهادی سازمان را به بپهانی
این که این آرم علامت داس و
چکش دارد باینی بکشند تا
آنها که گروهی مامور شدند
برای خنثی کردن این نقشه
توضیحاتی در مورد آرم بدهند
و بگویند که داس و چکش
نست و داس و تفنگ و سندان
است در همه‌ی این‌کارها یک
هدف نهفته بود و آن مقدمه
جینی برای کشاندن انقلاب به
کانال دلخواه "آنها"
می‌دا تند که ملت بی‌باخته و
پیروز خلق نزدیک است، کار
"کودنای فرهنگی" اس بود که

دست کسانی صورت گیرد که تا
حدودی از قبول عامه برخوردار
دارند و "آن طبقه" بهتر از
هر گروه قادر به انجام این کار
بودند، باید از آن‌ها خداکتر
بهره را گرفت در اینجا ضرورت
دارد به چند نکته‌ی اساسی
اساره کنم:
اولا وقتی سخن از آن
طبقه" به میان می‌آید هرگز به
معنای صاحبان یک "سطل" یا
"لباس" نیست، که مقصود
دارندگان یک "اندیشه" و
برداشت از مسائل جامعه است.
ثانیا هرگز هیچ گروه و
طبقه و دسته‌ای را از نظر
برداشت از مسائل
"مطلق" نمی‌کنیم که استثنا
در هر امری وجود دارد.
ثالثا وقتی نقش فرد و
گروه و سازمانی در تحولات
اجتماعی مطرح می‌گردد همان
اندازه کم‌بها دادن گناه است
که بیش از حد بها دادن و بی
توجه بودن به "حق" که این
کاریست نه در خور رهروان
حقیقت.
و در رابطه با "کودنای
فرهنگی" است که پس از
پیروزی انقلاب با مسائل و
جربانایی برخورد می‌کنیم که
همه عاسقان انقلاب را نگران
می‌کند، کافیسیت یک نظر به
ترکیب "شورای انقلاب" و
"دولت موقت" و عملکرد آن‌ها
بیان‌دازیم تا بسیاری از حقایق
بر ما روشن گردد، آیا آن
ترکیب قادر به پاسخ‌گوئی
فریادها و شهادت‌ها بود؟ آیا
افرادیکه امروز سکان کسی
انقلاب را به دست گرفته‌اند
می‌توانند از طوفان‌های عظیمی
که پس از هر انقلاب مردمی
برپا می‌شود کسستی را به سلامت
به ساحل نجات رهبری کنند؟
آیا این‌ها معتقد به چنان
استقلال، آزادی، جمهوری
اسلامی که خلق فریادگر آن

سینا کافیسیت نظری به
برکیت دولتمردانی که دم از
"مکتب" می‌زنند و سابه و
برداشتن از اسلام و موضع -
گیری آن‌ها در برابر نظام
سرمایه‌داری بیان‌دازیم تا روس
گردد در کدام جهت حرکت
می‌کنیم، و از آنجا که طرح
مساله‌ی "کودنای فرهنگی"
می‌تواند در بجه‌ای باند برای
کشف حقیقت آنچه بر ما
می‌گذرد اگر حد بسیار تلخ
باند از همدی خوانندگان به
ویژه دختران و پسران دانشجو
به عنوان یک معلم می‌خواهم
به تحقیق و بررسی در مسائل
زیر بپردازند تا در انتخاب راه
فردا بیش از پیش هوشیارانه
عمل کنیم:
۱- چه عواملی در سقوط
رزم‌گذشته و برپایی جمهوری
اسلامی موثر بودند، نقش این
عوامل را ارزیابی کنید.
۲- قیام خرداد سال ۴۲
چه اثرهایی در شناخت راه
صحیح مبارزه داشت؟
۳- چه رابطه‌ی میان
قیام ۱۵ خرداد و نهضت ملی
کردن صنعت نفت به رهبری
دکتر محمد مصدق وجود داشت؟
۴- کدامیک از روحانیان
سرشناس و دولتمردان کنونی تا
بقیه در صفحه‌ی ۱۴

(قسمت آخر)

مصاحبه با مبین جزنی (همسر فدائی شهید بیزن جزنی)

* در مورد سال‌های زندان و نقضی که (فدائی شهید بیزن جزنی) در سازماندهی و انسجام سازمان در درون زندان و تأثیری که در بیرون داشت توضیح دهید :

... بیزن در هر زندانی که پا می‌گذاشت در تغییر اتمسفر سیاسی آن موثر بود. به سازماندهی می‌پرداخت برنامه مطالعاتی و تئوریک زندان را سروسامان می‌داد و ارتباطات لازم را برقرار می‌کرد از این نظر تغییر دادن زندان او هرچند مشکلات جدیدی برای او و رفقای هم‌بندش در آن لحظه بوجود می‌آورد ولی در عین حال کمک می‌کرد که مشکلات موجود در محیط جدید در زندان جدید حل شود... علاوه بر این بیژن توانست با وجود شرایط فاشسی حاکم بر زندان و زیر سخت‌ترین کنترل‌های پلیسی به بررسی جریان‌های نسکلی دهنده‌ی سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران، گروه احمدزاده پویان و جزنی - ظریفی بپردازد و خصوصیات سیاسی ایدئولوژیک آنان را تشریح نماید و این خود به جذب نیروهای مبارز خارج از زندان کمک فراوان می‌کرد. بیژن در جهت تحقق رستاخیز سیاهکل کوشش‌های فراوانی به عمل آورد و تحلیل روشنی از آن ارائه داد. او محکم‌ترین پاسخ‌ها را به اراجیف کمبندی مرکزی خائن حزب بوده در سخطگی مبارزه‌ی فدائیان خلق داد و جمع‌بندی روشنی از مجموعه‌ی عملکرد خائنه‌ی این حزب ارائه نمود. بیژن با آغاز مبارزات مسلحانه‌ی سازمان مجاهدین خلق ایران، از این فرزند انقلابی و دلاور خلق طرفداری نموده و بر وحدت فدائیان و مجاهدین تأکید داشت. او همچنین برای نخستین بار در جنبش نوین میهنان مسئله‌ی "روانشناسی اجتماعی" و "چگونگی استفاده از آن را برای تحلیل رویدادهای اجتماعی در مقالاتی نظیر "درباره‌ی روانشناسی اجتماعی" و "درباره‌ی آگاهی و خودانگیختگی" مطرح نمود. او به سنن و آداب، روحیات و خصوصیات بوده‌های مردم توجه فراوانی داشت و حتی در زندان هم سعی در حفظ ارتباط زنده با این امور را داشت. او در آثار خویش نظیر "طرح جامعه‌شناسی و ... " هیچیک از جریان‌های سیاسی و مذهبی را از نظر دو نداشت و با هر نوع کربندی در ارزیابی موقعیت جریان‌های گوناگون اجتماعی به شدت مخالفت می‌ورزید. اکثر آثار او قبل از شهادت

در خارج از ایران تحت عنوان "آثار جنبش نوین انقلابی" منتشر می‌شد. مقاومت او در برابر درخیمان و پیش‌کسوتی او برای تبدیل کردن محیط زندان به دانشگاه انقلاب و سازماندهی مبارزه - مقاومت در زندان آن هم در شرایط سال‌های پس از ۲۸ مرداد که جو تسلیم و سکوت بر زندانها حاکم بود، سبب ترغیب و تقویت روحیه‌ی زندانیان جوان تازه وارد برای مقاومت می‌شد. رفقایش تعریف می‌کنند که بیژن در زندان بیش از ۱۲ ساعت در شبانه روز کار سیاسی می‌کرد، او دائماً در تلاش بود دست‌ها و فکر او هم‌جا در کار بودند برای بیژن که آنی از فکر مبارزه در راه انقلاب ظفرنمون کارگران و زحمکشان غافل نبود زندان و بیرون آن تفاوت نداشت، هم‌جا برای او صحنه‌ی مبارزه بود. می‌گوشید و می‌جنگید. در هر کجا که امکان داشت به سازماندهی می‌پرداخت و دیگر مرزها و دیوارهای زندان مانعی برای او به شمار نمی‌آمد. کوشش برای اختصار کلام اجازه نمی‌دهد که تمام فعالیت‌های بیژن را در ظرف هشت‌ساله‌ی که در زندان بود بازگو کنم. فقط باید بگویم که او یک سازماندهی محرب، یک تئورسین زنده و یک انقلابی فروتن و یک چریک فدائی خلق بود. تلاش و کوشش بیژن را در زندان می‌شود از فضای کلام نام‌های دریافت. در یکی از نامه‌ها که در زندان قم به مناسبت نوروز ۴۹ برابم نوشته بود می‌گوید: "... اضافه بر دوری و جدائی جسمی میله و سپرها و رفت و آمد شما و بخصوص تو در این راه قم و تهران، سال چهارم و نه نیز کم و بیش حوادثی را در بر خواهد داشت و همان‌طور که سال گذشته علیرغم این وقایع، ما به جلو گام برداشتیم، کوشش کردیم به نظر من یکی از برابریین سال‌های زندگی دوفقری‌مان را گذرانیم، امسال نیز به زندگی‌مان معنی و محتوا بیشتری خواهیم داد. علیرغم جندی وقایعی که خارج از ارادتی ما روی می‌دهد، این من و تو در یک کلام ما هستیم که با تعیین موقعیت خودمان نسبت به این وقایع، زندگی خود را

پرتر یا خالی‌تر می‌کنیم. ما بر آن سریم که سال چهارم و نه را به سالی خلاق‌تر مبدل سازیم... و چنانکه دیدیم رستاخیز سیاهکل، یعنی آغاز مبارزه‌ی مسلحانه در ۱۹ بهمن همین سال به وقوع پیوست. فدائی نظیر احمدزاده، پویان، حمید اشرف و جزنی چه نقشی در بروز و رشد گرایش‌های پورتونیستی در سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران داشت؟ - هر چند این تاریخ است که سازنده‌ی شخصیت‌هاست، معدالک باید توجه داشت که افراد بعنوان بخشی از عنصر ذهنی انقلاب بر پروسه‌ی انقلاب تأثیر می‌گذارند. یک جنبش بدون داشتن کادرهایی که دارای تجربه‌ی عینی سیاسی و انسجام تئوریک باشند نمی‌تواند رشد کافی بکند و به پیروزی برسد. از طرف دیگر کادرهای محرب می‌توانند در اوضاع و احوال گوناگون بخصوص دوران‌های دشوار مبارزه‌ی درون سازمانی برای جهت دادن به نقطه نظرات و تعمیق آنها و هدایت جریان مبارزه در کانال‌های صحیح نقش اساسی بازی کنند. تدوین تئوری و برنامه و خط مشی انقلابی یک سازمان در گرو دارا بودن عناصری است که در جریان مبارزه به اندازه‌ی کافی بخنه و آبدیده شده باشند. مناسفانه جنبش انقلابی ما در دوران دیکتاتوری محمدرضا ساهی بسیاری از کادرهای ورزیده و فرزندان آگاه و انقلابی خود را از دست داد. فقدان تئورسین‌هایی چون مسعود و بیزن و پویان و حمید اشرف در شرایط کنونی به شدت احساس می‌شود. یکی از عوامل بیداری و رشد جریان سوسیال - رفرمیستی "اکثریت" در درون سازمان، فقدان رهبران آگاه و با تجربه نظیر رفقای ناد شده بود. پس از صریدی سال ۵۵ که اکثر کادرهای نا تجربدی سازمان از حمله حمیداشرف در راه خلق به سپادت رسیدند، عناصری در صحت خط مشی انقلابی خود دچار شک و تردید شدند. پس از قیام سکوهمند

۲۲ بهمن ۵۷ از یک طرف توده های وسیع طبقاتی کارگر و اقشار روشنفکر به سوی سازمان روی آوردند و از طرف دیگر رهبری سازمان فاقد افراد و کادرهای ورزیده‌ای بود که حامل تجربه‌ی سازمان باشند و توانائی پاسخگوئی به مسائل را داشته باشند. در نتیجه دچار سردرگمی شد و شروع به چپ و راست زدن کرد. وقتی توجه کنیم که درست پس از پیروزی قیام و اقبال بوده‌ها به سازمان و بیداری شور و شوق انقلابی به نحو وسیعی در میان توده‌ها برای ادامه‌ی مبارزه‌ی ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلق، ایجادسوراها و دیگر زمینه‌های مبارزاتی به جای آنکه سازمان، برنامه و خط مشی انقلابی برای رشد و ارتقاء این مبارزات ارائه کند و به جای آنکه بر نیروی انقلابی توده‌ها تکیه کند، در صدد بند و بست با حکومت برمی‌آید، آن وقت بی می‌بریم که فقدان رهبرانی چون بیژن جزنی و حمید اشرف و دیگران جقدر دردناک است. و ابیحاست که ارزش عظیم آنان را درمی‌یابیم. پس دور از انتظار نبود که اپورتونیسم‌راست و فرصت‌طلبی، بر زمینه‌ی فقدان رهبری نوی سیاسی - ایدئولوژیک امکان ظهور پیدا کند و این حبس به جنبش آسیب برساند. به هر حال کرایش‌راست‌روانه با خط کسی یا گذشته‌ی سازمان و بقی آن گام به گام در محلات سازش با حاکمیت و سرمایه‌داران فرو رفت و بدینگونه است که مبارزادی حیانت حرب بوده بار دیگر در تاریخ مبارزات میهنان تکرار می‌شود! با این تفاوت که این بار خلق فهلمان با خائیس به منافع خویش را به هر رنگ و لباسی که درآید می‌سازند * بعنوان همسر و هم‌رزم یک شهید فدائی خلق بد نظر شما چه کسانی را می‌توان ادامه دهنده‌ی راه فدائی خلق دانست؟ - اگر به گذشته‌ی سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران از آغاز بیداری تا زمان اسعاب و منجم شدن سوسال - رفرمیسم توجه نکنم آن وقت نادر خواهیم بود که با ساخت معارهای حاکم بر آن دوران، جریانی را که باید ادامه دهنده‌ی راه فدائیان خلق باشد پیدا کنیم.

سازمان چریک‌های فدائی خلق در زمانی آغاز به کار کرد که در اثر شکست‌های پیاپی جنبش خلق و سرکوب و حبسبندی آن توسط رژیم وابسته به امپریالیزم شاه خائن، سازمان - های سنتی خصوصاً حزب خائن بوده انسجام و انوریته‌ی خودشان را از دست داده بودند آنها آوای باس ونومیدی سر دادند و سر بر آستان قدرت فرود آوردند. در این شرایط بود که فدائیان خلق یا حسارتی انقلابی بر علیه رژیم دست‌نشانده به مقابله برخاستند. عده‌هایی را که به صورت صنعتی در زمینه‌ی تئوری جنبش انقلابی در مقابلشان بوجود آمده بود با بینشی انقلابی و فعال از سر راه خود برداشتند و با تحلیل مسخص از اوضاع مسخص ایران مبارزه‌ی قهرآمیز را آغاز کردند. آنها هیچ‌گاه در مقابل رژیم حاکم سر فرود نیاوردند. بیوسه با رژیم مبارزه می‌کردند و در این راه از بدل جان خویش درغ نداشتند. هدف آنها کاملاً روس بود، دست‌یابی به استقلال سیاسی - اقتصادی - نظامی و فرهنگی و رهائی از یوغ امپریالیزم، کسب آزادی و ایجاد حکومتی خلقی که بتواند به مبارزهای اساسی توده‌ها پاسخ گوید و آنان را از فقر و صفت و سم طبقاتی برهاند. بدظنر من کسانی می‌توانند ادعا کنند که ادامه دهنده‌ی راه فدائیان شهید هستند که فاطمه برای دست‌یابی به دموکراسی توده‌ای و حق تعیین سرنوشت برای خلق‌های تحت ستم و در یک کلام برای رسیدن به شعار استقلال، کار مسکی آزادی مبارزه کند و در این راه با هیچ قدرتی که سد راه تحقق این خواست‌هاست از در سازش در نیامند. بیرونی که فاطمه در برابر احقاق حق و دمکراتیک و در برابر سرکوب و اجتناب بایستد و در کار توده‌ها و در سیاسی آنها برای استقرار حاکمیت خلق مبارزه را ادامه بدهد. بدظنی است سازمانی که بالوداد را سار و سمانت نسکلی می‌دهد یعنی سازمان سوسال - رفرمیست‌های "اکثریتی سازمان واقعی فدائیان خلق نیست بلکه از نظر من سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران وارث سن انقلابی و ادامه دهنده‌ی راه سرح سپیدی فدائی خلق است.



بنام اسلام...!

همان اسلامی است که الگوی راستین مکتبش علی علیه السلام است که می فرماید "ما رأیت نعمة موفوره الا والی جانبها حق مضع" (هیچ نعمت فراوانی ندیدم مگر این که در کنارش حقی ضایع شده مشاهده کردم). آیا از این که به نام اسلام چنین عمل کنند حق نداریم بر غیرت اسلام متاثر باشیم. گفتنی بسیار است اما به یکی دو نکته به مناسبت بریدن دست جوان بهشهری به جرم سرعت برنج و روغن بستند می گفتم:

بقیه از صفحه ۱۱

حضرت صادق این حکم را شامل مواد خوراکی بالقوه هم می دانند (مانند همین برنج و روغن)؟ آیا در شرایطی که افراد زیادی به گفته خود مقامات مسئول به احتکار مواد خوراکی می پردازند آیا مبارزه با آنها لازم تر است یا بریدن دست این جوان؟ آیا هیچ سببهای که بنا به قاعده "الحدود تدبر بالثبوت" موجب عدم اجرای مجازات شود در مورد این جوان مطرح نبود؟

در پایان ملخص مطلبی را که مجلسی در بحارالانوار (ج ۵ چاپ اسلامی) در رابطه با شرح حال حضرت رضا آورده و مربوط به اجرای حد سرعت می شود می آوریم. هرچند این خلاصه هم باز به نسبت این نوشته اندکی مفصل است اما به لحاظ فائدهای که بر ذکر آن ضرتب است امید می رود خواننده‌ی عزیز طولانی شدن موضوع را بر ما ببخشند: به مأمون خبر می دهند شخصی سرعت کرده است او در مجلس عام خود بود و حضرت رضا هم حضور داشت باحضر این مرد فرمان می دهد او را در کسوت زهد می یابد و آثار سجده را بر پیشانی او مشاهده می کند به تندى با او سخن می گوید که چرا با چنین ظاهر آراسته به دزدی پرداخته است آن مرد جواب داد من این کار را از سر اضطرار کرده ام نه از روی اختیار، هنگامی دست به این کار زدم که تو مرا از حقی که در خس و غنائم داشتم محروم کردی آیات مربوط به حرم و فیشی را قرائت کرده و آنگاه گفت من در راه سفر

انقلاب فرهنگی...

درمانده ام و بینوا و تهی دستم و از زمره حاملان قرآن و تو حقم را به من ندادی مأمون جواب داد آیا حدی از حدود الهی و حکمی از احکام او را با این افسانه های تو تعطیل کنم آن شخص گفت اول از خود شروع کن و خود را تطهیر نما و آنگاه به پاکسازی دیگران بپرداز نخست حد خدا را بر نفس خویش جاری ساز و آنگاه دیگران را حد بزنی. در اینجا مأمون رو به حضرت رضا کرد و گفت درباره‌ی این مرد چه می گوئی امام علیه السلام فرمود مقصود او اینست که چون تو دزدی کرده ای او هم دزدی کرده است. مأمون خشمگین شد و رو به آن مرد کرد و گفت به خدا قسم دست تو را می برم آن شخص مطالب مفصلی در جواب گفت از جمله این که هرکس باید اجرای احکام الهی را از خود شروع کند و این آیه‌ی قرآن را خواند که می فرماید: "اتأمر الناس بالبر و تنهون انفسکم و انتم تتلون الكتاب افلا تعقلون" (آیا مردم را به نیکی فرمان می دهید و خود را فراموش می کنید در حالی که کتاب خدا را می خوانید آیا اندیشه نمی کنید). ماهون مجدداً از حضرت رضا درباره‌ی حکم او سوال کرد حضرت گفت به حکم خدا هرکس حجت بالغه بیاورد باید از او پذیرفت زیرا دنیا و آخرت بدان پایدار است و منظور از حجت بالغه دلیلی است که همه آن را درک کنند و آنچه این مرد به عنوان دلیل ذکر کرد همین حال را دارد مأمون ناچار دستور داد او را آزاد کنند و از مجازات معاف نمود.

به امید آن که هرچه به نام اسلام می گوئیم و می کنیم مطابق اسلام باشد

- این اواخر راه آیت الله خمینی را تخطئه می کردند و مقلد ایشان نبودند؟
- ۵- آیا صحیح است که برای عزیمت دکتر بهشتی به عنوان مبلغ اسلام پس از قیام ۱۵ خرداد موافقت شاه معدوم ایشان از سوی سفارت ایران تمهید می شد یا خیر؟
- ۶- جامعه‌ی روحانیت مبارز در چه سالی رسماً تشکیل شد، در مورد مطالب اعلامیه های این جامعه و افراد امضاء کننده تا پیروزی انقلاب تحقیق کنید.
- ۷- آیا صحیح است آقای دکتر بهشتی در تابستان سال ۱۳۵۷ (سال اوج مبارزه و پیروزی انقلاب) چند ماه در آمریکا بوده اند و با چه کسانی و پیرامون چه مسائلی ملاقات داشتند؟
- ۸- در مورد سوابق سیاسی دولت مردان فعلی از جمله آقایان دکتر بهشتی، علی اکبر فرسنگانی، سید علی خامنه‌ای، حسن آیت، دیالمه، علی اکبر پرورش، محمد علی رجائی، بهزاد نبوی، موسوی اردبیلی، دکتر باهنر و... بررسی نمائید.
- ۹- انجمن ضد بهائیتی چیست و قبل از پیروزی انقلاب چه می کرد؟ آیا راست است اعضاء این انجمن حق دخالت در سیاست نداشتند و رهبران آن‌ها رابطه‌ی نزدیکی با ساواک برقرار کرده بودند؟ راست است اعضاء این انجمن اکثراً از آیت الله خمینی تقلید نمی کردند؟

- ۱۰- تحقیق کنید این که می گویند بسیاری از وزراء-استانداران و مقامات مهم مملکت در حال حاضر از افراد این جمعیت هستند صحیح است یا خیر؟
- ۱۱- چرا پس از پیروزی انقلاب لیدی نیز حمله‌ی دولت مردان متوجه سازمان مجاهدین خلق ایران شد و این حملات هر روز افزایش می یابد؟
- ۱۲- چرا طالبانی و شریعتی زدائی هر روز گسترش می یابد؟
- ۱۳- تحقیق کنید نقش هر یک از این سه شخصیت (آیت الله طالبانی - دکتر شریعتی - اسناد مطهری) را در پیروزی انقلاب.
- ۱۴- هدف امیرالیزم به سرکردگی آمریکا در کشور-های زیر سلطه چیست؟ آیا راست است هدف عمده‌ی امیرالیزم، وابستگی کشورهای نظیر کشور ما می باشد آیا ما در جهت کاهش وابستگی گام برداشتیم؟

پاورقی

- ۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، سید حمید روحانی، ص: ۱۵۷- تلگراف امام به شاه ۱۳۴۱
- ۲- همان منبع، ص: ۱۵۸- تلگراف امام به امیر اسدالله علم- ۱۳۴۱
- ۳- همان منبع، ص: ۱۵۳- نطق امام ۱۱ آذر ۱۳۴۱
- ۴- همان منبع، ص: ۴۵۸- نطق امام در مدرسه فیضیه ۱۰ عاشورا سال ۱۳۸۳
- ۵- مصدق و نهضت ملی ایران - ص: ۱۶۵- ۱۶۶
- ۶- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی - سید حمید روحانی، ص: ۷۲۲، نطق امام، ۴ آبان ۱۳۴۳
- ۷- همان منبع، ص: ۱۴۲
- ۸- همان منبع، ص: ۸۰۲- نامه سرکنشاده‌ی جمعیت از حجج اسلام و فضلاء حوزه‌ی علمیه قم به آقای هویدا
- ۹- نطق پدر طالبانی در مراسم ۳۰ تیر سال ۱۳۵۸ میدان بهارستان
- ۱۰- مکتب مبارز- شماره ۲۳ ویژه شریعتی ص: ۲۰۴- ۲۱۴
- ۱۱- مجاهد شماره ۱۲۱ ص ۷
- ۱۲- از فرمایشات آقای منتظری که امروز دیوارهای شهر را با آن پر کرده اند.

دادستانی و دادگاه انقلاب...

به خصوص که دادگاه سپاه به وسیله‌ی تصویب نامه‌ای بوجود آمده که به مفهوم نقض قانون اساسی به وسیله‌ی یک تصویب نامه است! و در اینجا شورای عالی قضائی بالاتر از قانون اساسی به صورت نهادی قانونگذار عمل کرده است!

قبل از تشکیل دادستانی و... سپاه به حرامی یاسداران در دادگاه انقلاب رسیدگی می شد که آن هم ناصح و برخلاف اصول قوی الذکر بود ولی مسأله قابل بررسی این است که، با توجه به عملکرد و ماهیت فعلی دادسرا و دادگاه های انقلاب، چه نیازی

به ایجاد دادگاه نوظهور دیگری بود؟ پاسخ را باید اولاً در خط کلی ایجاد مراجع بدون صلاحیت در تضعیف دادگستری، و ثانیاً در نحوه‌ی کار و وظیفه‌ی خاص این مرجع دانست که حتی دادگاه های انقلاب هم که عمدتاً نامین کننده‌ی منویات ارتجاع حاکمند، جوامع نیست! چرا که حتی حضور اتفاقی افراد "غیر محرم" در محاکمات دادگاه به اصطلاح انقلاب، امکان درز کردن پاره‌ای از مسائل! را افزایش می دهد، لذا در این صورت محاکمات به دلخواه انجام نشده و این امر

بقیه از صفحه ۱۱

تشکیل دادسرا و دادگاهی تازه را ایجاد می کند! و بر این اساس، ضرورات - منافع سردمداران- حتی محظورات موجود قانون اساسی را هم نادیده می گیرد!

گرچه حملات، سکنجه‌ها، ضرب و جرح و قتل مردم و انقلابیون به خود آنان نسبت داده می شود و تحت عنوان "شیوم نمائی مخالفین، توجه می شود و در پیاده آن عاملین اصلی این گونه جنایات آزادانه در جامعه رفت و آمد دارند، ولی با توجه به آگاهی روزافزون مردم، دیگر امکان حمایت صریح از "قانون شکنان

**

مقاومت گسترده در تهران و شهرستانها در برابر جریان کودتای ضد مردمی مرتجعین حاکم

بقیه از صفحه ۱۰

۲۵ خواهر دستگیر شده اند حداقل ۵ نفر تیر خورده اند و یک خواهر شهید شده است. تعدادی از مردم از ناظر - کنندگان حمایت می کنند. در این بهاجم ۵۰ نفر کمیته جی و پاسدار شرکت داشتند.

* ساعت ۵ در پیچ سمیران: حدود ۵۰۰ نفر از جواهران از پیچ سمیران به طرف میدان امام حسین در حرکت هستند. مردم هم حمایت می کنند. حدود ۱۰۰۰ نفر به طور منظم و ۳۰۰ نفر به صورت غیر منظم به ناظر کنندگان ملحق شده اند.

* ساعت ۵/۳۰ میدان ولی عصر: تعدادی از جواهران که از مصدق پائین می آمدند به میدان رسیده و با فالانزها که چهار طرف میدان را بسته بودند درگیر می شوند. ماموران کمیته با ماسین کوچک های اطراف میدان گشت می زدند.

* حوالی ۴ بعد از ظهر: حدود ۱۰۰ نفر از دگر سربعی وارد انقلاب شده و شعار می دادند "زنده باد آزادی - مرگ بر استبداد" تعدادی نیز از بست سر آن ها فریاد می زدند: "بی صدر مقاومت، مقاومت، مقاومت" ۳۰۰ - ۳۵۰ نفر از مردم تیر در بناده رو به دنبال جمعیت در حال حرکت اند. از فالانز و کمندای خبری نیست.

* در درگیری چهارراه اسنابل، حدود ۳۰ نفر از مردم یکی از جماعت داران مزدور را دنبال کرده که او وارد بانک مرکزی شده و پناهنده می شود اکنون (ساعت ۴/۲۵) مردم جلوی بانک ایستاده اند و می خواهند که جماعت دار را بحویل آن ها بدهند.

* نادمین موسوم به اکثریت پلاکاردی زده اند که در راه بیمانی شرکت نمی کنند و... مردم از این گونه کاسه لیبی های زبونانه به شدت ابراز نفرت می کنند و این نادمین را مورد مسخر قرار می دهند.

آخرین خبرها

* جمعیت ناظر کننده که از ساعت ۴ از چهار راه مصدق - انقلاب به سمت میدان امام حسین حرکت کرده بود در ساعت ۵/۴۵ با جمعیتی حدود ۱۰۰۰ نفر به میدان امام حسین می رسد. یک فرد مسلح شلیک کتان به طرف جمعیت

می رود که مردم او را خلع سلاح می کنند.

* ساعت ۶/۳۰ چهارراه مصدق

- یک پاسدار یکی از برادران را با چاقو زخمی کرد - مردم حدود ۴۰۰۰ نفر و فالانزها ۳۰۰ - ۲۰۰ نفر هستند. یک دهنه ۶-۷ هزار نفری از مردم به طرف شمال در حال حرکت اند. ساکنین خانه های اطراف حمایت می کنند شعار مردم: زنده باد آزادی - مرگ بر استبداد

- یک فرد کمیته جی که لباس شخصی پوشیده بود بر سر موضوعی با پاسدارها بگومگو کرد که منجر به دعوا شد. او را دستگیر کردند ولی کمی بعد آزادش کردند.

اخبار و نظایر امروز

یکشنبه ۲۴ خرداد ۶۰

* ۷/۴۵ صبح روبروی مجلس:

۱۰۰ نفر از جماعت داران احیر شده توسط حزب ارتجاعی حاکم به درب مجلس رفتند و می خواستند به زور وارد شوند جمع این عده در رابطه با سخنرانی آقای غضنفرپور در مجلس بوده است.

* ۱۰/۳۰ صبح: حدود ۸۰ - ۷۰ نفر از جماعت داران جلوی مجلس مشغول جمع آوری اعضاء و استنهاد بر علیه غضنفرپور بودند.

* ۱۰/۱۰ تا ۱۰/۲۰: تعدادی از هوا داران راه کارگر از میدان فردوسی تا کالج اعلامی های بخش کردند که مضمون آن تحریم روزنامه های حکومتی بود

* در خیابان ایران به طرفداری از رئیس جمهوری اعلامیه بخش می کردند.

* ۱۱/۲۵ بازار: تعدادی کمیته جی در داخل و اطراف بازار در حال گشت بوده اند

* ساعت ۱۲/۳۰، مقابل مجلس:

۵۰۰ - ۴۰۰ نفر از کارگران "صنایع پیش ساخته" وابسته به شهرسازی و مسکن در مقابل مجلس جمع کرده و خواستار رسیدگی به مشکلاتشان بوده اند.

* ۷۰ نفر از جواهران دستگیر شده در تاریخ ۳/۲۳ راه به پارک شفق یوسف آباد می برند و ساعت ۱۱ شب نیز همگی آن ها را در جاده ای ساوه رها می کنند.

* یک وانت نیویا قرمز

به شماره (۹۸۶۳۳-تهران ۱۵) در حال حمل و نقل تعدادی پاسدار در خیابان سعدی مشاهده شده است.

* ۴ بعد از ظهر پل سید خندان:

حدود ۵۰ نفر از افراد مسلح در زیر پل مسفر می باشد مسخحات ماسین های آن ها به فرار زیر است: شورت سورمادی به شماره ۶۹۲۵۲ - تهران ص و ۳۴۶۶۲ - تهران م

* ۴/۲۰ میدان رضائی ها:

۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر از مردم و میلیشیا شروع به نظایرات و شعار دادن می کنند کمی بعد ماموران مسلح کمیته و سپاه همراه با تعدادی از جماعت داران که توسط وانت به محل آورده شده بودند با ناظر کنندگان درگیر می شوند براندازی هوائی و پرتاب گاز اشک آور به شدت ادامه دارد. مهمات و گاز اشک آور ماموران کمیته تمام شده و از مرکز بقاضی کمک کرده اند.

مردم جمعیت را بسوی می کنند. ۶ نفر از جواهران به خانه ای در یک کوچه بن بست وارد شده اند. کمیته جی ها کوچه را بسته و قصد نفیض خانه به خانه را دارند که با مقاومت مردم روبرو شده اند.

* ۴/۳۰ پیچ سمیران: تعدادی از جواهران و برادران همراه با مردم از پیچ سمیران به طرف جنوب شروع به نظایرات می کنند. در خیابان سعدی و دروازه دولت جماعت داران بسیج شده توسط حزبشان، به ناظر کنندگان حمله می کنند و درگیری آغاز می شود. یک موتور جماعت داران در دروازه دولت و یکی هم در خیابان سعدی توسط مردم به آتش کشیده می شود.

* جماعت داران ۳ نفر از جواهران را دستگیر و بحویل یک پسر نفره ای به شماره (۴۷۵۶۳-تهران ۲۴) می دهند

* یک بنز سبزرنگ به شماره (۲۲۸۸۲۶-تهران ه) تعدادی از دختران فالانز مسفر در جلو دانشگاه راسوار کرده و با خود برده است.

* ۴/۳۰ بعد از ظهر سید خندان:

۷۰ - ۶۰ نفر از جواهران بعد از نظایرات در محاصره می

تعدادی زیادی کمیته جی هستند

* ۴/۴۵ خیابان سعدی: حدود ۱۵۰ - ۱۰۰ نفری از مردم که در حال شعار دادن به

هواداری از رئیس جمهور به طرف جنوب در حال حرکت اند در نقاط منوچهری با ۶ نفر از ماموران یک بنز گشتی درگیر می شوند. پاسداران اقدام به براندازی هوائی و پرتاب گاز اشک آور نموده، ولی مردم مقاومت می کنند. و سپس به ماشین گشت حمله کرده و شیشه عقب آن را می شکنند. پاسداران فرار کرده و ناظر - کنندگان به حرکت خود ادامه می دهند.

* ۵/۱۰ میدان ولی عصر: حدود ۵۰۰ نفر از مردم

که به طرفداری از رئیس جمهور نظایرات کرده و به سمت جنوب خیابان مصدق در حال حرکت بودند با دو انوبوس حامل جماعت داران و پاسداران که از جماران می آمدند درگیر می شوند. مردم آن ها را کتک زده و به راه پیمائی خود ادامه می دهند. جمعیت در ساعت ۵/۳۵ به نقاط طالقانی - مصدق می رسند که مجددا درگیری پیش می آید ۴ نفر از فالانزها و تعدادی از مردم ناظر کننده زخمی می شوند.

* ۵/۱۰ پل سید خندان: تعدادی از جواهران میلیشیا شروع به نظایرات می کنند. مدتی بعد کمیته جی - های مسلح همراه با ۵۰ دخر احیر شده توسط حزب جماعت داران که تحت فرماندهی یک بد اصطلاح روحانی عمل می کرده اند با ناظر کنندگان درگیر می شوند. دخران حزبی تحت حمایت آتش کلولد و گاز اشک آور ماموران مسلح کمیته و سپاه کدر زیر و سراسر بالای پل مسفر بودند و حسیانه به جواهران حمله کرده و ضمن ضرب و ستم تعدادی را دستگیر می کنند.

در عین حال سایر جواهران و برادران میلیشیا در قسمت جنوبی میدان به فروش سربیه مشغول بوده اند.

* ۵/۱۰ چهار راه اسلامبول:

ناظر کنندگان - از خیابان سعدی حرکت کرده بودند در چهار راه اسلامبول با ۱۰ نفر از جماعت داران مزدور درگیر شده اند. جمعیت در ادامه می میرد در نقاط جمهوری - قوام السلطنه با ماموران مسلح کمیته درگیر شده و سپس به سمت خیابان فرانسه رفته و در آنجا مسفر می شوند

* ۵/۳۰ نقاط مصدق -

امام خمینی (سپه سابق) ۳ ماسین کمیته می خواستند ۲ جواهر میلیشیا را که سربیه می فروختند دستگیر کنند. مردم جمع شده و مایع می شوند. مردم جواهران را سوار انوبوسی که

در حال حرکت بوده کرده و نجات می دهند.

* ۵/۳۵ پیچ سمیران: جو دست ناظر کنندگان است. ۵۰۰ تا ۶۰۰ نفر حمایت می کنند.

* ۵/۵۰ چهار راه مصدق: یک دهنه ۳۰۰ نفری در حالی که به طرفداری از رئیس جمهور شعار می دادند به طرف میدان امام حسین در حرکت بودند.

* ۶/۴۵ چهار راه مصدق: حدود ۱۰۰۰ نفر از مردم تجمع کرده اند

آخرین اخبار یکشنبه

۲۴/ خرداد / ۶۰

* بیمارستان امام خمینی: تعدادی ماموران کمیته جهت دستگیری افراد زخمی شده بیمارستان امام خمینی مراجعه کرده اند که با عکس - العمل دگرها و پرسناران مواجه می شوند ولی علی رغم اعتراضات، تعدادی از زخمی ها را با خود می برند.

از طرف کارکنان هشدار داده شده است که در صورت ادامه ای این اعمال دست به اعتصاب خواهند زد.

* ساعت ۹ شب:

یک انوبوس دوطبقه پر از جواهران دستگیر شده از سی مری و وثوق وارد هفت حوض شده و به سمت بالاد در حرکت بود. جواهران با صدای بلند شعار می دادند:

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

انوبوس مدتی بعد به تعمیرگاه شرکت واحد واقع در نارمک رسیده و افراد دستگیر شده را در دسته های ۴۰ - ۳۰ نفری آزاد می کنند.

در خانه لازم به تذکر است که به علت محدودیت صفحات نشریه نواسیم گزارش کامل تمام راه پیمائی ها و نظایرات را منعکس کنیم آنچه که درج شد فقط بخشی از مجموع نظایرات گسترده در تهران بوده است.

اعتراضات مردم

در شهرستانهای

مختلف ایران

• سمنان:

حدود ساعت ۷ شب ۱۷ خرداد پس از بخش پیام ریاست جمهوری، عده ای زیادی از مردم این شهر بقیه در صفحه ۱۶

مقاومت گسترده در تهران و شهرستانها در برابر حاکم کودتای ضد مردمی مرتجعین حاکم

● امام شهر :

از خیابان "ابودر" به طرف خیابان "صائب" دست به راهپیمائی زدند.

در این راهپیمائی مردم با حتم و کیندی عمیق نسبت به ارتجاع فریاد می‌زدند: "مرگ بر استبداد"، "حزب شده رساخیز، مردم چرا نشنیدید" "بنی صدر بنی صدر، مقاومت مقاومت" "تعطیلی انقلاب، نشانه‌ی استبداد".

هم‌چنین در طول مسیر راهپیمائی عده‌ی زیادی از مردم از خانه‌های خود بیرون آمدند و به حمایت از ریاست جمهوری پرداختند در اواخر مراسم حدود ۱۰۰ نفر از اوپاشیه اصطلاح حزب‌اللهی، یا شعار-هائی در جهت مخالفت با شعارهای مردم دست به راهپیمائی زده و قصد مغزوقی ساختن مردم را داشتند که موفق به این کار نمی‌شوند. هم‌چنین روز بعد یعنی ۲/۱۸ نیز در ساعت ۶ بعد از ظهر حدود ۵۰۰ نفر از مردم با شعار "درود بر بنی‌صدر" "حزب چماق بدستان باید بره گورسان" دست به راهپیمائی زدند. متعاقب آن عده‌ای از اوپاش چماق‌دار نیز با شعارهای بر علیه ریاست جمهوری به دنبال آن‌ها راه افتادند و سپس ۲ ماشین سیاه جلوی راه پیمایان را گرفته و قصد مانعیت از راهپیمائی را داشتند، اما موفق نشده و مردم هم‌چنان به راهپیمائی خود ادامه دادند. این راهپیمائی با ساعت ۹ شب ادامه داشت که منجر به مجروح شدن ۷ نفر از مردم و دستگیری بیسی از ۱۰ نفر از آن‌ها گردید.

● گرمسار :

۲۱ خرداد به دنبال سخنرانی "آیت‌الله‌محد" در مسجد امام حسین گرمسار، حدود ۳۵۰۰ نفر از مردم به طرفداری از ریاست‌جمهوری دست به راهپیمائی زدند. در این راه پیمائی مردم با خشم و کینه نسبت به حزب چماق‌داران فریاد می‌زدند: "مسلمان بیا خیر، حزب شده رساخیز" "مرگ بر استبداد" "مرگ بر حزب چماق‌داران" "حزب چماق بدستان باید برده گورسان" "مرگ بر امریکال نابود باد ارتجاع" "اختناق، گرانای نصیب زحمتکشان" هم‌چنین راهپیمایان هنگام عبور از مقابل سهریانی علیه اساندار و فرماندار ارتجاعی شهر شعار می‌دادند

نکردند، ولی خللی در عزم پولادین مردم برای اظهار عقاید خود و افشای ماهیت حزب حاکم بوجود نیامد. هر کجا که مردم بودند، خروش اعتراضی بود که موج می‌زد. مردم شعار می‌دادند: "مرگ بر امپریالیسم، زنده باد آزادی"، "مسلمان بپاخیز حزب شده رساخیز نا حزب کفن‌شود این وطن وطن‌شود".

● پابل :

ساعت ۶ و ۲۰ دقیقه بعد از ظهر روز پنجشنبه ۲۱ خرداد تعداد زیادی از مردم از محله‌ی "چهارشنبه‌پیش" با شعارهای به حمایت از ریاست‌جمهوری و نیز با شعار "زنده باد آزادی-مرگ بر اختناق" به سمت بازار دست به راهپیمائی زدند. بعد از طی مسافتی عده‌ای از دختران بسیجی وابسته به حزب چماق‌داران قصد حمله به آن‌ها را داشتند، که در اثر انبوه جمعیت موفق به این کار

● قائم شهر :

۲۱ خرداد - در پی صدور حکم برکناری آقای بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا عناصر و وابسته به ارتجاع در محل فروش مسنهجن نامه جمهوری!! اقدام به پخش شیریینی می‌کردند و سرست از بدست آوردن امتیاز جدید و حاکم کردن خفقان بر مردم در هر کوی و برزن و بازار علیه مردمی که عمیقاً نسبت به شرایط حاکم معترض بودند تسخیر قریبی می‌کردند. ولی مردم مصرا نه هرجا با تجمع‌های مختلف نظرات خود را ابراز می‌داشتند. در این روز پیک-های انقلاب که اساسی‌ترین و طیفی مردمی و نیروهای انقلابی و مردمی را در مورد لزوم حمایت از ریاست‌جمهوری آقای دکتر بنی‌صدر از طریق پخش تراکت و توزیع نشریه مجاهد را گوشزد می‌کردند، مورد هجوم وحشیانه‌ی کمیته و سایر اوپاش قرار می‌گرفتند، تهاجمات ارتجاعی علی‌رغم این که نسبت به گذشته افزایش یافته است، ولی هیچ یک از حرکات ایذائی و نامردمی عناصر وابسته به مرتجعین مانع از جوشش و حرکت مردم نشده و در عصر روز ۲/۲۱ مردم در نقاط مختلف شهر دست به راهپیمائی زدند و به سمت مرکز شهر به حرکت درآمدند. علی‌رغم این که اوپاش از هیچ اقدام مذبوحانه‌ای فروگذار

زدند اما در "بلوار جاکسر" اوپاش کمیته جلوی آن‌ها را گرفته، و با تیراندازی و شلیک گاز اشک‌آور آن‌ها را منفرق می‌سازد. آنگاه وحشیانه به دفتر هماهنگی ریاست جمهوری هجوم برده و آنجا را استال می‌کنند.

● ساری :

حدود ساعت ۵ و ۳۰ دقیقه بعد از ظهر پنجشنبه ۲۱ خرداد عده‌ای از مردم با شعار "مرگ بر اختناق" زنده باد انقلاب-مسلمان بپاخیز حزب شده رساخیز" به حمایت از ریاست‌جمهوری دست به راهپیمائی زدند. متعاقب آن عده‌ای از اوپاش چماق‌دار با چاقو به آن‌ها حمله می‌کنند ولی راهپیمایان با مقاومت در مقابل آن‌ها پس از مدتی دوباره به راه خود ادامه می‌دهند. سپس اوپاش به بازار که تعداد زیادی از مغازه‌ها را در حمایت از رئیس‌جمهور تعطیل کرده بودند، رفته و بازاربان را تهدید می‌کنند که مغازه‌های خود را بازکنند.

● گرگان :

ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه پنجشنبه ۲۱ خرداد عده‌ای از مردم با شعار "درود بر بنی‌صدر - مرگ بر حزب چماق‌دار" به طرف خیابان خمینی شروع به راهپیمائی می‌کنند در نتیجه مغازه‌های این خیابان نیز به حمایت از ریاست‌جمهوری تعطیل می‌شود متعاقب آن عده‌ای از اوپاش وابسته به حزب چماق‌داران به جمعیت حمله می‌کنند که توسط مردم تنبیه می‌شوند.

● تنگابن :

بعد از ظهر روز پنجشنبه ۲/۲۱ بازاربان تنگابن به عنوان اعتراض به برکناری رئیس‌جمهور از فرماندهی کل قوا و سایر نوظئک‌های ارتجاعی مغازه‌های خود را تعطیل نموده و علی‌رغم تهدیدات و فشارهای ایادی و مقامات حزب چماق‌داران از باز کردن مغازه‌های خود خودداری می‌کنند. در پی بسته شدن بازار، عده‌ای از چماق‌داران و اوپاش مسلح در نقاط مختلف به مردمی که دست به افشاگری زده بودند حمله کرده و ۱۹ نفر را دستگیر می‌نمایند. متعاقب این جریانات ساعت ۸ شب عده‌ای از مردم به حمایت از رئیس‌جمهور و به عنوان اعتراض به عملکردهای انحصارطلبان مرتجع دست به راهپیمائی زدند. این راه پیمائی تا ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه شب ادامه داشت.

● لاهیجان :

به دنبال اقدامات ارتجاعی برای ایجاد وحشت از طرف بسیجی‌ها که با لباس‌های رسمی و بازوبند "بسیج هماهنگی" اقدام به حکومت شبه نظامی کرده و با فعال کردن چماق‌داران برای چاقوکشی و چماق‌داری و جولان در خیابان‌های شهر، مردم فارغ از این مانورهای رسمی و غیر رسمی ارتجاعی که همبای توطئه برای حذف ریاست‌جمهوری انجام می‌گرفت، دست به راهپیمائی اعتراضی در روزهای ۲۱ و ۲۲ خرداد زده و در ادامه‌ی راه پیمائی‌های شب ۲/۲۲ یا شعارهای نظیر "اختناق، اختناق تهدید انقلاب است، زندانی سیاسی آزاد باید گردد" تا پاسی از شب به خاطر پاسداری از ارزش‌های انقلاب به شعار دادن پرداختند. متعاقب آن عده‌ای از اپادی مسلح ارتجاع به آن‌ها حمله می‌کنند. در اثر رگبار مسلسل یوزی که از سوی ماشین سپاه به سوی آن‌ها شلیک می‌شود، مادری به نام "حرمت گیاهپور" مجروح شده‌که بعد از انتقال به بیمارستان ۱۹ آبان شهید می‌شود.

● املش (رودسر) :

ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه روز جمعه ۲/۲۲ عده‌ای از مردم به حمایت از ریاست‌جمهوری، دست به یک راهپیمائی می‌زنند به دنبال آن عده‌ای از چماق-داران بسیج و سپاه به آن‌ها حمله کرده و شروع به تیراندازی می‌کنند در این یورش مسلحانه یکی از هواداران مجاهدین به نام شرف‌مازیار توسط ایادی مسلح ارتجاع از ناحیه‌ی کف مجروح می‌شود که در اثر شدت جراحات سرانجام جمعه ساعت ۱۰ و ۱۵ دقیقه شب به شهادت می‌رسد. هم‌چنین در اثر تیراندازی یکی از ژ-۳ بدستان مرتجع به نام "هادی حمیدی" به سمت یکی از هواداران سازمان چریک‌های فدائی خلق به نام "رویا کاظمی" از ناحیه‌ی قلب مورد اصابت گلوله قرار گرفته و در دم به شهادت می‌رسد. در این درگیری دو خواهر دیگر نیز به نام‌های "فاطمه‌غلامی" و "شیوا ترابی" نیز به شدت مجروح می‌شوند. لازم به تذکر است که پس از شهادت برادر مجاهد شرف‌مازیار، مرتجعین مزدور به شیوه‌ی ساواک، جسد او را ربوده و دور از انظار دفن می‌کنند و به اعتراض خانواده‌ی وی نیز وقتی نمی‌نهند.

اطلاعیه مجاهدین خلق ایران درباره فاجعه جنایت بار دستگیری، شکنجه و قتل مخفیانه میلشای قهرمان، کارگر مجاهد "امیر ارگنجی" بوسیله کمیته مرکزی رشت و دیگر ایادی جنایتکار مرتجعین

بنام خدا
و
بنام خلق قهرمان ایران

هموطنان آزاده و رزمنده، مردم آگاه و انقلابی گیلان: مرتجعین انحصارطلب حاکم در ادامه فحایع و جنایات وحشیانه شان اخیراً در رشت به یک جنایت هولناک دیگری دست زده اند که به راستی یادآور عملیات باند‌های جنایتکار مافیاست. این جنایت ضد انقلابی و ضد انسانی که علی‌رغم تمام پنهان‌کاری‌های مرتجعین و تمام تلاش مقتصحانه‌ی آنان برای مخفی نگاه داشتن آن بالاخره از پرده بیرون افتاده و چهره‌ی جنایتکار ایادی ارتجاع را هرچه بیشتر نشان داده و باعث رسوا شدن هرچه بیشتر

آن‌ها در پیشگاه خلق می‌گردد. جریان دستگیری، شکنجه و قتل و سر به نیست کردن مخفیانه‌ی میلشای قهرمان، کارگر مجاهد "امیر ارگنجی" است که به دست کمیته‌ی مرکزی رشت و ایادی چماق دارو جنایت‌پیشه‌ی آن صورت گرفته و در آن مرتجعین جنایت پیشه و مزدوری همچون "استاندار صد انقلابی گیلان"، "محمد حسن نصیبی" سرپرست جنایتکار کمیته‌ی مرکزی رشت، "محمد علی (فرشید) ابادری" معروف به "فرشید فالانز" قاتل و چماق‌دار معروف رشت دخالت و مباشرت داشته‌اند. "امیر ارگنجی" که حدود ۵۰ روز پیش در رشت ناپدید شده بود سرانجام مطابق اطلاعات مستند و قابل اثباتی که پس از بیش از یک ماه

ناپدید شدن وی و در ادامه‌ی جستجوها و پی‌گیری‌های خانواده‌ی شریک‌سازمان مجاهدین خلق شاخه‌ی گیلان به دست آمد معلوم شده که وی در تاریخ ۶/۲/۶۰ در راه بازگشت از رشت به روستای محل زندگی خود در "بخش سنگر در خیابان خمینی رشت توسط مزدوران چماق‌دار ارتجاع ربوده شده و پس از این‌که در کمیته‌ی مرکزی رشت به شدت و وحشیانه شکنجه شده "محمد حسن نصیبی" سرپرست ضد انقلابی کمیته‌ی مرکزی رشت وی را به چماق‌دار معروف رشت "فرشید ابادری" و باند وی تحویل داده است. فرشید ابادری و باند جنایتکار او نیز امیر قهرمان را به بیابان‌های بین‌امام‌زاده هاشم رشت و رودبار برده و در حالی که از

سرسختی و مقاومت وی دیوانه شده بودند، مجدداً او را تحت شکنجه‌های وحشیانه قرار می‌دهند و آنگاه بدن نیمه جان او را طناب پیچ کرده و چشم و دهانش را بسته و با ستن سنگی به پای وی بدن نیمه‌جان و شکنجه شده‌اش را به داخل آب "سد تاریک" پرتاب می‌کنند. و بدین ترتیب کارگر مجاهد و میلشای قهرمان "امیر ارگنجی" سرفراز و چون کوهی استوار و با مقاومتی تحسین‌انگیز و انقلابی در راه آرمان‌های توحیدی خود به گاروان شهیدای پرافتخار سازمان مجاهدین خلق می‌پیوندد. ایادی تیره‌دل و جانی مرتجعین گمان می‌کردند که این جنایت ضد انسانی تا بد پوشیده خواهد ماند، لکن به زودی زمانی که عدای کارگر مشغول لایروبی سد تاریک بودند با کشف حسد شهید ارگنجی راز جنایت هولناکشان برملا شد و کوس رسوائی آن‌ها و آریاباستان را به صدا درآورد "امیر ارگنجی" انقلابی پاکبازی بود که مقاومت دلیرانه او تا آخرین لحظات حیاتش ادامه داشت. روستازاده‌ای زحمتکش بود که در خاندی پدری کارگر زندگی می‌کرد و به دلیل تنگدستی خانواده‌اش از همان سنین سوجوانی مشغول به کار شد. در آغاز جوانی و بد هنگامی که در ارتش بود با جنایات رژیم آریامبری آشنا شد همپای قیام دلاوراندی خلق از ارتش گریختند و به انقلاب پیوست و فعالانه در تظاهرات مردمی و راهپیمایی‌ها شرکت داشت. بعد از انقلاب با سازمان مجاهدین خلق تماس گرفت و در این رابطه فعال شد. پس از تعطیلی دفتر سازمان که به علت تهاجمات گسترده‌ی مرتجعین علیه انقلابیون صورت گرفت مدتی ارتباط او با سازمان قطع شد، و در این مدت خود مجدداً به مطالعه‌ی آثار سازمان و فعالیت‌هایی نظیر بخش اعلامیه و شعاری نویسی و... مشغول بود. بعداً "امیر" توانست با برقراری ارتباط مجدد با سازمان سهم به‌سزائی در آگاهی بخشیدن به زحمتکشان "بخش سنگر" داشته و در ارتقاء مبارزاتی خود بکوشد.

افتاده بود که علی‌رغم مضیق‌های مالی از سنگر به کوچصفهان رفته و برای زحمتکشان سنگر و یارانش نشریه، کتب و رهنمودهای سازمان را می‌آورد. مطابق آخرین ساعات عمر کوتاه ولی پر بارش زمانی که مزدوران جلاد او را به قتلگاه می‌بردند سرشار از شوق شهامت انقلابی یک میلشای می‌گوید: "گنتین من فایده‌ای ندارد، از خون من هزاران مجاهد بر می‌خیزد" مجاهدین خلق ایران ضمن تبریک و تسلیت این شهادت مظلومانه به خلق قهرمان ایران و مردم مجاهد-پرور گیلان و زحمتکشان بخش سنگر به خصوصی خانواده‌ی داغدار قهرمان "امیر ارگنجی" بازهم بر میثاق خونین خود در راه پی‌گیری آرمان‌های انقلابی و توحیدی و دفاع استوار از حقوق حقه‌ی خلق تأکید نموده و به تمام مرتجعین جنایتکار و تاریک‌اندیش و تیره‌دل یادآور می‌شویم که بدقول شهید قهرمان "امیر ارگنجی" از خون هر مجاهد هزاران مجاهد دیگر برخواید خاست و جنایتکاران و نیز آن‌هایی که به قیمت خون شهیدای این خلق، مناصب قضائی این مملکت را غصب نموده و به تیول انحصاری خود تبدیل کرده‌اند و بر این جنایات نظاره کرده و دم بر نمی‌آورند، باید بدانند که هرگز نخواهند توانست از مکافات این جنایات و یا سکوت و رضا در قبال آن بگریزند. و نیز جا دارد عناصر مرتجع و خودفرورخته‌ی هیئت بررسی شکنجه کدچشم خود را بر این همه جنایات ضد مردمی ایادی ارتجاع بستند و بر فقدان شکنجه حکم نمودند از این بد اصطلاح بررسی و نتیجه‌گیری خود درهای شرم کنند. بی‌گمان تمام آن‌هایی که بر ضد خلق مرتکب جنایت شده و دست به خون فرزندان خلق آغشته و یا آن را توحید و برده‌پوشی کرده و یا بدان رضا داده باشند سرانجام بد حشم خدا و انتقام خلق گرفتار خواهند شد.

ولن تجد لسنة الله تتديلا
و يعلم الذين ظلموا اي
منقلب يتقلبون
مجاهدین خلق ایران
۲۴ خرداد ۶۰

قدرت تبدیل می‌شود.
در این مسیر است که ارتجاع و سردمداران انحصار طلبی که با عملکرد غلط خود در سطح جامعه حرم و جنایت می‌آفرینند، به‌ساختن زندانهای متعدد دست زده و زندانها را پر می‌کنند و در نهایت با تشکیل دادگاههای معلوم الحال حتی در درون سلولهای بسند به اوج خستوت، اعدام و تبعید

بقیه از صفحه ۱۸
جنایت هولناک مرتجعین در رشت
بای مجاهد شهید امیر ارگنجی و غرق کردن وی در دریاچه سد خواهند نوشت برای همیشه جنایت هولناک خود را برده‌بوسی کند. اما از آنجا که هیچ جناسی در تاریخ مخفی نمانده این جنایت نیز مخفی نماند. اکنون معلوم می‌گردد که مرتجعین حاکم در اوج افلاس و درماندگی به جد جنایت هولناکی دست زده‌اند. جنابیی که طبق تحقیقات ما تاکنون علاوه بر رئیس کمیته رشت (محمد حسن نصیبی) و فرشید ابادری (سردسبی فالانز) تعدادی دیگر از به اصطلاح مقامات مسئولین استان و سپاه نیز در آن نقش کارگردان را داشته‌اند ولی آیا به راستی هیئت حاکمه کبونی خواهد نوشت این‌گونه با ضرب و سم و شکنجه و برور و قتل جوانان آگاه میهن به حیات خود ادامه دهد؟ و آیا ایسان نمی‌خواهند از سربوت اسلاف جناسکار خود پند گیرند؟

اعتراض انجمن حقوقدانان مسلمان نسبت به محکومیت و اعدام زندانیان شورشی در مشهد
حاکم است که طی آن همهی وسایل و امکانات (از جمله زندان) که باید به نوعی در خدمت جامعه و حل ریشه‌ای آن قرار گیرد، از محتوا نبی شده و به صد خود تبدیل می‌شود. زندان که عرفاً و قانوناً به‌منابده محلی برای تربیت و اصلاح مجرم شناخته شده‌وقتی در خدمت انحصارطلبی و ارتجاع درمیاید به‌وسیله‌ای برای سرکوب و اعمال زور و خفقان در جهت حاکمیت و تنسیت

منقل و در تاریخ ۶۰/۲/۲۱ بد عنوان فرد مجهول‌الهویه در کورسان "نازه‌آباد" رشت بحث‌شماره ۱۱۳۵ به خاک سپرده می‌شود. ضمناً کارگران شریف کورسان را شهید می‌کنند که چنانچه کسی درباره‌ی این حسد سوال کرد به دادگاه انقلاب اطلاع دهند!!!
و بدینسان برگ سیاه دیگری بر کارنامه‌ی سنگین مرتجعین حاکم و ایادی مزدور آنان افزوده گشت. البته جنایتکاران گمان می‌کردند که با بسن سنگ به

بنام خدا
و
بنام خلق قهرمان ایران
۲۳ نفر از زندانیان شهید سه اتهام شورش در زندان محاکمه و در دادگاههای سه اصطلاح انقلاب محکوم شدند و حکم اعدام در مورد ۶ نفر از آنها به مورد اجرا گذاشته‌شد. این محکومینهای بی‌رویه و خلاف قانون، نمونه‌ی دیگری از شیوه‌ها و راه‌حلهای ارتجاع

بقیه در صفحه ۲۲

بدیناسبت سالروز شهادت دکتر علی شریعتی

شریعتی

خروشی بر علیه "ولایت سفیانی"

۲۹ خرداد چهارمین سالگرد شهادت معلم شهید دکتر علی شریعتی است. مردی که در تاریخ مبارزات خلق ما و نیز در تاریخ تحول استبداطات اسلامی، حوس درخشان و بی‌کمان نامی در سلسله‌های آبی این صفت همواره نه نیکی خواهد رفت.

سیک ما را در این مختصر نازای آن است که قدر او را ارج بسیم و کار بزرگ او را بررسی بنامیم. اما حداقل در این نوشتن مختصر تلاش می‌کنیم که تا مدد گرفتن از کلام زیبا و ریاضی خود او جسم کبریا و بزرگی شخصی و تکرسی را مطرح کنیم و سخن بسیر را به صاسی دیگری حواله دهیم.

این بزرگی در یک کلام "شخصی ارجاع به عنوان بزرگترین آفت اندیشه اسلامی و سد راه حرکت رهایی‌بخش روحی" بود؛ همدی روزستگاران کورهای اسلامی باید یک حکم آزادی‌بخش برای خود اسلام آغاز کند، که اسلام آزاد نبود... اگر مسلمان بجای سدا کند و اسلام زندانی نماند باز دوسریه می‌انسد در داخل زندان ارجاع... (۱)

سایر این بزرگ‌ترین راه نجات مسلمان‌ها و مردم و انسان‌ها و بوده‌ها، نجات دادن خود اسلام است از زندان یک‌گروه کاملاً شخصی که آگاه و ناآگاه به قدرت زمان و "طبقه حاکمه" و به هر حال بول‌واسته است... (۲)

همان "ملاهای برجعی که امامت سعی را بسواندی سرعی سلطنت موروثی و نفی دین‌گرای، و نقد جعفری را سکر استبداد تکرری و عماد با حکومت قانون و مبارزان مجلس با الحادی دین ساخته بودند و "سروعد" را در برابر "سروطه" علم کرده بودند. علمی که در زیر آن کلنل لبای خوف قزاق روس و محمد علی شاه تاجار و تداردیدان دربار سده بی‌زند... (۳)

آری "استبداد روحانی، سنگین‌ترین و زیان‌آورترین انواع استبدادها در تاریخ بشر

است" (۴) با بسواندی همین "اسلام طبقاتی" و "استبداد روحانی" است که استثمار و حساساتی مردم که به صورت "رعیت دین" (۵) تلقی می‌شوند - صورت می‌گیرد؛ استثمار (که) و فحاحه‌ای از استثمار آمریکائی در بین همین موسس و حاجی‌های بازار خودمان، و سره‌باده‌های مومن و مقدس و واقعا معتقد ما وجود دارد، و در عین حال اسمس هم اسلام است. (۶)

و فدائیان و واقعا عاشقانی پیدا کرده که هیچ انتظاری نمی‌رفت و آن‌ها بدون این که در این چهارچوب "بول" و "دین" محصور باشند، عاشقانه اسلام را حس کرده‌اند و زمان را حس کرده‌اند و جهت تاریخ را حس کرده‌اند و الان می‌بینیم که چهره‌ی اسلام را در سطح جهانی عوض کرده‌اند، و با برگ روحانیت رسمی ما،

"استبداد روحانی، سنگین‌ترین و زیان‌آورترین انواع استبدادها در تاریخ سراسر است."

اسلام جوشخانه نخواهد بود... (۱۱) بین این دو "اسلام" باید مرزی اسوار و حدقی نفوذناپذیر کشید؛ این مرزها و حساب‌ها را باید از هم سوا کرد، به درک که خیلی از موسس مقدس را هم در این مرزبندی

زمین، ای خصم سنگر، یار مظلوم، ای مجاهد مسلمان... ای "خودساخته بر خلق و خوی خدا"، "وارث انبیاء"، "بربر خدا"، "وارث انبیا"، "بربر خدا" از پیامبران بنی‌اسرائیل، "انسان" محمدواری که باید شاهد حق زمان و شهید خلق جهان‌بانی، ای حنیف‌نژادی که از طواف عشق، سعی‌آب، که از طواف عشق، سعی‌آب،

"ای قائم به قسط در زمین، ای خصم سنگر، یار مظلوم، ای مجاهد مسلمان... ای "خودساخته بر خلق و خوی خدا"، "وارث انبیاء"، "بربر انبیا مبران بنی‌اسرائیل"، "انسان محمدواری که باید شاهد حق زمان و شهید خلق جهان‌بانی"، ای حنیف‌نژادی که از طواف عشق، سعی‌آب، منزل آگاهی و خودآگاهی و منسای رمی تثلیث شرک، و شهادت اسماعیل بازمی‌گرددی ولوای فلاح بخش توحید ابراهیم و پیام قرآن و ذوالفقار علی را با خویش داری و کوزه‌ای از آب زمزم سوغات آورده‌ای"

دقیق خارج از مرز اعلام کنیم و فدا کنیم. (مگر همیشه باید آن‌ها بایسند و ما را تکفیر کنند بگذار ما هم یاد بگیریم، بایسیم و آن‌ها را تکفیر کنیم. تکفیر که حق انحصاری یک گروه خاص نیست، ما هم یاد می‌گیریم.) ... کسی که ابوسفیانی زندگی می‌کند و ایمان محمدی دارد،

منزل آگاهی و خودآگاهی و منسای رمی تثلیث شرک، و شهادت اسماعیل بازمی‌گرددی ولوای فلاح بخش توحید ابراهیم و پیام قرآن و ذوالفقار علی را با خویش داری و کوزه‌ای از آب زمزم سوغات آورده‌ای"

بس "خدایا! مقدار که اناسم به اسلام و عشقم به خاندان پیامبر مرا با کسبمی دین، با حملدی غضب و عطدی ارجاع هم‌آواز کند. (۷) اما در مقابل این "اسلام" اسلام دیگری نیز هست؛ "اسلامی که سلاج برداشده و هولناک‌ترین لحظات تاریخش

"من از وقتی امیدوار شدم که اسلام به جانی رسیده، که از انحصار روحانیت خارج شده است... (و) از درون نسل‌های غیررسمی، فداکاران و فدائیان و واقعا عاشقانی پیدا کرده که هیچ انتظاری نمی‌رفت. و آن‌ها بدون این که در این چهارچوب "بول" و "دین" محصور باشند، عاشقانه اسلام را حس کردند و زمان را حس کرده‌اند و جهت تاریخ را حس کرده‌اند و الان می‌بینیم که چهره‌ی اسلام را در سطح جهانی عوض کرده‌اند، و با برگ روحانیت رسمی ما، اسلام خوشخندانسه نخواهد بود..."

پاورقی:
۱- "جهت‌گیری طبقاتی اسلام" ص ۱۳۳
۲- همان کتاب ص ۱۳۴
۳- "ما و اقبال" ص ۱۹۵
۴- "بازگشت به کدام خویش" ص ۲۶۳
۵- "جهت‌گیری طبقاتی اسلام" ص ۱۳۴
۶- "زمینه‌ی شناخت

این مبین، در پرشورترین صحنه‌های خونین سیرد، در مقابل امپریالیسم و ارجاع، سینه سپر کرده است، و چنین است که شهید دکتر علی شریعتی می‌گوید:
"من از وقتی امیدوار شدم که اسلام به جانی رسیده، که از انحصار روحانیت خارج شده است... (و) از درون نسل‌های غیررسمی، فداکاران

را در بی‌سگاری با اسیر - بالیزم و - سرماییه داری جهانی می‌گذراند و جز رهایی از استثمار و دراندن بوده‌های محروم بر طبقه‌ی انکل استثمارگر تعاری ندارد. (۸) " به اسلام ارجاعی: سنی و یا بی‌طرف... (۹) بلکه اسلام سل "حنیف" همان "مجاهدتی" که معلم شهید در وصفش نوشت: "ای قائم به قسط در

از مرز خارج می‌باشد، آن طرف احد است، آن طرف خندق را است. اصلا این خندق را دوباره باید حفر کرد، ناآسکار گردد آن طرف خندق چه کسانی هستند و این طرف خندق کیست؟ این جنگ خندق، جنگ امروز است، و اطراف مدینه‌مان را باید خندق بزنیم با بغیمم که درون مدینه چه کسانی‌اند، و بیرون مدینه کیست؟ در حالی که اکنون خندق بریده و فروفاطمی است، یک چیزی شده مثل کسی نوح که از هر حیوانی یک زوج در داخل آن هست؛ مرزها مشخص نیست... (۱۲)

آری این درحان‌ترین بعد شخصیت دکتر شریعتی است. او با دستانی سپها و فقط به ناری "نسل غیررسمی" جوانان بی‌نام و سانی که عشق خدا و خلق در سینه دانسد، با آن‌ها که توانست در حفر این خندق بین اسلام و ارجاع، به جان کوشد و در این راه از حنیف‌ترین بوطنه‌ها و بیهمت‌های ارجاعی بیرون "ولایت سفیانی" در امان نماند، افسوس کدر این شرایط تاریخساز میهن ما که سربوشت اسلام و "انقلاب" به دست نسل انقلابی این میهن، و در بسایبش آن مجاهدین خلق، در ستم با امپریالیسم و ارجاع و خود - کامگی رقم می‌خورد - شریعتی در میان ما نیست تا با دم گرم و ظم مسئول خود، بارمان دهد و آنچه را که از وقاحت و نامردمی ارجاع می‌گفت و می‌نوشت، اکنون با دیدگانی خونبار و ناباور بر عرش حاکمیت سفیانی ببیند.

بگذار ارجاع چهره‌ی پاک این مرد بزرگ را سخ و تحریف کند، بگذار، حتی، یاد و یادواره‌اش را هم به زنجیر کند... اما شریعتی هرگز از خاطره‌ی نسل آگاه و مسلمان این خلق فراموش نخواهد شد. او همواره در یاد و راه ما زنده است.



قرآن" ص ۸
۷- "مجموعه آثار - نیایش" ص ۱۰۸
۸- "با مخاطب‌های آشنا" ص ۲۱۲
۹- "مجموعه آثار - حج" ص ۲۳۱
۱۰- "جهت‌گیری طبقاتی اسلام" ص ۱۳۰
۱۱- "زمینه‌ی شناخت قرآن" ص ۹

نیمه شعبان، مبشر آزادی و یگانگی انسان

محراب حنین علی "رستگار" شد، در قتلگاه کرلا در خون خویش عاشقانه برین سرود نیایش سرداد و... در چهره‌ی "مهدی منعم"، لحظه‌های بر سکو "آزادی" را "انظار" کنید. تمامی دستهای ناباک و پوخته‌گر تاریخ سمسیر ستم بر کسندید تا "او" را که امید "انسان" و آرمان "تاریخ" و فصل رویش و زندگی "هستی" بود در نطفه بربر کسند، اما او زنده ماند زیرا که خدا زنده بود. و زنده می‌ماند تا فریاد کرد خورده‌ی ستم‌دیدگان و زنجیربان و زنجیران تاریخ را بکاره و برای همسده برتری جهانخواران و زنجیرداران و غارتگران بگوید و بر ویرانی جهان ویرانگر طبقاتی، نظم بوسی غارتی از ستم و اسارت و استثمار بنیان بهد...

زنده می‌ماند تا دین خدا را از اسارت خدایان زمینی که در "عبت" او امان و ناویر بی‌ریای مردم را، در مبدان ناخست و سار "ولایت" و "سایت" دروغ‌پسنان، به‌سازی گرفته‌اند - وارهاوند و خدا را از درون مساحت اسفانده وار فراز منابر عصت بنده به میان محرومین برد و در ناگریز و رسیدن برین و زینابری سگسند به بنای کدازد، حدائی که به بر بوم و تربت و حیل بوده‌ها کد بر "آگاهی" و "آزادی" انسان استوار است. زنده می‌ماند تا زنده‌بودن و جاودانگی مانداری و مقاومت انسان را جلوه‌گر سازد و پای این مقاومت تاریخی رفیع‌ترین نخل وحید و یگانگی اجتماعی را تا نحق جهانی آزاد، آباد و غارتی از ستم و طبقات، بسپاند آری "او" زنده می‌ماند...

انقلابی بی‌پایان، پرورده‌بر می‌شد و زایش دردناک ورهائی ساز آن "روز" و آن "انسان" موعود را پرورده‌بر می‌کرد. گشتا که "انسان"، دردآمان پرورش و ربوبیت "هستی" و "تاریخ"، خود، آسین و قابله و مولود آن "موعود" بود! حضورش، ست سرد و مبروی زخم‌گسار و ستم‌سندگان و بی‌سوان، رونق می‌گرفت و راه صفت و برصلاطت تاریخ را می‌گسود. "موعود"ی که درنوان وجودش، رنجبرهای حیل و اسارت شکسته می‌شد و طبیعت سرکش و فهاز و برسیر، با زاروان بی‌نوان علم و آگاهی سر، مسخر و رام می‌کشد. "مولود"ی که از راه کنعان

انسان، که کوچکتر از دره‌ای و کم وزن تر از غباری در جنکال اسارت آسمان و زمین می‌زیست آیا هیچ درجه‌ی نجات بخش نوری نبود که به آن سرسپرد و روح اسارت و بیگانگی را که از حیوط تاریخش برمی‌گرفت - در حسی کوآزای آبی و آبید؟ آری بود...! نطفه‌ی زانده‌ی "حق" که در دل هر دره‌ی اس‌هستی بکران، مکون و مکوم زندگی می‌گردد و زندگی می‌جسند، هر روز بازرس و محلی بر می‌شد و امید "فردا"ی رهائی و یگانگی را بر دل بردرد و دنده‌ی بر خون آدمی به "امانت" می‌نهاد. آدم این "حقیقت" نابناک را - که از کوهر والای هستی برآو

"... جد نزدیک است امروز به شاربهای فردا! ای مردم! این (مرحله) سرآغاز ورود (وتحقق) وعده‌ها و نزدیک شدن طلوع است که آری می‌شناسید. هان هوشیار باشید که آنکس از ما که آن (مرحله) را دریابد، با جراتی روش در آن حرکت می‌کند و سر شیوه‌ی صالحین در آن گام می‌زند تا سدهائی را بگذراند و گردنهایی را آزاد کند. جمع (سنگران) را از هم پراکنده سازد و نیروهای پراکنده‌ی حق طلوع را متحد نماید. (این جریان) بوسید از چشمها (زاد خود را می‌گشاید) آنچه که می‌بیند خورجند که دیدگانش را به دنبال آن افکند. آنگاه در (تلاطم) این (جریان)، گروهی صیقل‌برده و تیز می‌شوند آنچه که شمشیر بند است آهن‌تر تیز و بران می‌گردد. دیدگانشان با نزول بدرجی (پیام و رحمت خودانی) جلا می‌گیرد و تفسیر و مارتدندی (پیام) در عمق کوششایشان فرو می‌نشیند و خام‌های لبریز از حکمت (و حرکت درست) را هر آمداد، بیایی می‌نوسند... (سبح البلاغه - حکله: ۱۵۰)

میلاد امام عصر (عج) مبارک باد

"مجاهدین خلق ایران" ضمن ایثار درودهای انقلابی خود به پیشگاه امام عصر (عج)، نیمه شعبان رابه‌مثابدهی "بین الملل رهائی و یگانگی انسان" و تحقق وراثت و رهبری جهانی رنجبران و زخم‌گساران، به تمام خلق‌های تحت سلطه‌ی جهان و بخصوص خلق قهرمان ایران، تبریک و تهنیت گفته و با خدای خود پیمان می‌بندند که تا آزادی "انسان" و "مکتب اسلام" از زنجیر خدایان شوم دین و دنیا، و ظهور رهائی بخش آن "مولود" خجسته و آن "موعود" مبارک در جهانی توحیدی و بی‌طبقات، تبرید بی‌امان خود را بر علیه عوامل اسارت و غارت و جهل انسان ادامه خواهند داد.

سالم برآید. از آس برود به سلامت کدر کرد، بر امواج جروبان نیل از سلطه‌ی حدائی فرعون کربحت، از خون جوسان زکریا سر بیرون آورد، از حنات "یهودا" و دارهای برافراستی مصر، به سوی خدا بالا رفت، از بسر محاصره شده‌ی محمد بسوی مدینه هجرت کرد، در

سرسنه بنده بود در طی قرون و سالان برسیر و "آزادان" سنجریه می‌کرد و به آن "انسان" می‌آورد. نطفه‌ی "فردا"ی موعود - که از محرای تحول برنگوه و کمال بخش هستی در دل "انسان" و "تاریخ" کاشته شده بود - روز بروز، در دامان

- که هر سرزمین آزاد انسانی را به سحر درآوردده است - سدا کجا می‌نواست رسد؟ نجوا و بنای رهاجوی بردگان و ستم‌دیدگان در برابر خادوی سحران و گاهان مردم تریبی که تمامی نام و نوا خدایان در جنکال غاصبان به اسارت کسنداند جر بوجی به کجا رده می‌سپرد؟

ناردهم شعبان رادروز با سعادت دوازدهمین و آخرین الکو و امام انقلابی اسلام و سر آزادی و یگانگی انسان است. انسانی که تاریخ بر روح و سیر خود را با ناهائی رنجبران، حساسی خوسار اما دلی برآمد ملی کرده است تا فردای رویش رهائی را، در دستان آورده از غارت و ستم و سگالکی، ساقط و برک تحویم و حنات بخش اربابان قدر قدرت دین و دنیا را، در ظهور مبارک "مهدی موعود" و "مولود منعم" حسن بکرده. تاریخ حیات انسان، در حقیقت، نگابوی دردمند و برنگویی است که از بس دیوارهای ضخیم اسارت و بردگی، راه خود را به سوی آن "روز" و آن "انسان" موعود می‌کشد و در هر مدار حدت بیروی ناره از آن "رهائی" پنهانی را بر سبک ملبس و سرفراز اجتماع می‌نماید. نطفه‌ی آن "روز" و "خجسته" و آن "مولود مبارک" به دنیا در بطن برضاد تاریخ که در دل دردمند هراسان ستم‌دیده سینه شده و رسد و تکامل خود را در بسیر مانداری و انقلاب "انسان" و در انظار آن "زای" برسکو سبری می‌کند. اگر اس "نطفه‌ی امید" شود، در صحنه‌ی مبارز و دهشت زای بکار - که در یک سویش بردگان و بی‌خبران و رنجبران صف بنسند و در سوی دیگر اربابان و خدایان و در حیمان بکه بازی می‌کنند - انسان به کجا رده می‌برد؟ فریاد رنجبران زمین در غوغای کوئی حراسی ماسس عظیم غارت و سرکوب‌جهانی

نقد/مصفا حیدری ۱۹

اعتراض انجمن حقوق‌دانان مسلمان نسبت به محکومیت و اعدام زندانیان شورشی در مشهد

و اعلام می‌دارد ادامه‌ی قانون سکی و جنایت که یکی از سعادتمندترین چهره‌ی آن کسار و محکومیت زندانیان است، نه تنها اینگونه اعمال است بلکه حکومت هرچه بسیر جریان انحصارطلب و ارجاعی حاکم را نزد اقتدار مردم به دنبال خواهد داشت. انجمن حقوق‌دانان مسلمان ۶۰/۳/۷

اگر واقعیت وجود نکند و... با تبلیغات واچی به ظاهر فابل بی و کمان است، کسار زندانیان یا محاکمان غربابویی و فرمایشی، آنجناب فاحشده‌ای است که جای هیچ گونه استکاری ندارد. انجمن حقوق‌دانان مسلمان با محکوم نمودن سبوه‌های غیر انسانی ارجاع حاکم، نسبت به اجرای حکم ضد انسانی و ضد اسلامی دادگاه به اصطلاح انقلاب مشهد اعتراض نموده

و... موبل می‌شوند. کسار، سعید و زندانیهای طویل‌المدت برای زندانیان عادی و بنای سپید که سوزی سناحد شده، در کند خود سناکر جنابانی است که در ست درهای بسیر زندانیها انجام می‌شود، جنابانی همچون سکنجه، بلانگلیفی، عدم امکانات و... که موجب خشم و ناراضی زندانیان شده و در نهایت منجر به کشته شدن معترضین می‌گردد!

در برابر جسم ویرانگر طبعی: رسمی که می‌لرزد و آسنادها ویران می‌کند، آسانی که می‌بازد و سلبها روان می‌سازد، کوهپای سیرد تلک کسده‌ی سحرناپذیر، درندگان قوی سناحد غول سبکر، درناهای سگران جروبان و کت آلود، رنانه‌های جانناپسوز آس، در برابر سنا و کرنا و سنازی و برکی که حد آمان از هر کوشه‌ی چهره می‌نماید، انسان - این کودک ضعیف و ریسگر تاریخ - حد امکان حیات و بقائی را در جنکال باریک و سناحد و موجس دسا فراروی خود می‌یافت؟ در پهنه‌ی سگران هستی،



مقاومت گسترده در تهران و شهرستانها در برابر مارتین لوتر کینگ

کنالم (رامسر) :

روز پنجشنبه ۳/۲۱، عده‌ای از مردم به حمایت از رئیس جمهور منتخب خود آقای دکتر بی‌صدر در حالی که یکصد نفر شعار می‌دادند: "مرگ بر استبداد- درود بر آزادی - بی‌صدر بی‌صدر حمایت می‌کنیم" دست به راهپیمایی زدند، در حین راه پیمایی عده‌ای حماق‌دار نیز راهپیمایی کرده و قصد درگیری با مردم را داشتند که به علت کثرت و هوشیاری مردم، بوطنی آن‌ها خستی و راهپیمایی بدون درگیری ادامه می‌یابد.

مشهد :

در ساعت ۳ و ۵ دقیقه ۱۹ خرداد عده‌ای از اوپاش به دفتر هماهنگی حمله کرده و پس از ورود به ساختمان، گازگنان این دفتر را محروح و مضروب نمودند. معاف این جریان عده‌ای از مردم که عکس آقای بی‌صدر را در دست داشتند، به طرف دفتر حرکت کرده و ضمن اعتراض به حملات وحشیانه‌ی حماق‌داران حمایت فاطمه خود را از دکتر بی‌صدر اعلام می‌دارند:

روز بعد یعنی (۳/۲۰) نیز ساعت ۱۰ صبح گروهی از مردم از مقابل دفتر هماهنگی با شعارهایی به حمایت از آقای رئیس جمهور دست به راه پیمایی می‌زنند، ولی بعد از طی مسافتی عده‌ای از افراد ساه جلوی آن‌ها را گرفته و مانع از انجام راهپیمایی می‌شوند و آن‌ها نیز به طرف دفتر هماهنگی باز می‌گردند بعد از آن اوپاش، مردم را مورد ضرب و شتم قرار داده و دو نفر را نیز دستگیر می‌نمایند.

همچنین بعد از ظهر ۵شنبه ۳/۲۱ عده‌ای حماق‌دار با در دست داشتن عکس‌هایی از الهام دهنندگان حماق‌داری و با شعارهایی به طرفداری از آیت‌الله خمینی به منظور فتح محل انجمن دانشجویان مسلمان به طرف خیابان دانشگاه به راه می‌افتند. پس از مدتی اوپاش به کمک آن‌ها می‌شایند. دانشجویان انقلابی را دستگیر می‌کنند، ولی مردم با مقاومت و اعتراض انقلابی قبل از اسفاله آن‌ها به زندان، فرزندان انقلابی خود را از دست ایادی ارتجاع آزاد می‌سازند. به دنبال این جریان عده‌ی زیادی از مردم از چهار راه "گلستان" تا میدان "نقی‌آباد" برای محکوم کردن

این اقدام ضد انقلابی دست به راهپیمایی می‌زنند. هم‌چنین در شهرهای دیگر استان خراسان نیز شاهد جنس سپاهانی بوده‌ایم از جمله:

بیرجند :

بعد از ظهر چهارشنبه ۳/۲۰ عده‌ی بسیار زیادی از مردم جلوی دفتر هماهنگی مردم با رئیس جمهور که توسط عده‌ای اوپاش با اسفاله درآمده بود احشاع کرده و محل دفتر را تاراج می‌کنند. در همین حین یک ماسک داسانی! جهت سفوف کردن مردم به محل درگیری می‌آید اما موفق نمی‌شود. ساعت ۵ بعد از ظهر حماق‌داران به جمعیتی که بعد از ساعت ۳ هزار نفر هم تجاوز می‌کرد و به طرفداری از رئیس جمهور شعار می‌دادند، حمله کردند و با تازی هم‌بیمایان مسلحان در کمپها و سیاه و با ضرب و ستم براندازی و دستگیری ۶ نفر از مردم دفتر هماهنگی را دوباره اسفاله و با کمپدوری تمام عکس‌های رئیس جمهور را باره می‌کنند. صفا در حین اسفاله افراد دستگیر شده به زندان، اوسمیل پاسداران به خاطر نقص ضوابط رانندگی با یک موبورسوار تصادف می‌کند که موبورسوار به سمت محروح می‌شود. به دنبال این تصادف فرد موبورسوار به بیمارستان اسفاله می‌یابد. در حال حاضر حال وی وخیم گزارش شده است.

نیشابور :

بعد از ظهر روز چهارشنبه ۲۰ خرداد عده‌ای از مردم دست به راهپیمایی می‌زنند. در این حین عده‌ای از حماق‌داران به طرف راهپیمایان هجوم می‌آورند ولی با مقاومت مردم مضم کاری از پیش نمی‌برد. بالاخره عده‌ای از حماق‌داران به سردمداری ۲ نفر به اصطلاح روحانی و چند پاسدار دست به راهپیمایی زده و مانع حرکت مردم می‌شوند. در این جریان اوپاش حماق‌دار که با موبور در خیابان‌ها جولان می‌دادند، ۲ تن از یک‌های انقلاب را دستگیر می‌کنند.

بجنورد :

بعد از ظهر روز چهارشنبه ۲۰ خرداد عده‌ای از مردم از مقابل دفتر هماهنگی دست به راهپیمایی می‌زنند. حماق‌داران که قصد برهم زدن راهپیمایی را داشتند، به علت کثرت جمعیت موفق به بیان کار نمی‌شوند. مردم که پس از راهپیمایی در فلکوی مرکز شهر بودند، هندی رگبار وحشیانه‌ی مزدوران مسلح ارتجاع قرار می‌گیرند که در نتیجه‌ی آن بیش از ۱۷ نفر به ضرب گلوله محروح و ۲ نفر به اسامی "سعید سزایداری" و "بیروز یزدانی" به شهادت می‌رسند حال ۶ نفر از زخمی‌ها نیز وخیم گزارش شده است. روز بعد ۵شنبه ۳/۲۱ در نشیمن جنازه‌ی یکی از شهدا که از هواداران مجاهدین خلق بود، هزاران نفر از مردم از خیابان شریعی دست به راه

می‌کردند، توسط ایادی مسلح ارتجاع دستگیر شدند. روز بعد ۵شنبه ۳/۲۱ عده‌ی زیادی از مردم به حمایت از رئیس جمهور و اعتراض به حوقفان و استبداد دست به راهپیمایی زده و به طرف دادسرای می‌روند، حماق‌داران که قصد برهم زدن مراسم را داشتند، به دست مردم به شدت سینه می‌سوند. به دنبال آن در ساعت ۷ بعد از ظهر حماق‌داران به همراهی افراد سیاه به محل "انجمن دانش آموزان مسلمان" هجوم برده و آنجا را به اشغال خود در می‌آورند. در این هجوم عده‌ای از هواداران مجاهدین دستگیر می‌شوند.

تربت حیدریه :

۲۰ خرداد- بعد از ظهر هنگام بحش و توزیع اعلامیه‌ی مجاهدین خلق منی بر تحریم روزنامه‌های حکومتی، توسط یک‌های انقلاب عده‌ای از مزدوران ارتجاع به آن‌ها حمله کرده و سپس ۲ هوادار سازمان و فردی که نسبت به این دستگیری اعتراض داشتند دستگیر می‌شوند. به دنبال آن یکی دیگر از خواهران هوادار توسط اوپاش مضروب می‌شود، اما وی شدیداً مقاومت کرده و دست به افشاکری می‌زند. در همین حین عده‌ای از حماق‌داران رسمی به محل درگیری آمده و سه تن دیگر از خواهران را دستگیر می‌نمایند.

تایباد :

بعد از ظهر روز چهارشنبه عده‌ی زیادی از مردم دست به راهپیمایی زده و با دادن شعارهایی نظیر "دستم آزادی کیف بهشتیه، بهشتیه انزجار خود را از سردمداران ارتجاع اعلام نمودند.

درگز :

ساعت ۶ و ۳ دقیقه بعد از ظهر ۵ سیه ۲۱ خرداد عده‌ای از رئیس جمهور به حمایت از راهپیمایی می‌زنند. معاف آن عده‌ای از حماق‌داران رسمی و غیر رسمی حزب به محل انجمن دانش آموزان مسلمان "درگز" هجوم برده و ۸ نفر از هواداران را با حاق و حماق به شدت محروح می‌کنند که حال یک نفر از آن‌ها وخیم است. در این درگیری مزدوران مسلح با سربازان و شلیک گاز اشک‌آور ۴ نفر را نیز دستگیر کرده و با خود می‌برند.

شیروان :

هم‌چنین حدود ساعت ۶

۳ و ۳ دقیقه روز ۳/۲۰ عده‌ای از مردم شیروان با شعارهایی به حمایت از رئیس جمهور دست به راهپیمایی زدند. معاف آن عده‌ای از ایادی مسلح ارتجاع به راهپیمایان حمله کرده و ۳۰ نفر از آن‌ها را دستگیر می‌نمایند. سپس به دفتر هماهنگی این شهر حمله کرده و آنجا را بهم می‌ریزند.

کاشان :

صبح "حزعلی" که در دشمنی با نیروهای انقلابی و در ضدیت با هر حرکت ترقی-خواهانه بد طولانی دارد روز ۵شنبه (۳/۱۹) و ۵ سینه ۳/۲۱ در منزل "قزائی" (روحانی) سخنرانی داشت که در این سخنرانی‌ها ضمن فحاشی‌های رکیک علیه رئیس جمهور و نیروهای انقلابی دست به تحریک مردم می‌زند، تا بالاخره موفق به سیح ۳۰۰ حماق‌دار می‌شود. در مقابل حدود ۷ هزار نفر از مردم در خیابان‌ها اجتماع کرده و به طرفداری از رئیس جمهور شعار می‌دهند: "درود بر بی‌صدر- مرگ بر بهشتی" به دنبال آن افراد سیاه در این جریان دخالت کرده و پاسدار محافظ "حزعلی" یا اقدام به براندازی در مسجد، ۲ نفر را محروح می‌کند. هم‌چنین دو نفر از مردم توسط سایر مزدوران دستگیر می‌شوند. عده‌ای از مردم سیر که در سخنرانی شرکت داشتند پس از اتمام سخنرانی، بدراه‌بیمایان پیوسته و با شعار "درود بر بی‌صدر" تا ساعت ۷ و نیم به غلغله ترقه‌سازان و جنگ - افروزان شعار می‌دهند. برای بلای و اسفاله از راه‌بیمایان، ارتجاع دست به دستگیری وسیعی از مردم کاشان در روزهای بعد می‌زند.

شیراز :

طی روزهای اخیر شهر تراز نیز صحنه‌ی اعتراضات کسرده‌ای از جانب مردم دلیر این شهر در رابطه با استبداد و حوقفان حاکم بر جامعه بود. روز ۳/۲۰ عده‌ی زیادی از مردم به حمایت از ریاست جمهوری از دروازه‌ی سعدی دست به راهپیمایی زدند. به دنبال این راهپیمایی اوپاش حماق‌دار تحت حمایت پاسداران در نقاط مختلف با مردم درگیر شده و اقدام به دستگیری مردم کردند. معاف این درگیری‌ها منزل یکی از هواداران مجاهدین مورد هجوم اوپاش قرار گرفت که بر اثر این هجوم بی‌سرماند یک مادر ۹۰ ساله از ناحیه سر و مادر دیگری با کار از ناحیه پیچیده در صحنه‌ی آخر



بیانیه مهم پرسنل آگاه شهربانی و پلیس مردمی در حمایت از رئیس جمهور و افشای توطئه ضد مردمی سرهنگ حجازی مزدور حزب حاکم در شهربانی

حمایت پرسنل انقلابی پایگاه یکم مهرآباد از رئیس جمهور

جمهوری اسلامی ایران را که چون بهای هزاران شهید است باطل نمود و بد شیوهی آریامهری بار دیگر این نسل رها شده از اسباده را به زحیر بکشد

اسکما با حمایت از رئیس جمهور مسخ مردم رسالت تاریخی خود را ایفا نموده و بد همدی بوطئدگران بحب هر عنوان و هر بوشتر غوام فرمایانی همسار می دهیم که با صفوف مسخک و اسفام انقلابی خود تمام بصورات واهی زورگویان را به بازی حدانسی برآب خواهیم کرد

پرسنل پایگاه یکم مهرآباد
۶۰/۳/۱۹

سعدعالی
پرسنل غیور وطن پرست
بار دیگر زهرندهای عول اسباده بین غزیرمان را در بحرابی حطرباک تراز داده است در حالی که فرماندهی گل نوا به همراه زرسدگان اسلام در حیددهای حنک غلبه بخاورگران معنی می حنکد، بوطئدهای سوئی بوسط انحصارطلبان حزبی برای حذف رئیس جمهور و فرماندهی کل قوا در سرف انجام می یابد

ما که به همراذ ملت سناست جاسدی ایران در ۲۲ بهمن با ساز خون خود زرم دیکما سوری سنا را سرکون کردم حرکت اجاره نخواهم داد ما اس نازده نه تدرت رسدگان اسس

هدف های خود را عقب نماند و باز سپهریانی را تبدیل به یک نیروی ضد مردمی و آزادی کس و فصل احساق بنامند. ولی ما پرسنل سپهریانی و پلیس بد سنا ملت ریخندید اعلام می کنیم که اس بوطئده دیگر در سنا ما سست و ما راه خوئی را به حوی سناحندام، و بی داسم کدختر ما حفظ نظم و قانون و رعایت بی طرفی و وطنندی دیگری بر عهده نمی گیریم. و بد هیچ عنوان زیر سلط احزاب رسا حزبی درخواهیم آمد، و ما قاطعت تمام اس فصل بوطئدها را اتسا می کنیم.

پرسنل آگاه سپهریانی و پلیس مردمی
۶۰/۳/۲۵

از همتی بس با بد ریاست ساندن ععدادی از مردوران خود می خواهد ما بد سدرج حاکمیت خود را در پلیس و سپهریانی اعمال نماید.

به همنس دلیل سرهنگ معلوم الحال حجازی را که سابق کستس فصل از انقلاب و تحایس سس از انقلاب در حرسپهر ریاست می یابد، بد همراهی ساندن قی لوی مزدوران ععدادی از مزدوران خود تروخند دیگر و ععدادی از بسجی های بد اصطلاح سستغفین را بد سپهریانی بحسبل کردند ما با اجرای یک سری طرح های ضد مردمی و از حمله راه انداختن دوا، بدی کسند و زندان سابق سپهریانی

سام خدا
مردم سرف مردم سلمان ایران همان طور که خود ساجدند و هر روز در کوحه و خیابان از نزدیک با آن برخورد دارند اقلیمی باحبر رسا حبروار تصد در دست کرسن سروسب اس ملت سیم کسند را که در راه آزادی خون دادند اسند دارد و در راه انجام مقاصد کسف خود می خواهد بد احبار نیروهای نظامی و اصطلاحی را بحت اسفاد خود درآورد.

ما پرسنل معیند سپهریانی و پلیس بد حوی می داسم که دیگر ساسی آلت دست خودگان و انحصارطلبان فرار کوریم. بحریدی دو سال بس از انقلاب بد حوی سناست داده است که ما درس خوبی از کدسند کرسیم و آن را در آینده بد کار خواهیم بست، بد همنس حیت از ابتدای انقلاب بضمیم کرسندام نطق محری قانون ساسم و حافظ نظم و آراسم مردم ساسم و به آسان خدمت کنیم و تبدیل بدالت بد سنج مقام و انسانی برای ارغاب و بخت مردم نگردیم

ما پرسنل سپهریانی و پلیس خود از نزدیک ساجدیم که حکوم بد ملت ما دپارده باحاسد و با اعتراض بد حذف رئیس جمهور مسخ خود، بد سنوان سنیها کسی که اکنون بی سواند در عقابل قانون سکی حزب حاکم اسنادکی سناست و سرفی خون سناستد خراسن سندر را که اکنون بی سواند بوسط وی حفظ کرد، حفظ نماید. لکن ارغاب حاکم برای مقابله و درهم کوبیدن مقاومت دلبران مردم سعی می کند که بد حوب و حفاق و وسایل زعب و وحسب مسک کرده و در خیابانها ععدادی با نام حفاق دار را که حضور آن ها با آواز ۲۸ مرداد سکی است براه اندازد.

بی سناست مردم معرضی حمله کند و مردم را از دم حفاق سکنس بکندارد. از طرف دیگر ارغاب بد طور وضحات می خواهد ما پلیس و سپهریانی را که باید همنس در خدمت مردم سناست در خدمت مطامع کسف خود در سناورد. رهی بی سرفی، و همنهات که پرسنل پلیس و نیروهای سپهریانی هرگز س بد اس خواری و خیانت نخواهد داد. ارغاب

اعلام حمایت درجه داران پادگان نیروی هوایی از رئیس جمهور

بوطئدهای سوم و محربی احطار کسیم که مسؤل کلیدی و بریانی ها و حرابی ها و کسار و بحزیدی کسور سنا خواهند بود ما با بوجه بد دانش سوابقی روس و جاسازی های بی دریغ که در راه محقق اسقلال آزادی، جمهوری اسلامی در جریان انقلاب به انبات رساندیم، در جهت حنی ساحت سمامی نغمه های سوم و ویرانگر و حاکمیت محد فاسم قاطعانه بد حمایت از آقای بی صدر رئیس جمهور محب و قانونی مردم بسا خواهم حاسد

درجه داران پادگان انقلاب
نیروی هوایی

سعدعالی
پرسنل سرف و آگاه
سناست های غلط و احرابی ساسی از جهل سردمداران حکومت انقلاب سکوهمس ملت عزیز ما را که با ایثار هزاران شهید و محروم بد آمده بد اسوا و برست حبار ساجد است و سگسروش موج اعتراض و نا سائی در بین بوطئدهای سملیوسی مردم کرسنده است. ولی از آنجا که حرص تدرت و زمامداری بد طرز حنون آمیزی بر آسان غلبه یانند بد جای بحدید نظر در شیوه های انحصارطلبانی خوئی و حل علمی و سطنفی بحران ساسی اجناسی انصادی بوجود بدون کسرسن بوجه بد اس که بخش اعظمی از سسیر غزیرمان ایران در اسغال مزدوران بخاورگر صدام می یابد اقدام بد ساسور و سرکوب و احساق هر فریاد اعتراض نموده اند و ما بسامل کردن قانون اساسی اس خون بهای شهیدان کلگون کس، کارر ایدانجا رسانده اند که ساسی سرفی محبوس سار مسوعست روز ساددهای غیر و اسسند غیر حری در صد حذف رئیس جمهور فرماده کل قوا که سماما هم و بلاش خوئی را مصروف بد اخراج دسما سناحوز نموده برآمدت اند از آنجا که فضای حاضر با آواز دیکما سوری و احساق سناست آریامهری و تبدیل شدن ارش، بدالتی جهت سرکوب مردم می یابد لازم می دانیم که بد کسندی دست اندرکاران چنین

مقاومت گسترده در تهران و شهرستانها

دست محروم می شود
هم حنس روز (۳/۲۱)
بیز مجددا مردم ما روحیانی که حائی از حسم عسق آن ها سست بد ارغاب و اسبیداد بود ما سناست های از فصل سنی صد، بی صدر، مقاومت سناوست

دست بد راه سناستی ردد در اس راه سناستی حمعینی قریب بد ۱۰ هزار نفر رادسما مان را حمایت می کردند در همنس روز هنگام غرور مردم سست بد کسائی که عکس های رئیس جمهور را باره می کردند اعتراض کردند و بد دنبال اعتراض بازار تعطیل کردید. روز بعد (۳/۲۲) در حالی که بازاربان بازار وکیل عکس های آقای دکتر بی صدر را بر سر در معازدهای خود نصب کرده بودند، اقدام بد باز کردن معازدهای خود کردند.

● **اصفهان:**
۳/۲۰ - ععددهای از آوارگان ساکن خوابگاه دانسگاه صنعتی که سناست های بد حساند از آقای بی صدر می دادند مورد حمله ای ععددهای با سدار فرار کرسند و چند نفر از آن ها محروم می کردند.

● **افلید آباد:**
ساعت ۵ بعد از ظهر روز سند ۶۰/۳/۲۳ هادی عفتاری

از عدا که سناستدان تقاضا می شود که کسک های مائی خود برای "سازمان مجاهدین خلق ایران" را به حساب جاری شماره ۱۳۰۰ بانک صادرات واقع در بیج شمیران واریز نمایند.

ارسال وجه توسط گنیهی کسبات بانکها در شهرستان ها و گنیهی کسبات بانک صادرات در تهران امکان پذیر است.

"مجاهد"
نشریه مجاهدین خلق ایران
سال دوم
آدرس: تهران ۱۶
سندوق پستی شماره ۶۴/۱۵۵۱